

سال دوم
آذر
نوامبر دسامبر ۱۹۸۳
شماره ۱۶
۱۳۶۲



نشریه دانشجویان موافق سازمان چریکهای خلقی خلق ایران در خارج از کشور

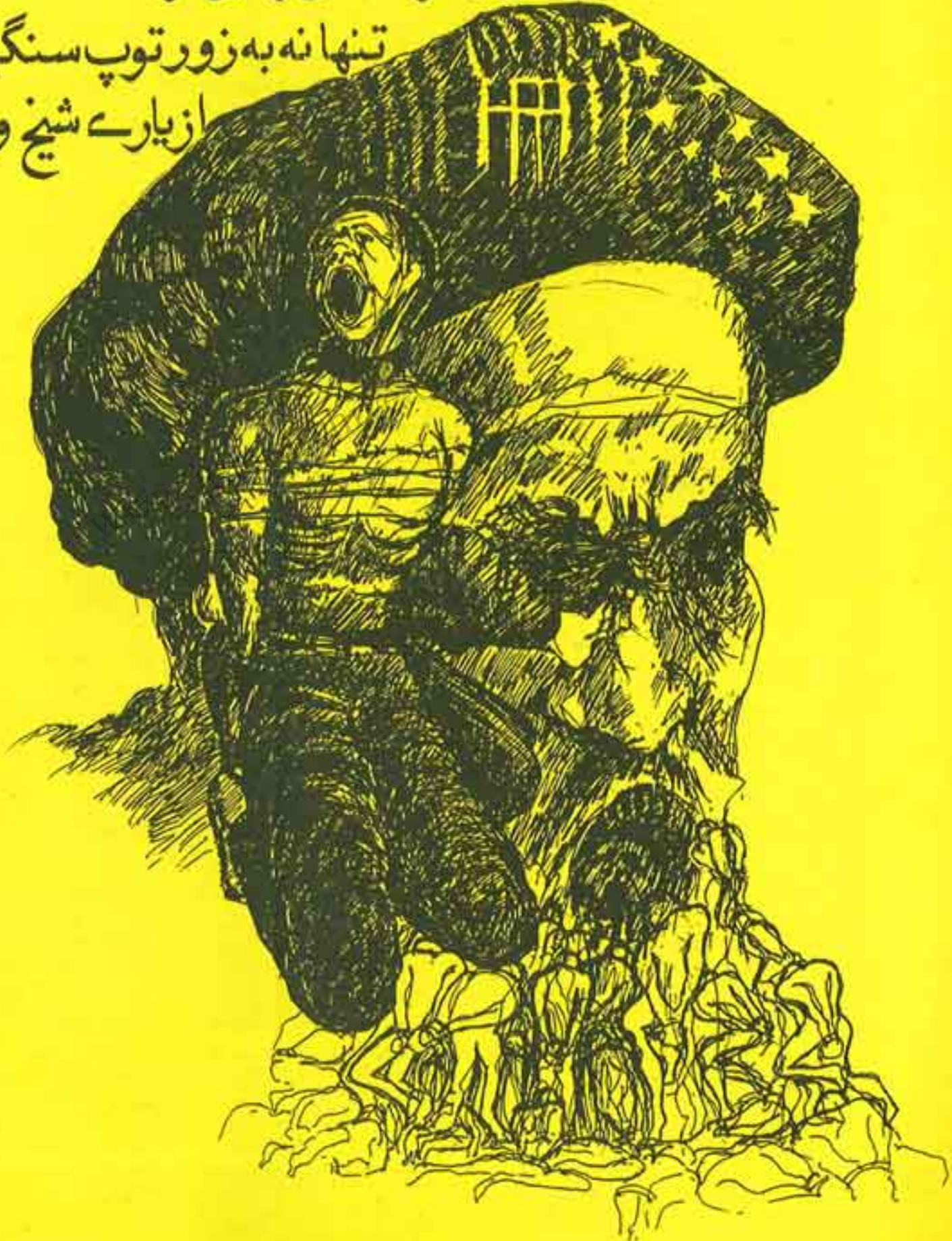
شاهان که سرای خویش تزیین کردند،

بس سفره ز خون خلق رنگین کردند،

تنها نه به زور توپ سنگین کردند،

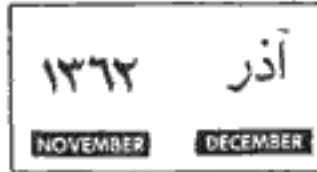
از یارے شیخ و دولت دین کردند،

آهوتی



تقویم تاریخ

شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
			۱	۲	۳	۴
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰		



اخبار کردستان

شبانگه ۶۲/۷/۲۵ نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی که یورش وحشیانه‌ای را از چند جبهه به منطقه آلان آغاز نمودند، نیمه شب در جبهه گرویس به کمین پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران، کومه‌لسه و هیزی به رگری (نیروهای مقاومت ملی) افتادند. پیشمرگان قهرمان پس از درگیری شدید با مزدوران رژیم، به پشت روستای گرویس عقب‌نشینی کردند و بر بلندبهای مشرف به گرویس موضع گیری نمودند. پیشمرگان قهرمان فدائی که به محض اطلاع از یورش رژیم بلافاصله بسوی جبهه شتافته بودند، در ساعت ۶۲/۷/۲۶ در جبهه گرویس روبروی دشمن موضع گرفته در حالیکه مزدوران رژیم مرکب از جاش، پاسدار، ارتشی، قیاده، و مزدوران افغانی مرتباً مواضع پیشمرگان را با توپ و خمپاره میکوبیدند. در ساعت ۱۲ چند دسته از پیشمرگان قهرمان فدائی، حزب دمکرات، کومه‌له، راه کارگر و مجاهد به مقر پاسداران حمله بردند و توانستند روستا را از لوث وجود مزدوران رژیم پاک کنند. مردم روستا با شور و شادی بسه استقبال فرزندان قهرمانان شتافته و بسه کمک و باری آنان پرداختند. پاکسازی روستا از وجود مزدوران رژیم، تا ساعت ۵ بعد از ظهر بطول انجامید. حمله پیشمرگان چنان برقی آسا بود که مزدوران تعدادی از زخمی - های خود را برجا گذاشته و مجبور به فرار شدند. یکی از جاش‌های خود فروخته به نام صن رحیمی اهل سفر و یک پاسدار بنام علی عسکری که در این درگیری به اسارت درآمده بودند، پس از محاکمه و محرز شدن جنایت و سرسپردگی آنها، توسط پیشمرگان سازمان اعدام شدند. مقداری مهمات نیز توسط پیشمرگان سازمان مبادره گردید. (نقل از ریگای که‌ل شماره ۱۱)

گزارشی از مراسم تسلیح سومین دوره آموزشی

روز جمعه ۲۲ آبان ماه، طی مراسم باشکوهی، سومین دسته از پیشمرگان دوره شهید سعید رحمتی تسلیح گردید و به صف پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوستند. مراسم تسلیح در یکی از روستاهای مناطق آزاد کردستان با ورود سازمان آغاز گردید و سپس یکی از پیشمرگان اولین دوره آموزشی در باره تجارب عملی چند ماهه خویش و ضرورت برپائی و نقش دوره آموزشی صحبت کرد. در این مراسم از شهید رفیق محمد کسندانی (معروف به همه کن) یکی از فرماندهان نظامی جفخا که بقیه در صفحه ۱۰

- آذر ۱۳۰۶ کنفرانس اتحادیه‌های کارگران نفت جنوب
- آذر ۱۳۲۲ تصویب قانون جلب سرمایه‌داری خارجی
- آذر ۱۳۲۲ تشکیل کنفرانس تهران با شرکت سران کشورهای متفق، استالین، روزولت و چرچیل
- آذر ۱۱۹۹ تولد فریدریش انگلس (۱۸۲۰)
- آذر ۱۳۲۲ تشکیل فدراسیون دمکراتیک بین‌المللی زنان
- آذر ۱۳۲۲ روز دانشجو، شهادت سه دانشجوی انقلابی، بزرگ‌نیا، شریعت‌رضوی و قندچی
- آذر ۱۳۲۲ تشکیل حکومت ملی آذربایجان
- آذر ۱۳۲۵ سرکوب جنبش دمکراتیک آذربایجان و کشتل عسکام هزاران نفر از مبارزین در شهرها و روستاهای آذربایجان، توسط رژیم شاه
- آذر ۱۳۲۳ حمله چاقوکشان حزب وطن به کارگران تاهی و مجروح کردن تعداد زیادی از کارگران
- آذر ۱۳۵۸ تولد جوزف استالین (۱۸۷۹)

جهان ویژه آکسیون ۷ نوامبر (اشغال سفارت و دفتر هواپیمائی‌های رژیم) را بخوانید.



وزنه
آکسیون سراسری ۷ نوامبر
۱۳۶۲
۱۹۸۳



گرامی باد خاطر

آزاد

چرخش جدید در سیاست امپریالیسم نسبت به رژیم ایران؟

میشوان در بستر چنین گرایشاتی معنی کرد. برنامه تلویزیونی مهم "بازی بحران" که چهار شب متوالی از شبکه ABC پخش گردید، تبلیغات و موضع گیری های بعضی از مقامات آمریکایی مبنی بر مقرر دانستن رژیم خمینی در بمب گذاریهای اخیر در لبنان و کویت، تبلیغات و تهدیدهای تحریک آمیز در مورد تحریم محموله های پستی از ایران که با تعبیرهای مربوط به گروگان گیری و اشفصال سفارت آمریکا در تهران (که اخیرا رژیم منتشر کرده است) ارسال میشود در یک کلام تحریک افکار عمومی در آمریکا بر علیه ایران، نمایانگر رشد گرایشی در ضدیت و فشار بیشتر بر علیه رژیم خمینی جداگانه در بین جناح هایی از امپریالیسم آمریکا میباشد. اما از سوی دیگر مخالفت دولت آمریکا با فرانسه در مورد تحویل هواپیماهای سوهراتاندار به دولت عراق و ... نمایانگر آنست که سیاست کلی آمریکا هنوز هم متعادل بر این است که مانع تغییر اساسی در توازن قوای دو طرف جنگ ایران و عراق شده و از تداوم یک جنگ فرسایشی و محدود بنبوی

انتقام گیری از رژیم خمینی برای نقشی که گویا در انفجارهای اخیر علیه نیروهای آمریکایی در لبنان و کویت داشته است، معانعت از ارسال اسلحه و لوازم بدکی به ایران (که از طریق عوامل اسرائیلی، با بازار سیاه و حتی برخی شرکتهای آمریکایی منتهی با بروی خود تیار کردن دولت آمریکا صورت میگیرد و یا از طریق متحدین آمریکا نظیر آلمان غربی و انگلستان و با رژیم های وابسته به امپریالیسم علنا به ایران فروخته میشود) هستند و گرایش دیگر همچنان اهمیت استراتژیکی ایران را بسیار مهمتر دانسته و ونسبت به منافع آمریکا، حکومت خمینی را به آژناتیوهای دیگر ارجح میداند. بنظر میرسد که کنگره آمریکا در مجموع خواهان حفظ رژیم ایران بوده و به اصلاح واستحاله آن در جهت نزدیکی و تقاضای بیشتر با غرب امیدوار است. برنامه های تبلیغی و تحریک آمیز اخیر و مسائل ارتباط جمعی در آمریکا را

بدنیال تعمیق بحران در خاورمیانه، بویژه گسترش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در لبنان و درگیری آن با سوریه و ... مسئله ایران و سرنوشت جنگ دولشین ایران و عراق را از بیچیدگسی و اهمیت با زهم بیشتری برخوردار کرده است. عدم تثبیت رژیم و ناکامل بودن استحاله مطلوب و مورد نظر امپریالیسم در ترکیب حاکمیت جمهوری اسلامی، لاینحل ماندن بحران اقتصادی و سیاسی در سطح جامعه، وجود آژناتیو بالقوه چپ علیه تمام سرکوبها و خون ریزی ها، غیرقابل پیش بینی بودن حرکات و سیاستهای رژیم در منطقه و تداوم حرکات تروریستی نیروها و جریانات وابسته به خمینی و ... عواملی است که امپریالیسم را در ادامه موضع "بیطرف" خود در جنگ ایران و عراق مورد ساخته است. از نوشته ها، تفسیرها و تحلیل های مطبوعات آمریکا چنین برمیآید که در این زمینه دو گرایش در هیئت حاکمه آمریکا بوجود آمده است. بطوریکه عده ای از ... مشاورین ریگان خواهان ...

فهرست مطالب

۲۳	و برنامه اتحاد شوروی در قبال آن	۵ اخبار ایران
	دیدگاهها: بررسی تاریخی انترناسیو-	۹ کشیدن خون زندانیان
۳۵	نال کمونیستی (کمینترن)	۱۰ اخبار جنبش بلوچ
۳۵	نامه ای از ایران	۱۰ یادشدهای سال ۵۸ بندرانزلی گرامی باد
۳۷	اخبار جهان	۱۱ اخبار جنبش دانشجویی
	پاکستان: یکی دیگر از نوکران	 گزارش اشغال دفتر هواپیمایی ایران
۳۹	آمریکا به خطر افتاد	۱۱ در هند
	بمناسبت سده درگذشت مارکس: درک	 آکسیونهای هواداران سچفا در خارج
	مادی از تاریخ، بحث پنجم: دولت	 در اعتراض به دستگیری ۱۰ نفر از
۴۲	روبنای حقوقی و سیاسی	۱۱ رفقا در انگلستان
۴۳	بحث ششم: ایدئولوژی "هفته اعتراض" در "هفته صلح" -
۴۶	از خوانندگان	۱۴ "رنجیر انسان"
۴۸	جدول مجاهدین: شکست یک استراتژی، بخش
۴۹	شعر، سخنی با دوستان سراینده چهارم - اندر اوصاف مقاله "صبر
	اطلاعیه مالی سچفا - کمیته خارج از	 انقلابی مجاهدین و سوء استفاده های
۵۰	کشور	۱۸ ناجوانمردانه!
۵۱	گرامی باد خاطره رفقای فدائی استراتژی نظامی امپریالیسم آمریکا

که در منطقه گسترش نیابد، و هر دو رژیم را مشغول بدارد، و به گسترش نفوذ آمریکا در منطقه و سرکوب جنبش فلسطین کمک رساند، حداکثر بهره را بجوید.

در اینجا لازم بنظر میرسد که در مورد برنامه تلویزیونی "بازی بحران" توضیحات بیشتری داده شود و به زمینه های سیاسی و اجتماعی نمایش چنین برنامه هایی اشاره گردد.

با توجه به روند هرچه تهاجمی تر و میلیتاریستی تر شدن سیاست امپریالیسم که در ارتباط با تعمیق بحران جهانی سرمایه میباید، خطر جنگ اتمی از جدیست خاصی برخوردار شده است (رجوع شسود به مقاله استراتژی نظامی آمریکا و ... در همین شماره). در سراسر جهان نیروهای انقلابی، کمونیستها، دموکراتها، بشردوستان و ملج دوستان و حتی جناحهایی از بورژوازی به مقابله و مقاومت در مقابل برنامه های جنگی حکومت ریکان برخاسته اند. وسعت بی سابقه اجتماعات ضد جنگ و ضد مسابقات تسلیحاتی در اروپا و آمریکا که البته بسیار اوقات محتوای فرمیستی و بورژوازی دارد، انعکاسی از این واقعیت است. در همین ارتباط اخیراً در مطبوعات و رادیو و تلویزیونهای آمریکا نیز برنامه هایی در باره احتمال درگیری اتمی بین آمریکا و شوروی و خطرات جنگ های هسته ای ترتیب داده میشود. بعنوان مثال در تاریخ ۱۸ نوامبر شبکه تلویزیونی ABC به نمایش فیلم پر سروصدا و ۷ میلیون دلاری "روز بعد" (The Day After) مبادرت ورزید و میلیونها آمریکایی برای اولین بار تجسمی از آثار و نتایج وحشتناک جنگ اتمی را مشاهده کردند. البته این فیلم پس از یک دوره کشمکش بین سازندگان آن از یک طرف و کابینه ریگان و پنتاگون و مدیریت ABC از طرف دیگر بروی صحنه آمد و طی ساختن فیلم در اثر فشار پنتاگون و دولت آمریکا تغییراتی در سناریو آن برله آمریکا و علیه شوروی، در زمینه اینکه چه طرفی آغازگر جنگ اتمی بوده است و بهره داده شده بود. با وجود این نمایش فیلم از طرف مخالف ضد جنگ و ضد گسترش تسلیحات اتمی مورد استقبال قرار گرفته و در بسیج افکار عمومی بر علیه گسترش بودجه نظامی آمریکا و برنامه های جنگ طلبانه دولت ریگان موثر بوده است. درست دو روز بعد از نمایش این فیلم

جنگالی بود که سیاستمداران امپریالیسم با برگزاری یک برنامه بسیار حساب شده تبلیغاتی تحت عنوان "بازی بحران" و بمدت چهار شب متوالی و از همان شبکه تلویزیونی تلاش نمودند اثرات مثبت فیلم "روز بعد" را خنثی سازند.

این برنامه که با شرکت سردمداران "دمکراتها و جمهوریخواهان" و چهره های معروف سیاسی آمریکا و بصورت یک نمایش اجرا میشد، سناریوئی را ارائه میکرد که بر اساس آن درگیری نظامی شوروی و آمریکا در سال ۱۹۸۵ از منطقه خلیج و بر سر ایران آغاز خواهد شد. بطوریکه پس از مرگ خمینی و آغاز جنگ داخلی در ایران، نیروهای چپ در قسمت های شمال و شمال غربی قدرت را بدست خواهند گرفت و شوروی نیز برای باری رساندن به آنها وارد نواحی شمالی ایران خواهد شد و در جنوب نیز یک سرهنگ ارتشی طی کودتایی اعلام حکومت نظامی میکند و برای جنگ با نیروهای چپ از آمریکا کمک می طلبد و آمریکا برای باری رساندن به "افسران میهن پرست" قسمت های جنوبی ایران را اشغال خواهد نمود. البته طی نمایش که جنبه های مذاکرات و تصمیم گیری های سیاسی را در کاخ سفید مجسم مینمود، گفته شد که حتی اگر چنین کمکی از آمریکا خواسته نشود برای توجیه ورود قوای آمریکا به ایران چنین پوششی را بکار خواهند برد چرا که هدف اصلی آمریکا جلوگیری از قدرت گیری نیروهای چپ در ایران و ممانعت از دست یابی شوروی به آبهای خلیج و منابع نفتی آنست و چرا که منطقه خلیج برای منافع آمریکا و اروپا حیاتی است. بهرحال مطابق این برنامه، نیروهای شوروی و آمریکا از طرف شمال و جنوب در داخل خاک ایران تا به فاصله ۱۵۰ مایلی به یکدیگر نزدیک میشوند ولی با وجود اینکه برخوردی از مشاورین رئیس جمهور خواهان کاربرد سلاحهای اتمی علیه پیشروی قوای چپ و شوروی میگردد، داستان با عقب نشینی شوروی و مذاکره دو طرف برای خروج تدریجی نیروها پایان می یابد. پیام های اصلی این نمایش سیاسی برای مردم آمریکا عبارت از این بود که: (۱) منطقه خلیج و ایران از اهمیت استراتژیکی فوق العاده برای "دنیای آزاد" برخوردار است. بطوریکه محتمل ترین نقطه آغاز درگیری شوروی و آمریکا همانا ایران خواهد بود. (۲) دولت آمریکا در صورتیکه بتواند از لحاظ تسلیحات اتمی آنقدر قوی و مجهز باشد، شوری جرئت مقابله، ایستادگی و پیشروی نخواهد داشت و در نتیجه حتمی بدون توسل به سلاحهای هسته ای از طریق جنگهای متعارف و تسلیحات و نیروهای

معمولی (نظیر نیروهای واکنش سریع) و با "گسترش اتمی" جنگ (اصطلاحی که پنتاگون برای اشغال کوبا با یکی دیگر از کشورهای اردوگاه سوسیالیستی بمنظور فشار بیشتر وارد کردن بر شوروی، بکار می برد)، میتوان شوروی را سرچایش نشان داد! به بیان دیگر نباید از تماشای فیلم "روز بعد" و امثالهم دچار وحشت و مخالفت با تدارکات اتمی دولت شویه چرا که هرچه مجهزتر شدن اتمی آمریکا خواهد توانست خطر جنگ جهانی را کاهش دهد و شوروی و خلقهای تحت تسلط را مرعوب سازد. (۳) جلب اعتماد مردم آمریکا - به ملحدوستی و تصمیمات منطقی دولتمداران و برنامه ریزان سیاسی.

پیام سیاسی این برنامه در مورد شوروی نیز خط و نشان کشیدن و جنگ و دندان نشان دادن هرچه بیشتر و اتمام حجت و هشدار مبنی بر اینکه آمریکا دخالت شوروی در ایران و قدرت گیری چپ را بهیچ وجه تحمل نخواهد کرد، حتی تا پایان جنگ اتمی، و بالاخره پیام و نتیجه گیری حاصل از

این برنامه و تبلیغات مشابه آن برای مردم ایران عبارت از این است که:

۱- امپریالیسم به تحکیم موقعیت رژیم فعلی در ایران اعتمادی ندارد و آینده نزدیک ایران را متحول و پر آشوب می بیند و خود را برای تحولات آتی آماده میسازد.

۲- با وجود سرکوبهای وحشیانه چپ توسط رژیم خمینی و امتنانی که امپریالیسم از این بابت نسبت به خمینی احساس میکند، هنوز هم از پتانسیل و قدرت بالقوه چپ در ایران هراسان و بیمناک است.

۳- در صورت رشد نیروهای چپ و بالفعل شدن قدرت زحمتکشان در ایران، امپریالیسم مبادرت به دخالت مستقیم نظامی و با تمام قوا خواهد نمود و در صورت توان تا پسای جنگ جهانی پیش خواهد رفت.

۴- اهمیت حیاتی و استراتژیکی ایران برای منافع سرمایه داری جهانی و اثرات تعیین کننده آزاد شدن ایران بر روی خلقهای کارمیان.

بازی، امپریالیست ها به هزارگونه لطایف الحیل متوسل میشوند و مدها برنامه و نقشه برای حفظ حیات خود میکشند و هزاران نوع ابزار جنگی و آلات قتاله برای نابود کردن زحمتکشان میسازند، اما تاریخ نشان داده است که هر جا که خلقها آگاهانند و هدفمند بپا خاسته اند، امپریالیسم را با تمام قدرت و یال و پونالیش به زانو در آورده اند. اینرا تاریخ میگوید، اینرا خلق قهرمان ویتنام نشان داده است و دیر نیست روزی که خلقهای ایران نیز کور دیگری برای امپریالیسم بسازند. ☆

گشت و گذار

انسان وقتی روزنامه‌های جمهوری اسلامی را با تمام تحریقات و سانسورهایش ورق میزند، از لابلای مطالب آن میتواند بسبب معائب و مشکلات دردناکی که این رژیم "حامی مستضعفان" برای ملت ما به ارمغان آورده بی‌ببرد. سردمداران مرتجع رژیم همواره این مشکلات و معائب را به رژیم گذشته ربط داده‌اند. البته از اینکه رژیم گذشته نیز چون اینان در پی غارت اموال ملی و بسبب تاراج دادن آن بوده است حرفی نیست، ولی در تاریخ انقلابات متعددی رخ داده که رژیم غارتگر، خائن و وابسته سرنگون شده و مردم آن کشورها تحت رهبری حکومت مردمی و انقلابی توانسته‌اند خیلی سریع با کمبودها و مشکلات بطور انقلابی برخورد کرده و کشورشان را در مسیر پیشرفت قرار دهند. ولی در جمهوری سفیدان از آنجائیکه ماهیت اجتماعی و عقب‌گراست، از همان آغاز مسیر حرکت‌سازنده مردم را بطرق مختلف سد نموده و حتی در جهت عکس آن حرکت کرده‌اند. اگر برای مردم توهم‌زده تا یکی دو سال بعد از قیام، مشکلات را به رژیم گذشته نسبت دادن قابل قبول بود و منطقی بنظر میرسید، ولی بعد از گذشت قریب ۵ سال از قیام، دیگر چنین نیست، بخصوص که این معائب و مشکلات هر روزه بیشتر و بیشتر می‌گردد. برای پی بردن به این واقعیت و جهتیمی که جمهوری سفیدان برای مردم ساخته است، سری به "اسلام شهر" می‌زنیم.

میرسعید میرزاده شهردار "اسلام شهر" در مصاحبه‌ای با خبرنگار کیهان که گویا اختصاصی هم بوده، از مسائل و مشکلات منطقه صحبت میکند. وی ابتدا در مورد تاریخچه تاسیس این شهر می‌گوید: "اسلام شهر که ۱۲ الی ۱۵ سال از آغاز ساختمان آن می‌گذرد با یکسری مشکلات و مسائل روبروست این شهرک و شهرکهای مشابه در زمان رژیم طاغوت برای جوابگویی به خیل روستاییانی که از زمین‌های خود رانده شده بودند، بوجود آمدند" وی سپس توضیح میدهد که جمعیت این منطقه به ۱۲۵ تا ۱۷۵ هزار نفر رسیده و اغلب مردم خواستهای بیشماری داشته‌اند که رژیم شاه قادر به پاسخگویی نبوده است. شهردار اسلام شهر سپس ادامه میدهد که پس از انقلاب شکوهمند "اسلامی" مردم شرایط را آماده دیدند تا خواستهای را که طی سالیان دراز در دل خود نگاه داشته بودند، بیان کرده و از دولت جمهوری اسلامی طلب کنند. آنگاه آقای شهردار که خود نیز شاهد است که بعد از

گذشتن سال از قیام نه تنها به این خواستها پاسخ داده نشده، بلکه اوضاع بدتر نیز شده است، ابتدا کلی مغسری و کبری می‌یافتند که: "در زمان حکومت دولت موقت در حقیقت سلطنت طلبها، به مردم چیزی داده نشد و بعد از آن هم در زمان صدر - الامظمی بنی صدر بهر حرف و وعده چیزی به مردم نرسید". در اینجا خواننده انتظار دارد که لابد جناب شهردار قصد دارد بگوید که ببینید پس از حذف خریفان و برادران - سابق، حال اسلام شهر یک‌دسته گل شده است. ولی غیره، وقاحت در جمهوری سفیدان حد و مرز نمی‌شناسد. آقای شهردار بدون اینکه بگوید حال که خریفان و در واقع هم گرگان گردنه سابق که رفته‌اند دیگر بهانه چیست، با زیرکی از آن گذشته و مشکلات اسلام شهر را یک‌بیک در ۹ بخش بیان میکند:

(۱) آب. از نظر آب، ۱۶ موسسه آب‌رسانی بطور پراکنده وجود دارد که موسسه آن در دست شهرداری و بقیه منابع آب عمدتاً در دست سرمایه‌داران خصوصی است. اولاً امکان تصفیه وجود ندارد و در ثانی با توجه به سودجویی که شده و میشود و نارسائی‌ها و کارشکنی‌ها که وجود دارد عملاً مشکل آب در تابستان مشکل عمده منطقه میباشد.

(۲) از نظر درمانی، اسلام شهر با وجود ۲۸ شهرک زیر پوشش شهرداری، این منطقه متأسفانه بیمارستان و زایشگاه ندارد و اهالی برای یک بیماری ساده یا با پسد یا امکانات محدود خصوصی موجود در منطقه بیمارند و یا راهی تهران شوند و وقتست و پول بیشتری نیز صرف کنند.

(۳) از نظر مسکن، زمینداران کلان و سودجو با قولنامه زمین مردم را از چنگشان بیرون کشیده و خود را کنار میکشند و پس از آن شهرداری می‌ماند و مشکل برخورد و دعوا با اهالی زمینکش و مستضعف.

(۴) برق. یک مشکل دائمی شده و مردم ما را مشول دانسته و از ما طلب آب و برق میکنند که عملاً قادر به جوابگویی آنها نیستیم.

(۵) بهداشت. با وجود مرقداریها و گاوداریها و سایر مسائل، وضع بهداشت در اینجا اسفناک است. شیوع برقان، شیخو اسهال امری عادی است.

(۶) کمبود پارک، ورزشگاه، کتابخانه و سینما که با توجه به دوری راه تا تهران و کمبود عجیب امکانات تفریحی پاسخگویی به مسائل فوق اهمیت زیادی دارد و عملاً در منطقه ما به پارک نه کتابخانه و نه سینما و امثال اینها وجود ندارد و مردم در زمستان و تابستان هیچ امکاناتی برای

تفریح سالم ندارند. جوانان در کوچه و خیابان سردرگم هستند و بهترین تفریح اهالی قدم زدن روی ریلهای راه آهن است. (۷) وضع اتوبوس و مینی بوس نیز در این منطقه بسیار بد است و مناسبانه تعداد اتوبوسهای شرکت واحد بسیار اندک است و با توجه به شلوغی این خط عموماً اتوبوسها غراب‌بوده و متوقف هستند.

(۸) وضع ناپسمان توزیع... سهمیه درست و مناسبی از ارزاق برای این منطقه وسیع در نظر گرفته نشده و این مسئله باعث نارضایتی شدید اهالی است. کمبود مرغ و تخم مرغ و کره و ... در حالیکه اهالی هر روز از بوی نامطبوع مرقداریها و گاوداریها در عذاب میباشد، توجه مفلسه را برای آنها مشکل تر میکند.

(۹) کمبود مدرسه و دبیرستان، آموزشگاه حرفه‌ای و بهیاری و پرستاری نیز وجود دارد. و این است‌شده‌ای از موقعیت اسلام شهر در جمهوری سفیدان از زبان خودشان. شهری با جمعیت بین ۱۲۵ تا ۱۷۵ هزار نفر. حساب شهرهای کوچک‌تر و روستاها روشن است. اسلام شهر و اسلام شهرها نمونه‌هایی کوچک از جنم بزرگ جمهوری امام "حامی مستضعفان" است. و در واقع تا زمانیکه سیستم سرمایه‌داری وابسته در جامعه ما چه بشکل جمهوری اسلامی آن یا هر نوع جمهوری اسلامی دیگر یا برجاست، اسلام شهرها نیز با مشکلات و معائب دردناک خود باقی خواهند بود.

همه امکانات برای

بخش خصوصی

(سرمایه‌داران)

محمد تقی بانکی، وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه در مصاحبه‌ای با خبرنگاران در رابطه با فعالیت بخش خصوصی و احیای بازار بین‌المللی گفت: "در ترفیع بخش خصوصی بیشترین نقش را مسئولین سیاسی و اقتصادی مملکت داشته‌اند و از نظر اینکه بخش خصوصی اگر وارد بازار تولید بشود دولت هر گونه امکاناتی که دارد در اختیار آنها قرار میدهد. تنها مسئله‌ای که در رابطه با بخش خصوصی وجود دارد این است که الان با توجه به تورمی که در مملکت هست احتمالاً بخش خصوصی ترجیح میدهد که بیشتر در کار توزیع باشد تا تولید، که سود دهی بیشتر دارد (!!) که امیدوارم دولت در رابطه با کاهش تورم اقداماتی انجام دهد تا بتوان بخش خصوصی را به طرف کارهای تولیدی کشاند."



در مجلس شورای اسلامی چه میگذرد!

این روزها که پایان دوره نمایندگی مجلس است هر کس سعی میکند با مطرح کردن تضایب پشت پرده، ضمن وانمود کردن وفاداری خود به ملت مستضعف، بته کثافت کاریهای دیگران را روآب بیاندازد. از جمله شوالی است که مادی خلقالی در مجلس از وزیر دادگستری کرده است. خلقالی جلاد سوال خود را از وزیر دادگستری در مورد جواد فرخنده مقام شوهر همشیره آقای لاجوردی جلاد چنین مطرح میکند:

"بعد از آنکه من از دادگاه مبارزه با مواد مخدر استعفا دادم، تلفنی به من اطلاع دادند که عده ای آمده اند و میخواهند فروش اشیاء قدیمی و عتیقه های موجود در انبارها را ببرند. من به خیابان فردوسی که محل انبارها بود رفتم، گفتم آقایان به دستور چه کسی میخواهید این اشیاء را ببرید. آقای جواد فرخنده مقام گفت من از طرف دادستانی آمده ام. به فرخنده مقام گفتم در انبار را مهروموم کنم تا فردا سر فرصت به این مسئله رسیدگی کنیم. موافقت کردند. فردای آنروز به من تلفن زدند و گفتند به انبارها ریختند و کلیه اشیاء و عتیقه، فروش و تریاکها را بردند. معلوم نشد به کجا بردند و چه برآنها آمد!"

خلقالی آنگاه اضافه میکند: "بعد از آنکه قدوسی شهید شد آمدند در همین مجلس گفتند ۹۰ کیلو از طلاهای موجود نزد قدوسی را دزدیده اند. همچنین ارز خارجی که بطور زیاد وجود داشت، از جمله ۲۰ کیلو طلاهای دزدی ابتهاج که آیت الله منتظری... قدوسی داده بود همه رفت و شما میدانید که مرحوم قدوسی را در دادستانی شهید کردند. بعد هم سراغ آن کمد ها رفتند و همه پولها و شروتها را برداشتند و رفتند. وزیر دادگستری در جواب خلقالی میگوید اینسن

قضیه در جریان است. نشیخه: صد و ده کیلو طلای ناب + فرش ها + عتیقه ها + ارزهای خارجی + پولهای نقد + تروت + ... همدرفت. و قضیه در جریان است!

مدیریت ها، در مورد اخراج کارگران بیشتر دقت کنید!

ابوالقاسم سرحدی زاده، وزیر امور کار و امور اجتماعی در مباحثه ای در رابطه با مشکلات کارگران گفت: "عده تریسن مسئله ای که از سوی کارگران مطرح میشود، مسئله اخراج آنها از کارخانجات است که از این زمینه در درجه اول سعی میشود مستقیماً با مدیریت تماس گرفته شده و موضوع رسیده گی شود." وی ادامه میدهد "مدیریت ها در مورد اخراج کارگران بیشتر دقت کنند و هر کس را با یک تخلف کوچک کنار نگذارند." وزیر کار در مورد خواست کارگران در رابطه با اضافه کاری و افزایش دستمزد در بخش هایی که کار طاقت فرسایتر دارد، گفت: "از کارگران عزیز و اسلامی میخواهیم که در حال حاضر با توجه به مشکلات موجود در کشور، قدری مدارا و حوصله داشته باشند."

سر یک کارگر ۲۳ ساله

زیر پرس له شد کیهان مورخ ۶۲/۸/۱۰ در گزارشی که بعد از این حادثه بازرسی وزارت کار از محل حادثه و چگونگی وقوع پیوستن آن بعمل آورده میخوانیم: "چندی است حوادث ناشی از کار با پرس طبق آمار بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی بیشترین رقم را در حوادث ناشی از کار در کارگاه های تولیدی و صنعتی پیدا کرده و اغلب این حوادث تنها بر اثر اهمال کاری و ساده اندیشی کارفرمای سودجو پیش آمده است.

در بررسی حادثه مذکور، مشخص شد دستگاه مذکور از نقطه نظر حفاظتی مجهز به سیستم درجه با میکروسویچ بوده است بطوریکه تا درجه باز است پرس عمل نمی نماید. بنا بر این احتمال ورود دست و یا سایر اعضای بدن به منطقه عمل و خطرناک پرس غیر ممکن است. متأسفانه سیستم حفاظتی این دستگاه پرس برای افزایش تولید و بازدهی بیشتر (!!) دستکاری شده بود و با مهارت خاصی (!!) با استفاده از مقداری نخ و ترفره عملاً سیستم حفاظتی را از کار انداخته بودند. بنحویکه با کشیدن نخ حتی در مواقعی که درجه حفاظتی باز باشد پرس عمل مینماید. کارگر متوقسی (موسی مزینانی ۲۲ ساله) در روز حادثه هنگامی که نخ متصل به میکروسویچ را در دست داشته برای بررسی یا بهر علت دیگر سرش را به منطقه عمل پرس می برد که ناگهان نخ کشیده شده و پرس عمل مینماید و کارگر بر اثر ضربه و پرس شدن جمجمه اش فوت میکند.

ادامه رحمت

مظفی هاشمی وزیر صنایع جمهوری اسلامی در گفتگویی با خبرنگار کیهان در رابطه با جنگ گفت: "جنگ باعث رحمت ها شده است زیرا در اثر سرور جنگ جامعه ما متوجه چیزهایی شد که در حالت عادی متوجه آنها نبود. جنگ موجب شد که تحرک اقتصادی و جوش و خروش در مردم بیشتر شود و حالت رکودی که گاهی بعضی ها را میگردد، از بین برود." سپس وزیر صنایع میافزاید: "با توجه به اینکه امام امت فرمودند اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد ما ایستاده ایم و با توجه به اینکه اگر وابستگی را ادامه بدهیم و اقتصاد ما به کشورهای غربی وابسته باشد، آهسته آهسته از نظر سیاسی نیز به سمت سازش با کشورهای بزرگ خواهیم رفت به همین علت باید آن رحمتی را که جنگ برای ما آورده ادامه بدهیم و اقتصاد خودمان را بر مبنای اقتصاد جنگی پایه ریزی کنیم."

ما نور عظیم! تبدیل لنجهای ما هیگیری به ناوهای جنگی

کیهان گزارش داد که طی ما نور عظیمی که در محدوده تنگه هرمز در سراسر استان هرمزگان توسط نیروهای حزب الله انجام شد، کلیه قشرها آمادگی خود را جهت مقابله با هر قدرت متجاوز خارجی اعلام کردند. خبرنگار کیهان میافزاید: "در دریا لنج های ماهی گیری و قایق های سرداران صیاد با حضور در محدوده تنگه هرمز و نزدیکی ساحل دست به ما نور نظامی زدند که شدیداً مورد توجه امت همیشه در صحنه قرار گرفت. آنگاه

کیهان ادامه میدهد: "این مراسم با شلیک چند تیر توپ و آرمی جی هفت تایی ها و لنج های ماهیگیری برادران صیاد و دعای حاضرین برای طول عمر رهبر انقلاب و پیروزی رزمندگان در جبهه ها به پایان رسید!!"

استاندار هرمزگان نیز تحت تاثیر این مانور نظامی عظیم تلگرافی برای اهالی مومن فرستاده که در قسمتی از آن آمده است: "در صورت لزوم از شما عزیزان دعوت به تبدیل لنج های ماهیگیری آن به ناوهای جنگی مسلح به ایمان و عشق و ایثار خواهد شد!"

عکس العمل رژیم درباره قطنامه سازمان ملل

شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ای مبنی بر قطع هرگونه درگیری در منطقه خلیج فارس توسط عراق و ایران را تصویب نمود دولت فرانسه در تدوین این قطعنامه کوشش زیادی کرد چرا که میخواست قبل از اعلام رسمی تحویل هواپیماهای سوپر اتاندارد به عراق، اینطور نشان دهد که تلاش برای صلح در منطقه خلیج فارس است. جمهوری اسلامی با ارائه "دلائلی" نظیر اینکه چون فرانسه جزو اعمای دائمی شورای امنیت است، مسا نمیتوانیم قطعنامه های شورای امنیت را قبول کنیم، این قطعنامه را نیز مانعند سایر تصمیمات سازمان ملل رد کرده است. رد این قطعنامه توسط دولت جمهوری اسلامی از این جهت حائز اهمیت است که هرچه بیشتر ماهیت جنگ طلبانه و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را در نزد جهانیان افشا نموده است رژیم ارتجاعی عراق نیز با اعلام اینکه ادامه حملات ایران بمعنی زیر پا گذاشتن قطعنامه سازمان ملل متحد مبنی بر آتش بس

در جبهه ایران و عراق میباشد، به شورای امنیت سازمان ملل اطلاع داده است که دولت عراق به خود حق میدهد نیروها و تجهیزات ایران را در هر کجایی که باشند مورد حمله قرار بدهد.

روابط بسیار خوب!

میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی در راس یک هیئت عالی رتبه مرکب از سرهنگ سلیمی وزیر دفاع، آقا زاده وزیر مشاور و گروهی دیگر وارد کره شمالی شد. موسوی نخست وزیر در فرودگاه طی معاویه ای گفت: "ما با جمهوری دموکراتیک کره روابط خوبی داریم و در رابطه با خرید تجهیزات روابط ما در حد بسیار خوب است." سفر موسوی بدنبال سفر نخست وزیر کره شمالی به ایران در سال گذشته صورت گرفته است.

مدیون جمهوری اسلامی

اخیرا شرکت تالیوت موتور از شعبه های مجتمع بیژن تالیوت در لندن اعلام کرد که در عرض ۶ ماه، ۱۸ میلیون فرانک سود برده است این سودبری شرکت تالیوت، بعد از ۱۰ سال خیر، مدیون خریدهای جمهوری اسلامی، بهبود بازار فروش انگلستان و شروع تجدید تولید میباشد.

جمهوری اسلامی مبادرت به

خرید برنج و فروش نفت به تایلند میکند

به نقل از روزنامه بانکوک پست، قائم مقام وزیر بازرگانی تایلند، با پروتانا چای پورن، در یک معاویه اعلام کرده است که ایران موافقت به خرید ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار

تن برنج مد در مد درجه ۲ در سال آینده از اتحادیه مادرکنندگان برنج تایلند کرده است. وی گفت در همین زمینه یک تیم ایرانی برای مذاکره به تایلند خواهد آمد. با پروتانا که اخیرا از یک سفر بازرگانی از تهران بازگشته است همچنین افزود که جمهوری اسلامی اقدام به فروش روزانه ۴۰ هزار بشکه نفت خام با قیمت یک دلار ارزانتر از قیمت تعیین شده اوپک به تایلند میکند.

ذلت

رفسنجانی در دیدار با گروهی از دانشجویان مدرسه تربیت مدرس و دانشکده الهیات و معارف اسلامی گفت: "اعتبار علمی در محیط علم مهمترین رکن است. همچنانکه در حوزه های علمی این مسئله بچشم میخورد و اگر روزی در یک سطح تحصیلی، یک دانشجوی غیر مذهبی از دانشجوی مذهبی از نظر تحصیلی جلو باشد، این را ذلت به حساب میآوریم، چون ما تحصیل را عبادت دانسته و میگوئیم اگر دانشجویی بتواند با نماز شب بخواند یا مطالعه کند، بهتر است مطالعه میکند."

نامه یک معلول جنگی کیهان

کارگری هستم با چهار سر ماشه که در جنگ یک پایم را از زانو به پایین از دست دادم. همچنین قدرت بینایی و شنوایی ام ضعیف شده دکترها میگویند چنانچه برای معالجه به خارج بروم، بیزودی کور خواهم شد. از آنجائیکه من یک کارگر ساده بیشرنیستم و مدتهاست خانه نشین هستم از دولت تقاضای کمک دارم.



استقبال گرم مردم !!!



لیرو های گشت نارالله این فرزندان تل انقلاب با به نمایش گذاشتن توان رزمی روز پنجشنبه خاطره رشادت های شهید موسگر در گرمی داشتند. عکس گرفته ای از رژه یا شکوه گشت نارالله را در تهران نشان میدهد.

بمنظور نمایش توان رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

گردانهای گشت نارالله، در تهران رژه رفتند



رژه با شکوه واحد های گشت نارالله در میان استقبال گرم مردم حزبالله در خیابان های تهران به اجرا درآمد. عکس گرفته ای از صف طویل خودرو های گشت نارالله را هنگام عبور از خیابان های تهران نشان میدهد.

* سید مهدی مبلغ فرمانده سپاه تهران : واحدهای گشت نارالله جهت تأمین امنیت مردم گردستان به این منطقه اعزام شدند.

روزنامه های رژیم با چاپ این عکس ها نوشته اند که رژه "گشت نارالله" مورد استقبال گرم مردم واقع شد. اما عکس ها خود گویای این حقیقت است که "گشت نارالله"، که در واقع جوخه های آتش رژیم جمهوری اسلامی است، یکی از منفورترین ارگان های اسلامی موجود در ایران است. بهمین دلیل همانند دیگر نهادهای رژیم مورد "استقبال گرم" مردم واقع شده است !!

امروزه دیگر رژیم با تکیه بر توهم مردم حکومت نمیکند، بلکه تنها با بکارگیری ایمن مزدوران جیره خوار حیوان صفت که عاملین ترور و قتل عام مردمند ادامه حیات میدهد. باید تلاش نمود که خشم و نفرت مردم نسبت به رژیم را با ارتقا آگاهی آنها نسبت به عاملین اصلی این جنایات و فقر، به نیروی مادی برای سرنگونی رژیم بدل ساخت.

خبرهای کوتاه از لابلای گفته ها

- * روزنامه نگار زشیری: بنظر شما تا به امروز از نظر اقتصادی چه مقدار از بیت المال صرف جنگ شده است؟
- خامنه ای: بودجه زیادی صرف شده است.
- نوربخش: تاکنون از تخریب منازل مردم در اثر جنگ رسمی بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار خسارت دیده ایم. (کیهان ۱۹ آبان)
- * عقل افتنا میکند که وقتی ما عده ای مخالف داریم، خودمان مخالفتمان را کنار بگذاریم. (خمینی ۱۵ آبان)
- * اهواز برای هر ۲۵ هزار نفر فقط یک اتوبوس دارد. (۲۶ آبان - مسئول شرکت واحد اهواز).
- * وزیر نیرو گفت کمبود آب در بهشت زهرا باعث تراکم جمعیت در شبهای پنجشنبه و جمعه است. (۱ آذر)
- * برای کنترل و جلوگیری از افزایش قیمت برنج، شورای تأمین آمل دستور داد - کلیه برنج فروشان صاحب پروانه باید از ۲ بعد از ظهر پنجشنبه تا شنبه هفته بعد مغازه خود را تعطیل کنند.
- * دولت ترکیه ورود ۲۶ روزنامه ایرانی را ممنوع کرد.
- * انتخابات مجلس به منزله حفظ نظام

اسلامی است و هیچ عذر و بهانه ای برای عدم شرکت در انتخابات مورد قبول نیست. (آیت الله مائنی - ۱ آذر)

* امام جماران: مبدا اختلاف سلطنت ها و اختلاف نظرها شما بمیان مردم برده شود که آنوقت حساب انقلاب را باید خوانده شود.

* آیت الله مشکینی: تبلیغات باید مدد اسلام باشد. این وظیفه روحانیت است که مردم رایج و وظائف خود آشنا کند. آنچه امام از آن وحشت دارند ایجاد دوستگی و بجان هم افتادن مردم است. (۲۸ آبان)

* امام جماران: ما در کشته شدن و کشتن بیروزییم. (اول آذر)

* جنگ مشکل است ناراحتی دارد، اما خاتمه اش سرافرازی برای آن گروهی است که خستگی ناپذیر باشد لذا از شهید دادن و مال دادن و حضور در جبهه ها و جماعات خسته نشوید. (آیت الله مشکینی)

* ای پدران و مادران شهیدا و اسرا و مفقودالانرا عزیزان شما در جنگ واقعا آبروی اسلام و افتخار بشریت شده است. (آیت الله خمینی)

* خوشحال شما رزمندگان که عطرشهادت را حس خواهید کرد. (خامنه ای در جمع حزب اللهی ها)

* اگر راه کربلا باز شود شما جوانان اولین کسانی خواهید بود که به زیارت حسین (ع) خواهید رفت به جبهه بیابید جای شهیدان خود را پر کنید. (امام جماران)

* اگر ایمان ایمان بیاورد که زندگی محکوم به فناست خود بخود نمیتواند دلیسته به این دنیا باشد لذا قرآن دلیستی به این دنیا را نشانه بی ایمانی و کفر معرفی میکند. بشندگان مؤمن و مخلص خدا ایمان آوردند به زندگی پس از مرگ و به سنتهای الهی هم ایمان آورده اند با چنین ایمانی بسیاری از مشکلات حل میشود. (از سخنان آیت الله جنتی در نماز جمعه قم)

شکوفائی استعدادها

منتظری در جمع خانواده های عده ای از کشته شدگان در جنگ گفت: "شما ملاحظه کنید اگر این حوادث و بلیات و جنگها نبود، این همه استعدادها و لیاقت های جوانان عزیز و عبور ما در سپاه و ارتش و بسیج شکوفا نمیشد و ما نمیتوانستیم به فداکاری و از خود گذشتگی آنها واقف شویم."

"زندان مومنین!"

دکتر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در جلسه افتتاحیه سمینار سفرا و کارداران جمهوری اسلامی در اروپا و آمریکا خطاب به آنان گفت: "برای یک مؤمن زندگی در دیار کفر زندان است و شما طلابه داران سپاه نور در دل دنیای ظلمت و تاریکی ها هستید."

کشیدن خون زندانیان

روزنامه اخبار پزشکی آمریکایی (American Medical News) که یک نشریه علمی و تحقیقی است، در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۳ گزارش داد که رژیم جمهوری اسلامی خون زندانیان را میکشد. این برای چندمین بار است که منابع مختلف جهان خبر کشیدن خون از زندانیان را انتشار میدهند. این نشریه منبع خبری خود را فدراسیون بین المللی حقوق بشر ذکر نمود. طبق گزارش این سازمان "باستناد مدارک بدست آمده که بوسیله رئیس دادگاه انقلاب امضاء شده است، یک تیم پزشکی قابل اعتماد بطور مخفیانه خون زندانیانی را که به اعدام محکوم میشوند، میکشند". این مدارک نشان میدهد خمینی نیز این کار را مطابق قانون اسلامی ارزیابی کرده است. این گزارش حاکی است که حتی کسانی که محکوم به اعدام نشده اند را نیز وادار میکنند که خون بدهند. البته روشن است که اگر زندانی از این کار سر باز زند، بسادگی با یک فرمان حکم اعدامش مادر شده و مطابق دستور امام و اسلام قبل از اعدام خونش را خواهند کشید غیر مربوط به کشیدن خون زندانیان اولین بار در سال گذشته توسط مجله جهان شماره ۴ بتاريخ ۳ آوریل ۱۹۸۲ انتشار یافت و سند مربوط به آن که خمینی نیز فتوا داده بود، عینا چاپ گردید.

جهت اطلاع هموطنان بار دیگر این سند را عینا چاپ میکنیم:

رابطه میگوید یکی از محترمین میگفت وضع سوجدوشی از زمان طاغوت بهتر است ساختمان از متری ۸ هزار تومان به ۱۸ هزار تومان رسیده. آقای محتر از چندین میلیون سودی که برده ۵ میلیون هم به جیبه و غیره کمک میکند و همین ملاک خوبی برای راهیابی با مسئولان میشود تا بهتر بتواند مسئله خود را خصوصی مطرح کنند.

آیت الله جنتی در رابطه با مسئله مهاجرت روستائیان میگوید: روستائیان وقتی وقتی مشکلی پیش میآید به شهرها میآیند. اینکار بر خلاف مصلحت اسلام و حکومت اسلامی و با اقبال کردن خون شهید است شما با اینکار خودتان، مردم و حکومت را بدبخت میکنید. اصولا ممکن است دولت را ساقط کنید؟ ۲۲ آبان

آیت الله مشکینی در همین زمینه میگوید: "برادران و خواهران عزیز، امروز قیام و نهضت اسلامی دنیا از آن شما است. با کار و کوششی وقفه اقتصاد کشور را شکوفا کنید. کارگران در کارخانه بیشتر زحمت بکشید و سطح تولید را بالا ببرید و صادرات را افزایش دهید. روستائیان به شهر نیایند؛ امکان دارد شهرها امکانات بیشتری داشته باشند، ولی سائید و زحمت بشکند سختی ها، تحمل کنید این خود جهادی عظیم برای شما است". وی در خاتمه گفت: از اینکه بعضی از مواد غذایی خوب و مرتب نمیرسد، ناراحت نباشید. بیشتر اجلام سه سال در محاصره اقتصادی بود و در یک روز سه نفر یک خرما را میخورند و برای رضای خدا هیچ چیز نمیگفتند. الان جنگ است و بعضی از امکانات از قبیل بندرها از بین رفته اند".

چگونه مردم ناآگاه را میفریبند

چسبها دانشگاهی است که بعضی از مردم هنوز متوجه حقایق آن نشده و ضرورت دارد بروند از نزدیک آثار معنوی و امدادهای خمینی را مشاهده کنند الان جنگیدن با دشمن اسلام چقدر لذت دارد. این مریضاران در جیبه آنچنان مضم اند که گویا در رکاب حسین (ع) در روز عاشورا در کربلا وارد کارزار شده اند.

هنر در راه خدا مردن بالاترین هنر است. (وزیر ارشاد در دومین شب شعر هفته بسیج)

روزنامه کیهان: هر کس به خدا عشق ورزید، خدا به او عشق میورزد و آنکس که معشوق خدا شد، خدا میکشدش و او خود خونبهای شهید است.

خامنه‌ای: مادامیکه مردم خود را صاحب و مالک جیبه‌های جنگ میدانند، هیچ نیرویی نمیتواند ما را به عقب نشینی مجبور کند. (۲۸ آبان)

شما الان با همه کشورهای دنیا به جز اندکی برای پیاده شدن احکام خدا میجنگید. شما الان اسماعیل ها، اصفرا و قاسم‌هایتان جیبه‌ها را پر کرده اند. (۲۵ آبان)

ناطق نوری: صلح امروز به منزله تن به ذلت دادن ما است اگر میخواهیم تن به ذلت ندهیم، باید جهاد فی سبیل الله را با مال و جان بپذیریم. جهاد با مال همین فشار است و باید این فشارها را تحمل کنیم. (در نماز جمعه قم - ۲۸ آبان)

طرح زنانه مردانه کردن اتوبوسهای شیراز در اثر مخالفت مردم شیراز متوقف شد. (۲۹ آبان)

رفسنجانی گفت: "ما از عمق اعتقادمان میگوئیم که اسلام و روحانیت هر جا حاکم باشند، در آنجا سعادت فراهم میشود". (۲۶ آبان)

اخبار زیر معنای سعادت را روشن میکند:

مهاجرت روستائیان

هاتفی نماینده قروه گفت: متاسفانه مهاجرت بیش از حد روستائیان به سوی شهرها به نحوی است که بعضی از سکنه مانده روستاهای کانی، عین علی و غیره از روستاهای حوزه من خالی از سکنه شده و این ضربه دزدناکی به تولید مملکت و انقلاب زده میشود. وی در ادامه صحبت‌هایش در مجلس میگوید بعضی از مردم شتمندینه عینی شهید داده در گوش ما میگویند ما تا آخرین قطره خون خود مقاومت میکنیم اما دولت چرا فکری برایمان نمیکند. نامبرده در این

نامه‌ها از روزنامه کیهان:

فتودالها خون ما را می‌کشد

اینجانب محمد رضا علیشاهی از روستای خان زده ولی آباد از مسئولین تقاضا دارم که به مشکل ما رسیدگی کنند. روستای ولی آباد از توابع شهرستان قوچجان در استان خراسان میباشد. این روستا دارای ۳۰۰ هکتار زمین کشاورزی مرغوب است که یک فتودال خدانشناسی مانند زالو به آن چسبیده و خون مردم رنج کشیده روستا را می‌مکد و از پنجاه خانوار فقط ۴ خانواده دارای زمین هستند. آن چهار خانواده هم از آبادی او می‌باشند که دارای همه نوع امکانات رفاهی هستند. چرا مسئولین فکری به حال ما مردم این روستا نمیکنند

محمد رضا علیشاهی - ولی آباد

جمهوری اسلامی ایران
کتاب جمهوری اسلامی ایران
۱۳۶۷
۳۳۵۰۰۰۰۰

از انتشارات انقلاب جمهوری اسلامی ایران
کتابخانه و مرکز استسقاء با سعادت ایران - دروازه‌ها برادران پاسدار رجستان
در گم‌های میانی و جیبه‌ها و عین علی و بیارستانه آرام میشود و نیاز نوری
به تزیین عین دارک. هتل در لندن عین و دام امکان نوری به جیبه عین کشی
به فوت بیرون میزند. لا ابرای رنج این شکل دشوار باشد بطوریکه کارزار
مکرم به ادا شده و اجرای حکم درباره آن بلا درنگ باید اجرا گردد قبل از
اجرای حکم صادره فتودال عین پزشکی که مورد اعتقاد باشد عین میگویند
بوسیله سرنه به طرف میسرستانل چه نزد که عین به نوری می‌باشد عین مثل
تعمیر دارند تا در اولین فرصت نوری می‌روند استفاده برادران پاسدار که عین
بیشتر از نوری
یاد آور میشود از جهت اینکه نسبت به این اقدام انتشارات نوری صورت گرفته
چون از حضرت مبارک و آیت الله امام خمینی رهبر و پیشوا انقلاب اسلامی
که حق الناس استظنا کرده و بلا تردید در امکان نوری است

در استان انقلاب جمهوری اسلامی ایران
تاریخ
مهرماه
۱۳۶۷

اخیرا به شهادت رسید، تجلیل شد. مراسم سومین دوره آموزشی با سرود انترناسیونال و در میان شور و شوق انقلابی پیشمرگان سازمان به پایان رسید. (نقل از وبسایت گه‌ل شماره ۱۱)

روز ۶۲/۷/۱۵ ساعت ۵ بعد از ظهر چند دسته از پیشمرگان قهرمان سجد و تعدادی از پیشمرگان چریکهای فدائی خلق در حالیکه پیشمرگان آموزشی بدون سلاح حزب دمکرات کردستان ایران همراه آنها بودند، در جاده سقر - بانه بین روستاهای حمزه، فرهنی، میرده به کمین مزدوران رژیم جمهوری اسلامی میافتند. نبرد سختی بین پیشمرگان سازمان و حامیان سرمایه آغاز میگردد. مزدوران از هر سو پیشمرگان را زیر رگبار اسلحه‌های سنگین خود قرار میدهند و با قصد محاصره پیشمرگان دلاور، تپه‌های مشرف به جاده را تحت کنترل میگیرند. دشمن که بخواهی میدانست که در مرصه نبرد با پیشمرگان قهرمان قرار دارد، نفع و زیونی خود را با استعداد از پایگاههای اطراف به ثبوت رسانید. اما شلیک توپخانه و خمپاره‌های مزدوران کوچکترین خللی در اراده پیشمرگان فدائی وارد نداشت. پیشمرگان موفق شدند با وارد آوردن تلفات بر دشمن، مسیر عقب نشینی را تغییر

داده، طرح دشمن را خنثی نمایند. متأسفانه در این نبرد نابرابر، یکی از فرماندهان نظامی برجسته سازمان بنام رفیق محمد کسندانی معروف به همه کس و یکی از پیشمرگان آموزشی حزب دمکرات به شهادت رسیدند که روز بعد از درگیری در یکی از روستاهای منطقه در میان تاشر و تالم زحمتکشان به خاک سپرده شدند. یکی از پیشمرگان دیگر سازمان نیز زخمی شد که حالش رو به بهبودی است. بنا به اطلاعات دقیق تعداد ۶ تن از جاشهای خود فروخته به هلاکت رسیدند و تعدادی نیز زخمی گردیدند.

اخبار جنبش خلق بلوچ

چندی پیش ۵ نفر زاندارم و یک نفر آخوند توسط افراد مسلح بلوچ که در تشکیل "بلوچ کومانی پتاک" گرد آمده‌اند و برای خود مختاری بلوچستان مبارزه میکنند، هلاک میگردند. در این درگیری دو دستگاه خودرو زاندارم‌ری به آتش کشیده میشود. همین مشکل اعلام داشته است که در تاریخ ۱۱ مهر به پایگاه سور حمله کرده و آنرا گلوله باران نموده است. در تاریخ ۲۷ آبان ۶۲ در جاده گس-تک - پشین، چهار نفر از هفت نفر سرشنس لندور و زاندارم‌ری در اثر تیراندازی افراد مسلح وابسته به تشکیل "بلوچ کومانی پتاک" در دم هلاک شدند. دو نفر دیگر که شدیداً

زخمی شده بودند، بعد از چند ساعت به هلاکت رسیدند. یک تن از مزدوران موفق به فرار شد. در آبان ماه پاسداران ضد خلقی در روستای نکج به منزل بجار فرزند محمد بجار زهی حمله می‌نمایند که در این درگیری پنج پاسدار کشته و یک پاسدار دیگر زخمی میگردد. در این درگیری بجار به اتفاق دو نفر دیگر شهید گشته و یک نفر نیز زخمی میگردد. ناگفته نماند که بجار یکی از زحمتکشان دشتیاری بود.

در اواسط شهریور به یک آموزشگاه زحمتکش در ایرانشهر اتهام دزدی زده میشود. سپاه پاسداران ایرانشهر وی را دستگیر میکنند. اگرچه اتهام دزدی نامبرده ثابت نمیشود، اما از طرف هیئت استان ضد انقلابی اجرائیه، محکوم به قطع انگشتان دست میگردد. حکم توسط مولوی قمرالدین خاشن در چهارراه بلوچ ایرانشهر قرائت و بسا وضع شبنمی به اجرا درمی‌آید. این مسئله خشم و نفرت هزاران نفر تماشاچی را برانگیخت و بدنبال آن مردم شرکت در مسجدهای را که مولوی قمرالدین در آن نماز می‌گزارد، تحریم کردند. (نقل از بانسی استار، شماره ۲۵، دوره جدید، آبان ۶۲) (نشریه هواداران سازمان جفا - بلوچستان سیمان) ☆☆☆

یادشدهای سال ۵۸ بندر انزلی گرامی باد

صیادان که سالها در استعمار، فقر و فلاکت رژیم منحط پهلوی بودند، بعد از قیام بهمن هم رژیم جمهوری اسلامی از اوایل اردیبهشت ۵۸ را برای صیادان آزاد، بسا گمیل پاسداران از شهرهای دیگر، تحسنت پوشش جلوگیری از صید بی رویه، به شهرهای شمالی بخصوص به بندر انزلی آورده بود تا بتواند دست صیادان زحمتکش را از دریای که تنها راه امرار معاش برای آنها است، ببندد. تا شرکت سهامی شیلات و سایر سرمایه‌داران که ابزار کار وسیع در اختیار داشته و میتوانند صیاد مزدبگیر استخدام کنند، مثل زمان سابق به غارت خود ادامه دهند.

صیادان آزاد شهر انزلی برای اعتراض به این موضوع بارها به فرمانداری رفتند و فرماندار و نماینده خمینی در شهر انزلی را مجبور به نشستی متشکل از صیادان آزاد و رئیس شرکت سهامی شیلات در انزلی و عده‌ای از سرمایه‌داران که دارای تورهای وسیع میباشند، میکنند. نشست فوق الذکر به نتیجه نمیرسد و قرار بر این گذاشته میشود که از تاریخ ۱۵ مهر تا ۲۵ مهر ۵۸ کسی حق صید

نداشته باشد تا به وضع صیادان آزاد رسیدگی شود. علیرغم این توافق، در تاریخ ۲۲ مهر ماه ۵۸ کشتی های شرکت سهامی شیلات برای صید به دریا روانه میشوند. صیادان زحمتکش در روز ۲۳ مهرماه ۵۸ راهبیماشی نموده و با شعارهایی چون "صیادی آزاد باید گردد" - "دریا مال صیاد است" - به جلوی شرکت سهامی شیلات رفته و بعنوان اعتراض در آنجا تحصن کردند و سرانجام محمولات ماشین - های حامل صید شب پیش را که در حال خروج از محل شیلات بودند، معاذره کرده و به شعارهای خود ادامه میدهند. بعد از چند دقیقه پاسداران سرکوبگر به حمایت از شرکت سهامی شیلات بطرف صیادان تیراندازی کردند که در اولین دقایق صیادی بنام قربانعلی یعقوبی شهید و ۷ نفر زخمی میشوند این عمل پاسداران خشم مردم انزلی را برمی‌انگیزد. آنها به حمایت از صیادان تظاهرات کرده و دفتر اطلاعاتی شرکت سهامی شیلات و فروشگاه شیلات را به آتش میکشند. در روز ۲۴ مهر ماه بیش از ۱۵ هزار نفر از مردم جلوی بیمارستان اجتماع گس - و پش از گرفتن جسد دو شهید حوادث روز پیش

(یکی از زخمی ها بعدا شهید شد) بسا دادن شعارهایی چون "صیاد ساحل نشین شهادت مبارک"، "مرگ بر پاسدار، حامی سرمایه"، "مرگ بر خمینی"، "انزلی - کردستان بیوندتان مبارک"، به طرف مقر سپاه پاسداران حرکت کردند. پاسداران با دیدن دریایی از جمعیت، از وحشت، دیوانه‌وار دسته تیراندازی زدند. در درگیری مردم با پاسداران، مردم ۳ جیب و یک مینی بوس سپاه را به آتش کشیدند و از ساعت ۲ بعد از ظهر تا ساعت ۶ درگیری بین مردم و پاسداران ادامه داشت که در نتیجه ۱۹ نفر از مردم شهید شدند و بیش از ۷۰ نفر زخمی شدند و از پاسداران نیز ۶ نفر کشته و ۷ نفر زخمی برجای ماند. رژیم که احساس شورش وسیعی را در منطقه گیلان میدید، برای خاموش کردن خشم مردم انزلی پاسداران سرمایه، عاملین کشتار مردم که مورد نفرت شدید مردم بودند را موقتا از شهر خارج کردند و امنیت شهر را به عهده شهرپاکی و نیروی دریایی قرار دادند. ولسی دیری نگذشت که عاملین کشتار باز گشتند و نقش سرکوبگرانه خود را از سر گرفتند. ما در چهارمین سالگرد قیام پرشکوه مردم انزلی، یاد شهدای حوادث خونین مهر ماه ۵۸ را گرامی میداریم. ☆☆☆

گزارش اشغال دفتر هواپیمائی ایران

محوطه هتل جلوگیری نماید، ولی صدای رفقا آنچنان رسا و در هتل طنین افکنده بود که باعث تجمع عده کثیری از مردم کشته بود. خبرنگاران و عکاسان روزنامه های سراسری هند نیز از آغاز حرکت در محل حاضر شده و مشغول تهیه گزارش و عکس بودند.

آکسیون روز همبستگی با زندانیان سیاسی پس از اشغال دفتر هواپیمائی بمدت ۲ ساعت و ده دقیقه با شعارهای "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی"، "زنده باد انقلاب" به پایان رسید. رفقا توسط کامیونهای پلیس به بازداشتگاه و از آنجا راهی زندان شدند.

غیرآکسیون در صحنه اول رونا مه های سراسری و اکثر روزنامه های محلی هند انعکاس وسیعی یافت، علاوه بر آن در ماهنگی با سایر حرکات تعرضی، رفقای هوادا در فرانسه، انگلستان، اطریش و بلژیک و سایر کشورهای جهان از انعکاس وسیع جهانی نیز برخوردار گشت.

کمیته دفاعی سازمان دانشجویی در هند لازم به تذکر است که رفقا پس از چهار روز زندانی شدن، به قیدمانت آزاد گشتند.

آکسیونهای هواداران سچفا در خارج از کشور در اعتراض به دستگیری ۱۵ نفر از رفقای هوادار در انگلستان

انگلستان - لندن

در تاریخ ۲۱ نوامبر هواداران سازمان به همراه تعدادی از هواداران نیروهای مترقی ایرانی در خیابان Fleet انگلستان به راهپیمائی پرداختند و پلاکاردهائی را مبنی بر محکوم کردن حمایت آشکار دولت انگلستان از رژیم و آزادی فوری هواداران سازمان حمل میکردند. راهپیمایان همچنین در جلو ساختمان خبرنگاران توقف نمودند و به سکوت آنها در مقابل جنایات رژیم اعتراض نمودند. این آکسیون از انعکاس وسیعی برخوردار گردید.

فرانسه - پاریس

جمعیتی از رفقای هوادار سازمان به همراه تعدادی از هواداران دیگر نیروهای مترقی ایرانی در جلو سفارت انگلستان در پاریس تظاهرات کرده و پلاکاردهای بسیاری مبنی بر آزادی فوری رفقای دربند حمل مینمودند. همچنین نمایندگان را برای اعتراض به سیاست حمایت دولت انگلستان از رژیم جمهوری

آشوکا آویزان میگردد. دیوارهای دفتر هواپیمائی با شعارهای "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی" تر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق، "مرگ بر امپریالیسم جهانی" سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی در ایران، "اعدام ۲۰ هزار تن انقلابی و سارز در ایران محکوم گردد"، "پیروز باد جنبش مقاومت خلق کرد" و "دور بر فدائی"، تزیین گشته و نمائی خاصی باید. پلیس دهلی که از این حرکت رفقای ما غافلگیر شده بود، پس از چندی بخود آمده و به بسیج کامل نیرو پرداخته، با بسیج از دو کامیون پلیس مسلح و ۶۰۰ مامور مخفی با لباس مبدل محل مذکور را محاصره میکند. رفقا به زبانهای انگلیسی و هندی شعار میدادند "۱۰۰ هزار زندانی سیاسی آزاد باید گردند، شکنجه و کشتار در ایران متوقف باید گردد"، "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی"، "زنده باد انقلاب"، مدیر هتل و پلیس که اوضاع را وخیم دیده بودند، مذبحخانه سعی میکردند با بخش موسیقی ماسخ تشدید صدای شعار رفقا توسط مردم گشته و از این طریق از ازدحام مردم در

هواپیمائی جمهوری اسلامی را اشغال کردند، بیانگر این واقعیت است که محافل امپریالیستی برای بدست آوردن دل سردمداران رژیم که در موقعیت کنونی بهتر و خالصانه تر از هر جریانی، منافع امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا را حراست میکنند، از دست یازیدن به هیچ عملی دریغ نمیورزند. پلیس فاشیست انگلستان تحت نظارت مستقیم وزیر کشور انگلستان، از آزاد ساختن رفقای ما خودداری میورزید. در چند دادگاه مقدماتی پلیس و مقامات انگلیس حتی از آزاد کردن رفقا با قید ضمانت نیز خودداری نمودند. دولت انگلستان که در مقابل جنایات عده و تروریسم مآرانی رژیم جمهوری اسلامی سکوت اختیار میکند، به اتهام واهی "تروریستی بودن" آکسیون سیاسی اشغال دفتر هواپیمائی، از آزاد کردن رفقای دربند خودداری مینمورد. در این رابطه در تاریخ ۲۱ نوامبر آکسیونهای سراسری رفقای هوادار سچفا در کشورهای انگلستان، آلمان، ایتالیا، فرانسه، اطریش، سوئد، کانادا و هند برای آزادی رفقای هوادار در انگلستان آغاز گشت.

در تاریخ ۷ نوامبر دفتر هواپیمائی جمهوری اسلامی در هتل آشوکا دهلی به اشغال رفقای مبارز هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درآمد. هتل آشوکا دهلی نو یکی از زیباترین و مهم ترین هتل های هند است که در تاریخ ۲۵ نوامبر قرار است پذیرائی هیئت نمایندگان (سران) کشورهای مشترک المنافع باشد. از این رو، این هتل شدیداً تحت مراقبت و محافظت پلیس دهلی قرار دارد.

در روز ۷ نوامبر ۱۴ تن از رفقای ما طبق برنامه از قبل تنظیم شده ای به تناب در گروههای چند نفری وارد محل هتل شده و رأس ساعت ۱۱ صبح بصورت برق آسائی دفتر هواپیمائی را اشغال کردند و توسط نامه ای از کارمندان دفتر خواسته میشود که محل را ترک نمایند. کارمندان مربوطه نیز بصورت مسالمت آمیزی از دفتر خارج میشوند. پس از خروج آنها درب ورودی دفتر بسته شد و بلافاصله تصویر منحوس خمینی جلاد پاشین آورده و پاره میگردد و بجای آن آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نصب میشود. شعار "۷ نوامبر، روز همبستگی جهانی با مددکار زندانی سیاسی در ایران" از پنجره مشرف به حیاط هتل

آکسیونهای سراسری ۷ نوامبر که توسط هواداران سازمان در اعتراض به جنایات رژیم در ۹ کشور جهان برگزار گردید، بعد از مدتها وسایل ارتباط جمعی بین المللی را مجبور به شکستن سکوتشان در مسورد جنایات رژیم نمود. این آکسیونها که با موفقیت تمام برگزار گردید، مورد استقبال و پشتیبانی نیروهای مترقی جهان قرار گرفت و بالطبع خشم سردمداران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و بسیجیاری از محافل امپریالیستی مدافع رژیم را برانگیخت. عکس العمل های هسته رژیست نسبت به این آکسیونها که در مطبوعات وابسته به رژیم منعکس شده است، بیانگر اهمیت این گونه آکسیونها در افشای رژیم جنایتکار خمینی است. این عکس العملها همچنین نشان میدهد که چگونه سردمداران رژیم برای تحت فشار قرار دادن دانشجویان انقلابی در خارج از کشور دست کمک بسوی محافل امپریالیستی دراز میکنند.

دستگیری ۱۵ نفر از رفقای مبارز هوادار سازمان توسط پلیس انگلستان در لندن که روز ۷ نوامبر همزمان با رفقای هوادار در سایر کشورها در یک آکسیون اعتراضی دفتر

اسلامی، به درون سفارت فرستادند. در پایان قطعنامه آکسیون سراسری در این تظاهرات به زبان فرانسه قرائت گردید.

ا ط ر ی ش - و ی ن

رفقای هوادار در اطریش نیز آکسیون خود را در مقابل سفارت انگلستان در وین برگزار نمودند. دو نفر نماینده از طرف رفقا بمنظور اعتراض به سیاست دولت انگلستان به دورن سفارت رفتند و خواهان آزادی فوری رفقای در بند در لندن شدند. نیروهای بین المللی از جمله هواداران - "میر" شیلی و هواداران "راه انقلابی" ترکیه، قطعنامه آکسیون سراسری را تأیید نموده و از خواست رفقای هوادار پشتیبانی نمودند.

ایمان عمیق به آرمانهای کارگران و زحمتکشان میتوان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را در پیشگاه افکار عمومی جهان به محاکمه کشید و وظائف جنبش دانشجویی خارج از کشور را در قبال جنبش انقلابی داخل کشور به انجام رساند. بدون تردید آکسیون های موفق رفقای هوادار سازمان در تاریخ ۲۱ و ۲۲ امیرازدستا وردهای درختان جنبش دانش-جوشی خارج از کشور در سالهای اخیر بشمار میرود.

سوئد - استهکلم

در روز ۲۱ نوامبر رفقای هوادار همراه با سایر نیروهای مترقی ایرانی برای اعتراض به دستگیری رفقای هوادار سازمان در لندن، در جلو سفارت انگلستان در استهکلم اجتماع نموده و خواهان آزادی - فوری رفقای خود گردیدند. این آکسیون از انعکاس خوبی برخوردار گردید.

آ م ر ی ک ا

هواداران سازمان از تاریخ ۲۱ نوامبر به بعد آکسیونهای اعتراضی خود را نسبت به دستگیری رفقای در بند در انگلستان برگزار نمودند. مسئولین سفارت انگلستان در واشنگتن و مسئولین کنسولگری های انگلستان در نیویورک، شیکاگو، لس آنجلس و سانفرانسیسکو بخاطر پشتیبانی دولت متبوعشان از جنایات رژیم و محبوس کردن بی دلیل ۱۵ نفر از هواداران سازمان مورد اعتراض قرار گرفتند. همچنین تلگرافها و تلفنهای اعتراضی بسیاری از شهرهای مختلف آمریکا از جانب هواداران سازمان، هموطنان متعدد و نیروهای مترقی بین المللی به سفارت انگلستان در آمریکا زده شد. بدنبال این اعتراضات کنسولگری های انگلستان مجبور شدند که خواسته های معترضین مبنی بر آزادی بی قید و شرط رفقای در بند را به دولت متبوع خود مغایره کنند.

در آمریکا تظاهراتی برای روز ۲ دسامبر در شهرهای لس آنجلس، شیکاگو، نیویورک و برکلی تدارک دیده شده بود که بسا آزاد شدن رفقای هوادار در انگلستان در تاریخ ۱ دسامبر، برگزاری آن منتفی گردید.



ا ی ت ا ل ی ا

رفقای هوادار در ایتالیا برای آزادی رفقای در بند در انگلستان دست به فعالیت در بین نیروهای مترقی ایتالیایی و سندیکاهای کارگری ایتالیا زدند. بزرگ ترین سندیکاهای کارگری ایتالیا با ارسال تلگرافهایی به وزارت کشور انگلستان، اعتراض خود را به محبوس نمودن دانشجویان هوادار سازمان در لندن اعلام داشته و تقاضای آزادی فوری آنها را نمودند. سرانجام بخاطر گستردگی آکسیونهای اعتراضی رفقای هوادار سازمان در خارج از کشور و فشار نیروها و محافل بین المللی در تاریخ ۱ دسامبر پلیس انگلستان ۱۵ نفر از رفقای مبارز هوادار سازمان در انگلستان را پس از ۲۴ روز بدون قید و شرط آزاد نمود. آکسیونهای سراسری رفقای هوادار سازمان نه تنها جوی بی تفاوتی و پاسیویسم حاکم بر جنبش دانشجویی خارج از کشور را درهم شکست، بلکه نشان داد که بسا

ر ف ق ا و د و س ت ا ن

اط ل ا ع ی ه

امروز جنبش دانشجویی خارج از کشور با تأثیر از جنبش انقلابی خلقهای ایران روبه اعتلاست. این وظیفه فرده فرد ماست تا با اعتراض و قهر انقلابی بسرعلیه ارگانهای گوناگون رژیم در خارج از کشور صدای حق طلبانه خلقهای ایران و در رأس آن طبقه کارگر ایران را به گوش جهان بنان برسانیم. ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با توجه به سیر تحولات جنبش انقلابی در ایران، بمنظور انعکاس شرایط غفقان آورده داخل و رساندن صدای حق طلبانه خلقهای قهرمانمان به جهان نیان دست به این عمل اعتراضی زدیم تا سهم کوچکی از وظایف خود را نسبت به جنبش انقلابی ادا کنیم. جنبش دانشجویی خارج از کشور به عنوان بخشی از جنبش سراسری میبایستی نیروهای خود را برای افشای جنایات رژیم در زندانها، مبارزه برای آزادی زندان - نیان سیاسی این فرزندان دلاور خلق و دفاع پیگیر از مبارزات طبقه کارگر معلق کرد و کلیه زحمتکشان ایران تمرکز داده و با تمام توان خود در این راه گام بردارد. بیانشد تا بار دیگر همگی همبستگی خود را با زندانیان سیاسی اعلام داریم و هر چه بیشتر در افشای جمهوری اسلامی کوشا باشیم.

درود بر زندانیان سیاسی این مظهر مقاومت و پایداری

همروز بساد مبارزات خلق کرد

تا بود باد سرما به ناری همگ بر سازشکاران - زنده باد سوسالیم

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - زندان بهترین

۱۱ نوامبر ۱۹۸۲

و حال خاصی بخشیدند. همچنین رفقای هوادار سازمان در این شب به بخش‌های اعلامیه‌ها مختلف افشاگرانه از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایران به زبانهای مختلف اسپانیایی، فرانسوی و انگلیسی در بین شرکت‌کنندگان برنامه پرداختند.

در طول برنامه شعارهایی مبتنی بر اتحاد و همبستگی خلقهای تحت‌تتم، پیروزی انقلاب السالوادور، همبستگی مردم اسپانیا، کبک (کانادا) با مردم السالوادور، "مرگ بر پینوشه"، "مرگ بر کارلوس" و "مرگ بر خمینی" از سوی برخی از شرکت‌کنندگان برنامه به زبانهای فرانسوی و اسپانیایی داده می‌شد که با استقبال و همراهی یکپارچه حاضرین در برنامه همراه بود.

بعد از اتمام موفقیت‌آمیز برنامه تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان برنامه و هواداران سازمانهای انقلابی کشورهای مختلف نسبت به آنچه در ایران می‌گذرد بویژه جنبش کمونیستی ایران، نقش سازمان مبارزه ملی دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق مبارز کرد کنجکا و گشته بودند که از سوی رفقای هوادار سازمان توضیحات لازم در موارد مشخص و ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران حول برنامه عمل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران داده می‌شد.

آمریکا ایندیانا - ترهوت

رفقای هوادار متشکل در هفت ترهوت در ارتباط با آکسیون های دفاعی، در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۸۳، طی بخش و نصب اعلامیه‌ها و پوسترهایی به زبان انگلیسی دست به افشاکاری علیه رژیم جمهوری اسلامی زدند. این عمل افشاگرانه مورد استقبال مردم واقع گردید.



یونان نمایشگاه کتاب و آثار انقلابی

طی برگزاری فستیوال حزب کمونیست داخلی یونان (اورو کمونیست) در شهرهای آتن و سالونیک به ترتیب از ۱۵ تا ۱۸ (آتن) و از ۲۲ تا ۲۵ سپتامبر (سالونیک) سازمان دانشجویان ایرانی، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با داشتن غرفه‌ای در این فستیوال که از طرف حزب مزبور داده شده بود، شرکت جستند. هواداران با برگسزار کردن نمایشگاه عکس و بخش هزاران اعلامیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را بیش از پیش در پیش خلق یونان رسوا کردند. همچنین در این فستیوال تعداد زیادی از نشریات و نوارهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به زبان یونانی بفروش رسید.

شب آخر فستیوال پیام سازمان دانشجویان به خلق یونان خوانده شد و همچنین یکی از رفقا طی محاسبه‌ای در رادیوی فستیوال که در شمال یونان پخش می‌شد، به شرح مواضع سازمان و نقش سازمان در ایران و افشای جنایات رژیم بر علیه مبارزان پرداخت. در این فستیوال احزاب و سازمانهای دیگری مثل راء انقلابی ترکیه، اتحادیه دانشجویان فلسطین (P.L.O.)، ارتش سرری ارمنستان (ترکیه)، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست چین، حزب کمونیست ایتالیا، جبهه همبستگی با خلق شیلی، سوآپو SHAPO هواداران مجاهدین خلق، جبهه همبستگی با خلق ارمنستان و اتحادیه دانشجویان مرفقی سودان نیز شرکت داشتند.

کانادا - مونترال گزارش برنامه هنری - تبلیغی

در شب شنبه ۲۲ اکتبر ۸۳ فستیوال بین المللی رقص و آوارهای فولکلوریک و شرقی کشورهای آمریکای لاتین (السالوادور، شیلی، آرژانتین، بولیوی، اروگوئه...) - ایرلند، فیلیپین و ایران با شرکت تعدادی از تشکل های هوادار سازمان های انقلابی این کشور ها در شهر مونترال برگزار شد. این برنامه هنری از سوی بیش از ۵۰۰ نفر از جمله هموطنان ایرانی استقبال شد. گروه هنری انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با اجرای رقص کردی و سرود به برنامه شور



"هفته اعتراض" در "هفته صلح" "زنجیر انسان"

رم، آتن، مادرید، و ... پاریس هفته صلح، هفته اعتراض بر علیه تسلیحات اتمی، هفته زنجیر انسانها بر علیه آنچه که دیروز بر "هیروشیما" گذشت و "ناکازاکی" و فردا شاید در جایی دیگر، اروپای زخمین از جنگ اول و دوم جهانی، با زنجیری از فریاد، اعتراض خود را بر علیه "قارچ جنگ" اعلام داشت: کودکان، بادکنکهای سفید و ... مدتها کیلومتر انسان! ... این بود سیمای هفته پیش (۲۲ تا ۲۹ اکتبر ۸۲) کشورهای اروپائی. این تظاهرات که در چهارچوب "هفته اعتراض عمومی بر علیه تسلیحات" برپا شدند، امواج جدیدی هستند که اینک براحتی حول اعتراض بر علیه تسلیحات اتمی، بر علیه استقرار موشکهای اتمی در اروپا بوسیله آمریکا و برای صلح، بدرت بسیج میلیونونی یافته و تبدیل به سلاحی شده اند که آرام آرام در جوامع اروپائی شکلی منجم بخود گرفته و عینیت پیدا کرده و پوشش ایدئولوژیکی پیدا میکنند. مطبوعات نویسندگان خاص خود را حول این خواستها گرد می آورند، شیخ "قارچ مرگ" بار دیگر در اذهان شکل میگیرد، نمایشگاههای عکس ترتیب می یابند، بدنهای سوخته انسان، در هیروشیما، ناکازاکی، پرده های فراموشی را کنار میزنند و ... اما مسئله سکه وار، روشی دیگر نیز دارد، امپریالیسم و نوکراتش ... در غیابانهای شسته و رفته پاریس، رم، ... بلکه در شهر و روستاها، در کوه و دشتهای کشورهای تحت ستم، نمایشگاههای عظیم برپا کرده اند، نمایشگاهی از بدنهای سوخته "کرد"، "السالوادوری"، "چاد"، "فلسطینی" و ... مزارع "ناپالم"، کوههای "سرب" در متن این نمایشگاهها جای دادند!

و کیبوترهای آهنین در پروازند، بمبها و گلوله ها، به "تساوی تقسیم میشوند": یک گلوله برای تو که اهل "صرا" "شتمیلا" هستی، یک گلوله برای او که سرخ پوستی است و اهل کواتمالا، و برای کودکان نیز سهمی در نظر گرفته شده ... و "سرمایه" به تاراج میبرد، و نه تنها نیروی "کار" را، بلکه ده منشا، آن کسی که "نه" بر لبش جاریست میبرد، و کارخانه های تسلیحات شب و روز رودخانه های از خون مادر میکنند و خلقها در دریای خون میچکنند و باز میچکنند، سان پدرانسان، سان اسپارتاکوس، سان کارگران چیت ساژ "جهان" و "سرمایه" ناچار است که چنین بتازد، مار زخمین، خشکین تر، کینه توزتر، میگذرد، دوران احتقار سرمایه، و دوران "انقلاب" هاست، دوران شکست امپریالیسم در ویتنام، آنگولا، نیکاراگوئه و ... و "سرمایه" بی پروا گرد مرگ می یابد، ولی مزرعه سبز فلکه سوخته از "ناپالم" فردا سبزتر از پیش خواهد روئید ...

فرانسه

پاریس - ۲۲ اکتبر

دهها هزار انسان، مادران، کودکان، زنجیری از اعتراض بر علیه درنده خوئی، بر علیه تسلیحات در خیابان های پاریس به حرکت در می آید. انجمن هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، به همراه دهها گروه، انجمن و سازمان و احزاب کشورهای تحت ستم در این برنامه شرکت کرد. ما با حضور خود در این مراسم، بازگویی آنچه بر میهن و خلق های تحت ستم ما میروید، شدیم، زنجیری از عکس گرد آوردیم، در سوئی کودکان و پاره شده "کرد" را و کنارش "فرمانده کل قوا" را! که انگار "فرمان در نیاوردن یوتین" دژخیمان را میدهد، به نمایش گذاشتیم، خرابیهای جنگ جنگی نابرابر، فانتومهای باق شده بوسیله رزمندگان کرد، مزرعه های سوخته، خانه های ویران، قتل عامهای "قارنا"، "قله تان"،

از جنگ ارتجاعی که هر روز مدها تن از جوانان ایرانی و عراقی را به کام مرگ میکشاند و میلیونها خسارت بیار می آورد گفتیم و از اینکه مسئولیت ادامه آن بر دوش رژیم خونخواری است که از جنگ جهت توجیه فقر و فلاکت و آوارگی مردم استفاده میکند، و در کنارش هزاران اعلامیه در افشای جنگ پخش کردیم. به پرسشها پاسخ دادیم، مواضع نیروها را شرح دادیم، نقطه نظرات "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" را گفتیم، کردستانی را ترسیم کردیم که اینک "هیروشیما" ایست زخمین از هزاران بمب، از چوبه های دار برایشان گفتیم و از دهها هزار شهید و زندانی.

پاریس - میدان باستیل

۲۳ اکتبر

در گردهائی این روز که هزاران نفر در آن شرکت داشتند، با گذاشتن میز توزیع نشریات، پخش اعلامیه، برپائی نمایشگاه عکس و کارهای توضیحی، بعنوان بخشی از از وظائف جنبش دانشجویی سعی در ادای سهم خود کردیم.

طی این دو روز، با پخش ده هزار اعلامیه، فروش مدها نشریه و کتاب و پوستر، جمع آوری مبلغی کمک مالی سعی کردیم خلا حضور سایر نیروهای سیاسی ایرانی را پر کنیم و بار تماس مستقیم با مسردم و افتای رژیم جمهوری اسلامی را در تمامی ابعادش در اذهان عمومی، آتم بدون هیچ گونه واسطه ای، بنحوی احسن عهده دار شویم. استقبال هزاران نفر از نمایشگاه و ... نشانگر موفقیت ما در راستای این هدف بود. باشد که با همکاری و حضور گسترده افراد و نیروهای انقلابی در خارج بتوانیم فشار مستمر خود را بر رژیم جمهوری اسلامی توانمندتر سازیم.

انجمن دانشجویان ایرانی در پاریس
هوادار (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران)
۲۹ اکتبر ۱۹۸۲



گزارش آکسیون افشاگرانه مشترک

دانشجویان ایرانی در فرانسه (هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) و سازمان دانشجویان هوادار چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش‌رهای بخش‌های ایران) در اروپا، در جشن سالانه حزب "کمونیست فرانسه"

در روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۳، طبق سنت هر ساله، حزب "کمونیست" فرانسه جشن بزرگی برگزار میکند که در آن از اکثر احزاب "کمونیست" جهان و نیروهای سیاسی نزدیک به آنان شرکت میجویند. همچنین صدها هزار نفر از توده‌های مردم از این جشن بزرگ استقبال میکنند. در این روز رفقای هوادار سچفا و رفقای هوادار چفا (ارغا) آکسیون ترتیب میدهند که طی آن چندین هزار شراکت با مضمون افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و نقش خیانت‌بار حزب توده و حمایت فرمت‌طلبانه احزابی چون حزب "کمونیست" فرانسه از این رژیم و نیز وظیفه نیروهای انقلابی در قبال مبارزات خلقهای ایران، بخش میشود. به هنگام سخنرانی یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب "کمونیست" فرانسه و در میان چندین هزار نفر، بلاکاردها و باندرولهای افشاگرانه رفقا توجه حاضرین را جلب میکند. سپس رفقای شرکت‌کننده در آکسیون با در دست گرفتن بلاکاردها، باندرولها، پوستر و طرحهای افشاگرانه و آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در محوطه بین‌المللی جشن که غرفه‌های تمامی کشورهای خارجی در آن قسمت‌بده است دست‌به‌تظاهرات میزنند. این آکسیون مورد استقبال بی‌پایه مردم و تا حدودی نیروهای سیاسی قرار گرفت. همچنین طی این آکسیون نشریه کار ویژه جنبش مقاومت خلق کرد به زبان فرانسه و سایر نشریات خارجی توزیع و کمکهای مالی جمع‌آوری شد.

هند گزارش رفقای هوادار سچفا در

آکسیون کمیته صلح همبستگی

در شهر ایندور

ایندور - ۱ سپتامبر: این روز معادف با روز جهانی صلح بود. بهمین مناسبت تظاهراتی از سوی نیروهای هندی برگزار گردید. در این تظاهرات رفقای ما با شعارها و آرم سازمان شرکت فعال داشتند. بطوریکه حدود ۱۲۰۰ اعلامیه بزبانهای هندی و انگلیسی در میان توده‌های مشتاق توزیع گشت.

گزارش این تظاهرات در ۲۵ روزنامه هندی و انگلیسی زبان درج گردید. در اکثر این روزنامه‌ها نام سازمان نیز درج گردیده است. این حرکت از بردن سبنا خوبی برخوردار بود.

سخنرانی رفیق سونیا کالان، نماینده فدراسیون

اتحادیه‌های کارگری السالوادور در اجتماع هواداران سازمان در دالاس

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنظور تحلیل از مبارزات خونین و قهرمانانهی خلق السالوادور بر علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و تاکید بر همبستگی مبارزات زحمتکشان سراسر جهان بویژه خلقهای ایران از رفیق سونیا کالان دعوت کرد تا در اجتماع هواداران سازمان و عناصر مشرقی در دالاس سخنرانی کند.

در نشستی که در تاریخ ۲۴ اکتبر به این منظور برگزار شد رفیق سونیا کالان نماینده فدراسیون اتحادیه‌های کارگری السالوادور (فناستراس) و عضو اتحادیه‌ی لیبر-وزان (سیرکاسا) ابتدا دربارهی مبارزات خلق السالوادور جنایات امپریالیسم آمریکا و چشم‌انداز روشن مبارزات خلق السالوادور صحبت کرد و آنگاه به پرسشهای شرکت‌کنندگان پاسخ گفت. رفیق کالان برای انجام بگرفته سخنرانی جهت افشای جنایات دولت آمریکا در السالوادور در افکار عمومی به آمریکا آمده است.

انگلستان - لندن، تظاهرات

روز شنبه ۸۳/۱۱/۵ ساعت ۲ بعد از ظهر تظاهراتی عظیم بخاطر تجاوز امپریالیسم آمریکا به خاک گرانادا در شهر لندن از هاید پارک با جمعیتی متجاوز از ۴۰۰۰ نفر شروع به حرکت نمود. این تظاهرات از طرف نیروهای چپ انگلیس تشکیل شده بود که البته بعضی از بخشهای حزب کارگر انگلیس نیز شرکت کرده بودند. هواداران سازمان بطور وسیع در این تظاهرات شرکت کردند و همبستگی خود را با کارگران و زحمتکشان گرانادا نشان دادند. در طول راه پیمایی با شعارها و هاشی از قبیل "دست آمریکا از گرانادا کوتاه"، "نظامیان از گرانادا خارج شوید" و "ریگان، تاجر، سیا، انقلاب‌چاره‌شماست" خیابانهای لندن و مخصوصا در جلوسوی سفارتخانه دولت تجاوزگر امپریالیسم آمریکا را که توسط پلیس فاشیست انگلیس به محاصره درآمده بود، به لرزه درآوردند. در پایان فرستاده دولت گرانادا (دولت انقلابی Morice Bishop) سخنرانی کرد و افسزود که تاکنون یک درصد از جمعیت این کشور در مبارزه علیه متجاوزین آمریکایی کشت شده‌اند. همچنین یک نماینده از حزب کارگر انگلیس (Tony Benn) نیز صحبت کرد. این تظاهرات عظیم در شهرداری لندن با شعارهای "همیشه به پیش، عقب‌گرد هرگز" خاتمه یافته سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان - اسکاتلند و ولز

گزارش اولین سمینار سراسری

هواداران سچفا در اطریش

اولین سمینار سراسری هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اطریش - شرکت اعفاء و هواداران سازمان دانشجویان ایرانی در اطریش، نمایندگان سازمانهای دانشجویان ایرانی در انگلستان و اسکاتلند و ولز، آلمان فدرال و چند تن از اعضا و هواداران سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا هوادار سچفا در روزهای ۲۹، ۳۰ و ۳۱ ماه اکتبر جاری در شهر وین برگزار گردید. موضوع سمینار، انقلاب دمکراتیک و وظائف پرولتاریا در قبال آن بود. سمینار با اعلام یک دقیقه سکوت بیهاد شهدای بخون خفته خلق و اجرای سرود سبهاکل با هدف دستیابی به وحدت ایدئولوژیک - سیاسی هر چه بیشتر و در جهت اجرای هر چه بهتر وظائف خود در قبال جنبش انقلابی خلقهای ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و با فراشت پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور به کلیه تشکلهای خارج از کشور، کار خود را آغاز نمود. سپس مقالاتی حول انقلاب ایران و وظائف پرولتاریا و تفادهای جامعه ما از سوی چند تن از رفقا فراشت گردید و پس از آن بحثهای خلاقی از سوی اکثریت قریب به اتفاق رفقای شرکت‌کننده در این سمینار پیرامون موضوع فوق صورت گرفت. در خلال سمینار پیامهای رسیده از سوی:

- ۱- انجمن دانشجویان ایرانی در فرانسه هوادار سچفا
- ۲- سازمان دانشجویان ایرانی در سوئد، هوادار سچفا
- ۳- سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا، هوادار سچفا
- ۴- سازمان دانشجویان ایرانی در انگلیس، هوادار سچفا
- ۵- سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان، هوادار سچفا
- ۶- سازمان میر شیلی (MIR) در اطریش خواننده شد. در آخرین روز سمینار پس از قرائت جمع‌بندی بحثهای سمینار و نظرات مطروحه، با اعلام ضرورت برگزاری هر چه بیشتر و بویژه جهت همگون نمودن فعالیت‌های تشکل‌های هوادار در خارج از کشور و آشنایی بیشتر از مواضع ایدئولوژیک سیاسی یکدیگر، با اجرای سرود انترناسیونال سمینار به کار خویش خاتمه داد.

پیام سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا به

FMLN - FDR

سمناسبت سومین سالگرد

قتل رهبران FDR

رفقا

درد و همبستگی گرم و انقلابی ما را بپذیرید. سه سال قبل، هنگامیکه امپریالیسم آمریکا و خونخای فاشیست توطئه کشتار رهبران FDR را طرح ریزی می نمودند، فکزی می کردند که می توانند بدین ترتیب جنبش انقلابی السالوادور را نابود نموده و سلطه اختناق خود را قدرت بخشند. امروز علی رغم کشتار هزاران کارگر، دهقان، و انقلابی توسط نیروهای نظامی خونخا و گروه های مرگ جنبش انقلابی السالوادور قدرتمند تر از همیشه میباشد. حتی حرکات تجا و زگرانه امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی و دریای کارائیب نیز نمیتواند به معسر مرتجعین منطقه بیافزاید.

رفقا، همانطوریکه بخوسی آگاهید، مردم ایران نیز در شرایطی مشابه بسر میبرند. رژیم اختناق جمهوری اسلامی که قادر به حمل هیچیک از مشکلات سیاسی-اقتصادی ایران نمیشاند، فقط به سرکسوب متکی است. در حال حاضر تعداد زندانیان سیاسی بیش از ۵۰ هزار میباشد. غسون بسیاری از انقلابیون قبل از اعدام گرفته میشود. زنان و ملیتها از حداقل حقوق انسانی محروم میشوند و جنگ ارتجاعی با عراق هر روز تعداد بیشتری را بکمام مرگ میکشاند. در چنین شرایطی، ما لزوم وحدت هرچه بیشتر مبارزاتمان را بسا - مبارزات جنبش های انقلابی دیگر، بخصوص خلق فهومان السالوادور احساس میکنیم.

به این مناسبت یکبار دیگر همبستگی خود را اظهار داشته و اعلام میداریم که پیروزی شما را یک پیروزی برای مردم ایران میدانیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا

مرگ بر خونخای فاشیست دز السالوادور

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد همبستگی مردم جهان

پیروز باد مبارزات خلق السالوادور به

رهبری FMLN - FDR

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا

نوامبر ۱۹۸۳

آلمان - گزارش هسته کیل در "اولین هفته زنان کیل"

"Kieler Frauenwoche"

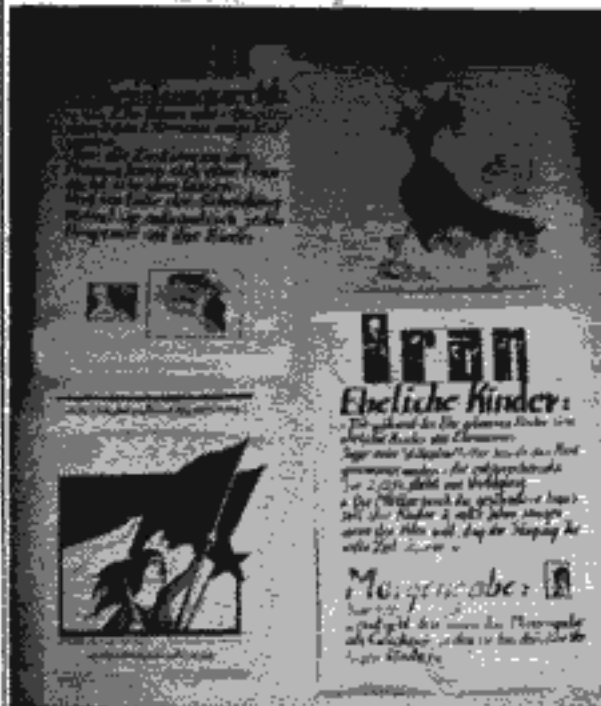
از سوم تا نهم اکتبر ۱۹۸۳

هسته کیل عضو سازمان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران موفق گردیدند علی رغم تمام تلاشهای مذبوحانه و کارشکنی های ضد انقلابی DKP در پشتیبانی از حزب توده و مقابله با هسته عضو سازمان هوادار سچفا در کیل، حزب توده را که از ماهها قبل به کمک DKP در کمینه تدارکات بین - المللی برگزاری هفته زنان کیل لانه کرده بود، افشا و یک هفته قبل از شروع آکسیون طرد نمود و به مدت یک هفته هر روز پرچم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در معرض دید مدها بازدیدکننده از هفته زنان کیل گذارد. هسته کیل با اتکا به پشتوانه محکم و انقلابی تشویرهای سچفادر عمل موفق گردید در پیرویه چند هفته ای مبارزه برای طرد حزب توده، مقدمه را برای اشغال بیشترین جا، بیشترین حجم و محتوای بحث های جاری در طرف مدت آکسیون، بیشترین توجه و نظرات و با لافره بیشترین برد تبلیغی را در جهت نظرات انقلابی و انقلابی سچفا فراهم سازد. و در هر روز در هر گوشه محل برگزاری آکسیون بیشترین بحث ها بر روی مسائل زنان در ایران، تفاوت برنامه حزب توده و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سله دنبال این بحثها، رجوع به محل میسر کتاب روزنامه های دیواری و عکسها و بلاکارت های ما، برای کسب اطلاع بیشتر از مسامورد اوضاع زنان در ایران بود.

در تاریخ مشخصی که نوبت برنامه ما بود، ما با ارائه مقاله ای پرمحتوا درمورد وضع زنان در ایسراان بمدت ۴۰ دقیقه و بدنمال آن بحث که در مجموع متجاوز از سه ساعت و نیم بطول انجامید، توانستیم

جنابات مورد خواست و حمایت امپریالیسم را که بدست جمهوری اسلامی در ایران اعمال میگردد، به بهترین وجه افشا، و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را بعنوان بزرگترین و اصیل ترین سازمان مارکسیستی - لنینیستی در ایران معرفی و توده های مترقی آلمانی را در وظائفشان نسبت به توده های تحت ستم در ایران حسان تر نمائیم.

تحت تاثیر تبلیغ وسیعی که طرف تدارک آکسیون بر روی مسئله ایران وموقعیت زنان و مبارزه ما علیه حزب توده صورت گرفته بود، برنامه ما مورد استقبال وسیع حضار قرار گرفت که موفقیت ما را به نهایت رسانید. در مجموع طرف مدت یک هفته آکسیون بیش از ۱۵۰۰ سمناسبت در مورد مسائل زنان در زمینه های مختلف بصورت مقاله، سخنرانی، جلسه بحث، فیلم، تئاتر، پانثومیم موسیقی و ... از طرف سازمانها و عناصر شرکت کننده ارائه گردید. از جمله اشکالات و ضعفهای آکسیون، بدلیل گرایشات "رادیکال - لنینیستی" موجود در عناصر شرکت کننده، حضور مردها چه در کار تدارک و چه حتی بعنوان بازدید کننده، اکیدا ممنوع بود.





در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۸۳ تظاهرات با شکوهی، متشکل از نیروها و افراد مترقی و ... در رابطه با مخالفت نظامی امپریا - لیس آمریکا در کشورهای آمریکای مرکزی و همچنین حمایت از انقلابات این منطقه در شهر لس آنجلس برگزار گردید.

در تظاهرات فوق، که بوسیله بیست و هفت سازمان و گروه مورد حمایت فرار گرفته بود، حدود ۴ تا ۵ هزار نفر شرکت کردند. هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران واحد لس آنجلس، بنا بر وظیفه انترناسیونالیستی خود در پشتیبانی از انقلاب نیکاراگوئه و مبارزات برحق مردم السالوا - دور و دیگر کشورهای منطقه فعالانه و با تمام نیرو در اکسیون فوق شرکت کرده و بدین وسیله همبستگی خود را با انقلاب پیروزمند نیکاراگوئه و با توده های زحمتکش کشورهای آمریکای مرکزی اعلام داشت. در رابطه با اکسیون مزبور ذکر سه نکته ضروری میباشد:

اولا - سازمان ما در حین حمایت از خواسته های محوری این تظاهرات، با حمل آرم سازمان (هوادار) و شعارهای افشاگرانه از یک طرف و بخش چند هزار اعلامیه از طرف دیگر، چهره سفاک رژیم جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر در بین توده های شرکت کننده در تظاهرات افشا نمود.

دانشجویان مسلمان " هواداران مجاهدین در اعلامیه مربوطه بود، اما آنها با عدم شرکت و تحریم عملی تظاهرات، یکبار دیگر ماهیت تحکمنظرانه و ناسیونالیستی خود را به نمایش گذاشتند. ضمنا در اعلامیه فسوق هوادار بودن مجاهدین را نیز، شایسته به علل "محضورات دیپلماتیک!! ذکر نکرده بودند. البته این اولین بار نیست که هواداران مجاهدین در چنین مبارزاتی شرکت نمی جویند. عدم حضور آنها در تمام اکسیونهای ضد امپریالیستی برای تمام نیروهای انقلابی و مترقی بین المللی در لس آنجلس روشن گشته و بدین ترتیب در افراد کامل سر میبرند.

ثانیا - بنا به پیشنهاد USAIL "اتحادیه ضد امپریالیست در آمریکا"، سازمان ما به همراه هواداران EFLP (جبهه رهایی بخش خلق فلسطین)، KDP (رقبای فیلیپین) و افراد مترقی مستقل با یک صف مشترک در اکسیون فوق شرکت کرده و ضمن همراهی با کل تظاهرات، در فرصت های مناسبه دادن شعارهای مستقل ضد امپریا - لیستی مبادرت ورزیدیم که مورد استقبال قرار گرفت. این شعارها شامل مسائل فلسطین، فیلیپین، ایران، السالوادور، نیکاراگوئه و ... بودند. کمیته کردستان نیز بعدا با این شعارها گشت ثالثا - با اینکه اسم "انجمن"

خودمختار در منطقه کردستان ایران را اعلام خواهند کرده.

چند پلین فرانسه تأخیر کرد تا مجامعین به دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در پاریس بتوانند پراز تخریب لوازم و بهم ریختن این دفتر فرار کنند لیکن پلین هند ۱۴ مهاجر را دستگیر کرد. البته چند تن از برادران مسلمان که پسرای اعتراض به اشغال دفتر هواپیمایی در دهلنو به محل آمده بودند نیز از این دستگیری بی بهره ماندند.

در پاریس - بازار دیرسپین پلین - مهاجمین نیز پایش اعلامیه های مفرقکنندگان آمریکایی و فرانسوی بر بیرون رانندگی و ادعای شرکت ایران در این انفجار را تکرار کردند. بنگاه بی بی سی نیز در این میان فرست را از دست نهاد و به مطرح کردن این گروه به اصطلاح چریکی پرداخت و ضمن بخش گزارشی از حمله مجامعین به دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در لندن متصل شدای از عملیات مشابه در پاریس، وین و دهلنو سورا قرائت کرد. پادآور میشود هزمان با این افعال نیروهای متاخذه گر فرانسوی در لبنان نیز یک سوه قصد تخریب بر علیه سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت تدارک دیدند.

عملیات ضدانقلاب علیه دفاتر هواپیمایی ایران در چند کشور جهان با همکاری امپریالیسم خبری

در پی برچیده شدن پایگاه های ضدانقلاب در کردستان، چریکهای فدائی انقلاب پستیانی و هماهنگی دستکهای تبلیغاتی غرب و بنا بر رویه های انقلابی در چند پایتخت اروپایی در دهلنو دفاتر هواپیمایی کشورمان را اشغال کردند. پلین فرانسه تا اخیر عده خود باعث شد تا مهاجمین به دفاتر هواپیمایی ایران در فرانسه فرار کنند.

در پی عملیات والتجر و برچیده شدن پایگاههای ضد انقلاب در این منطقه، پایگاه های ضدانقلاب در کردستان به پایتختهای اروپایی منتقل شده است.

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی بتوان عسکری المللی نظام جوانانه به عملیات پیروزمند والتجر که تأثیر پزایی در قطع ارتباط رژیم پنهان با گروهکهای معارب در کردستان و نیز برچیده شدن پایگاههای ضد انقلاب از کردستان داشت، چریکهای فدائی انقلاب که اکنون پایگاههای خود در کردستان را از دست داده و به پشتیبانی کرده و یکتورهای اروپایی گریخته اند

این خبرگزاری که دلخوش داند و عملیات تخریب اولیه و لوازم چند دفتر هواپیمایی در پایتخت های اروپایی را مقدمه ای برای پاره حکومت خودمختار در منطقه کردستان حساب می آورد در گزارش دیگری از ویسن چنین بخاطر کرد: "دو دهی ایرانی طی چند روز آینه ترکیب حکومت

عکس العمل رژیم جمهوری اسلامی در برابر اشغال سفارت و ۵ دفتر هواپیمایی رژیم نقل از کیهان ۱۲ آبان، رژیم برای خنثی کردن اثر این عملیات موفق، اعلام داشته است که "اشغال کنندگان با بخش اعلامیه ای انفجار مقر تفنگداران آمریکایی و فرانسوی در بیروت را محکوم و ادعای شرکت ایران در این انفجار را تکرار کردند". رژیم هنوز میخواهد با این توطئه های کهنه شده و نسبت دادن ما به امپریالیسم و صهیونیسم، مردم را بفریبد.

آلمان - فرانکفورت

روز چهارشنبه ۲۳ نوامبر، رفقای فرانکفورت در جلو کنسولگری انگلستان در فرانکفورت تظاهراتی را در محکوم کردن سیاست پشتیبانی دولت انگلستان از رژیم نینایتکار جمهوری اسلامی بر پا نمودند. رفقا خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط رفقای دربند در انگلستان گشتند. انعکاس این اکسیون در بین افکار عمومی بسیار رغوب بود.

کانادا - مونترال

هواداران سازمان در روز ۲۱ نوامبر در جلو کنسولگری انگلستان در مونترال اجتماع نمودند و با حمل پلاکاردها، انبشار خود را از پشتیبانی دولت انگلستان از رژیم جمهوری اسلامی اعلام نموده، خواهان آزادی - فوری رفقای دربند در انگلستان شدند.

آشناسکر
عکس العمل اشغال دفاتر ایران ایر

به دنبال اقدام اخیر هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق در اشغال دفاتر ایران ایر در کشورهای مختلف، هریک از مجال جمهوری اسلامی تفسیر خاصی از این اقدام کرده است. آیت الله خامنه ای (رئیس جمهور) معتقد است که اشغالگران میخواسته اند کارکنان دفاتر را مجبور کنند که به آنها تسلیم رفتن به تهران بفرورزند، ولی آنها خوشبختانه مقاومت نکرده اند.

آیت الله طاعت سخنانی سخت اعتقاد دارم که این افراد در نظر داشته اند که سبب در هواپیمایا بگذارند.

موسوی نخست وزیر دادا دارد که اینها متناقضان سفیرا هواپیمای های جمهوری اسلامی بوده اند، ولی خدا انقلاب آنها را به خودش نسبت داده است.

امادراین میان آیت الله تریه تریه جالب ترین استدلال را کرده و گفته است که این افسراد به قصد هواپیما دزدی به دفا تسر ایران ابررفته اند، ولی یکبار دیگر معجزه شده و در هیچک از این دفا تسر هواپیما موجود نبوده است و اما قه کرده که کارکنان ایران ایر با پدا از این ما حوا پندگی بر نشود از این به بعد هواپیما ها را نوی دفا تسر نگذارند و حتی تب هوکسه دفا تسر را می بندند، آنها را با خود به خانه شان ببرند.

مجاهدین: شکست یک استراتژی

بخش چهارم

از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران نقش آگاه گرایانه خود را در هر سطح و در هر محیط مبارزاتی و در حدی که رسالت آن را داریم، به انجام رسانیم. ناگفته نماند که وظیفه اصلی این مبارزه همه جانبه بر عهده نیروهای انقلابی داخل کشور است، اما ما نیز به عنوان هواداران سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران وظیفه داریم که در اشاعه این مبارزه در محیطی سالم و سازنده نقش خود را ایفا نمائیم.

با توجه به دلایل بالا، نشریه جهان سلسله مقالاتی را به منظور روشن کردن خط و مرزهای نیروهای کمونیستی با انحرافات سازمان مجاهدین در زمینه‌های سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک آغاز کرده است. باشد که سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران آنها و یاکسانی که خود را مدافع برنامه سیاسی دیدگاه مجاهدین می‌شناسند در رد نظرات ما و اثبات حقانیت مجاهدین، نظراتشان را در معرض قضاوت دیگران قرار دهند. ما گذشته از انتشار این مقالات، برای چندمین بار هواداران سازمان مجاهدین خلق را در تمام کشورها دعوت به شرکت در مباحث مورد اختلاف در جنبش انقلابی مینمائیم. چرا که معتقدیم که صحت و سقم نظرات ما میتواند در پروسه بحث‌های سالم و خلاق و سازنده به اثبات برسد.

اندر اوصاف مقاله: «صبر انقلابی مجاهدین و سوء استفاده‌های ناجوانمردانه!»

ادعاهای خود را با ارائه فاکت و منبع بیان میداشت. فی‌المثل وقتی می‌نوشت: "مدت مدیدی است که چریک‌ناتی حملات شدید و تهمت‌های ناجوانمردانه و بعضاً بیشرمانه‌ای علیه مجاهدین و خصوصاً رهبری آن بکار گرفته‌اند." اشاره میکرد منظورش چه کسی و چه چریک‌ناتی است و در کجا و چند نمونه از تهمت‌های ناجوانمردانه و بیشرمانه را نیز برای اطلاع خوانندگان نقل میکردند!

ثالثاً بهتر است که مجاهدین از همان شیوه‌ایکه رژیم جمهوری اسلامی علیه خودشان استفاده میکنند، یعنی یکی دانستن مجاهدین و سلطنت‌طلبان و امپریالیسم آمریکا، علیه نیروهای انقلابی استفاده نکنند و نیروهای چپ را با همان چوبی نزنند که سلطنت‌طلبان را. چرا که چنین ادعایی یعنی یکی نمایاندن چپ‌ها و سلطنت‌طلبان به دلیل آنکه هر دو جریان با شورای ملی مقاومت مخالفت دارند و علیه سیاست‌های مجاهدین اعتراض و انتقاد میکنند (منتهی از زوایا و انگیزه‌های ماهیتاً متفاوت)، از همان قماش تاکتیک‌ها و شیوه استدلال‌های رژیم خمینی است.

رابعاً وقتی از منبعی مطلبی نقل میشود باید توجه داشت که با یک یا دو کلمه ابدأ نمی‌توان محتوای آن مطلب و یا مقاله را رساند. مثلاً تنها به استخراج دو کلمه یعنی "روژ تاریخی" از متن یک نوشته در نشریه جهان برای اثبات نظر خود مبنی بر اینکه ما حرکت مجاهدین را تائید کرده‌ایم، اکتفا نموده‌اید. این شیوه نه تنها علمی نیست، بلکه با اجازه‌تان، مضحک است! چرا که "روژ تاریخی" هم میتواند مثلاً پیروزی انقلاب باشد و هم

شاید به جرات بتوان گفت که یکی از مهمترین اشتباهات جنبش کمونیستی ایران، عدم مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی با مجاهدین خلق و در غلطیدن به سیاست‌ممانات با آنها بوده است که البته این خود ناشی از شرایط خفقان بار جامعه در گذشته و حال، عمده‌بودن مسئله مقابله با دیکتاتوری حاکم، پراکندگی و ندانم کاری جنبش چپ و بی تجربگی آن در زمینه‌های تئوریک و عملی، دنباله‌روی از حوادث و عدم برخورد به سیاست‌های انحرافی مجاهدین به خاطر حرکات انقلابی آنها در گذشته و... بوده است. درحالیکه تفکیک خط و مرزهای طبقاتی با جریان‌های سرده - بورژوازی و ترسیم روند حرکت آنها در شرایط مختلف از اولین وظائف ضروری جنبش چپ میباشد که متأسفانه در گذشته نیروهای چپ به آن توجهی ننمودند. برخورد با سیاست‌های انحرافی مجاهدین از جمله مبارزه همه جانبه سیاسی، ایدئولوژیک و فلسفی با آنها بعنوان تمایز افکار میانی و تحتانی خرده بورژوازی، تنها در کنار استمرار مبارزه قاطع طبقاتی با رژیم ممکن بود. چپ ایران این وظیفه را انجام نداد. بنظر ما اگرچه امروز نتایج عملی سیاست‌های انحرافی مجاهدین کم و بیش آشکار شده است با اینحال جنبش چپ نباید اشتباهات گذشته را تکرار کند و باید بیرحمانه به افشای ایدئولوژیک - سیاسی نظرات و عملکردهای مجاهدین بپردازد. وظیفه ما است که برای دفاع

توضیح: ما از آنجاییکه فرض را بر این می‌گذاریم که مطابق ادعای مجاهدین صفحات "شورا"ی نشریه مجاهد برای تبادل نظر است و نه کوشش برای حملات بی پروای مجاهدین به دیگران، نسخه‌ای از این مقاله را برای درج در صفحات "شورا" برای آنها می‌فرستیم.

پاسخ به نشریه مجاهد

مقدمه

اخیراً در مجاهد شماره ۱۸۰ مقاله‌ای تحت عنوان "صبر انقلابی و سوء استفاده‌های ناجوانمردانه!" با امضاء جناب صبری چاپ شده است که از جوانب متعدد درخور تعمق است.

اولاً ما بسیار خرسندیم که بالاخره مجاهدین حاضر شدند که بجای متن منم گفتن، به سؤالات بیشماری که امروز حتی هواداران آنها از رهبران‌شان می‌پرسند کتباً پاسخ دهند! ما از این رویسه شدیداً استقبال میکنیم. اگرچه در این مقاله بجز یک مورد، به مسائل متعددیگر مورد سؤال برخورد نشده است و عمدتاً مجاهدین در واقع دیگران را مورد حمله قرار داده‌اند، ولی برای سازمانی که انگار کسی جز خودش را در دنیا نمی‌بیند همین قدم خود بعنوان یک آغاز، درخور تحسین و تشویق است. بسیار بجاست که مجاهدین به مقالات زیادی که تا بحال درباره سیاست‌ها و خط‌مشی آنها نوشته شده، پاسخ دهند تا از این طریق آگاهی همگان را نسبت به عود ارتقاء بخشند.

ثانیاً بهتر بود که نویسنده مقاله بجای کلی‌گویی بی مأخذ،

شکست انقلاب، هم سرکوب باشد و هم دستاورد. هم ۲۸ مرداد ۳۲ روز تاریخی است و هم ۲۱ بهمن ۵۷ یکی شکست است و دیگری پیروزی.

در مقاله‌های دیگر "جهان" از جمله سلسله مقالات مجاهدین: شکست یک استراتژی" بطور مفصل و تحلیلی، و نه تهییجی درباره این "روز تاریخی" و دید ما نسبت به آن نوشته شده است و باز نوشته خواهد شد. شما بنادرستی کوشش کرده‌اید که از یک مطلب تهییجی یک ستونی در "جهان" بفتح نظر خود بهره‌گیری آنهم بآن صورت.

و اما مطلبی در باره ادعای نویسنده مقاله، تیتراژ خود مقاله سئوالات بسیار زیادی را در ذهن خواننده برمی‌انگیزد. "صبر انقلابی مجاهدین، سو استفاده‌های نا جوانمردانه!" بهتر بود روشن می‌کردید که منظورتان از "صبر انقلابی" چیست و بسا اصولاً اشاره می‌کردید که مجاهدین نسبت به چه چیزی "صبر انقلابی" نشان داده‌اند. آیا اگر مقاله‌ای نوشته شده که نشان داده است محتوای برنامه شما بورژوا-رفرمیستی است و یا گفته‌اند که تاکتیک‌های مجاهدین هرگز قادر نشده است توده‌ها را بسیج کند بسا وعده‌های مجاهدین برای سرنگونی رژیم بی اساس بوده است بسا مطلبی انتشار یافته که مجاهدین با بنی‌مدره، کسبه در جنایات رژیم شریک و سهیم بوده است، وحدت کرده‌اند و آنرا نیز با اسناد ثابت نموده‌اند، آیا "تهمت‌های نا جوانمردانه و بی‌شرمانه‌ای" را بکار گرفته‌اند؟! و آیا اگر مجاهدین برای اینگونه سئوالات پاسخی ندارند که در سطح عام و علنی مطرح نموده و دیگران را قانع سازند، "صبر انقلابی" بکار گرفته‌اند؟ نه دوست عزیز، این "صبر انقلابی" مجاهدین نه ناشی از صوری و شکیبایی آنها، بلکه بدلیل عدم پاسخگویی نسبت به اینگونه سئوالات موجود بوده است. از قضا مجاهدین ناشکیبایی خود را در حرکت نسجیده و عجولانه خود برای قدرت‌گیری از بالا بسا محاسبات غلط به اثبات رسانده‌اند و این ادعای شما پایه‌ای ندارد. قسمت دوم تیتراژ "سو استفاده‌های نا جوانمردانه!" صحبت میکند، باز بدون آنکه نویسنده اشاره کند که مقصودش از این ادعا چیست و اصولاً این سو استفاده‌های نا جوانمردانه کدامند؟ آیا وقتی که ما می‌نویسیم "باشد که سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران آنها و با کماتیکه خود را مدافع برنامه یا دیدگاه مجاهدین می‌شناسند و در رد نظرات ما و اثبات حقانیت مجاهدین نظراتشان را در معرض تفاوت دیگران قرار می‌دهند. ("جهان" شماره های ۱۲، ۱۳ و ۱۵) و با چاپ سه مقاله بی در پی و چند مقاله کوتاه دیگر در همین نشریه، سئوالات بیشماری را مطرح می‌کنیم و نظر خود را نسبت به سیاست‌های مجاهدین می‌نویسیم ولی مجاهدین تاکنون، حتی به یک مطلب آنها پاسخ نداده‌اند. حال شما از صبر انقلابی مجاهدین و سو استفاده‌های نا جوانمردانه دیگران صحبت می‌کنید؟ بهتر نبود که شما اول صبر انقلابی مجاهدین و سو استفاده و آنهم از نوع نا جوانمردانه‌اش را ثابت می‌کردید و بعد فدائیان و فدائیان مفلوب را با یک چوب می‌زدید؟ در زیر ما به بخشهایی از مقاله مذکور برخورد میکنیم.

"انحطاط سیاسی و ضعف عملی" ما

نویسنده در ادامه مقاله خود می‌نویسد:

"بنا بر این جدا از منافع گروهی و هژمونی طلبی و حقد و حسد این دسته از گروهها، با نگاهی به وضعیت و صحنه مبارزه خونبار و حتی انعکاس آن در خارج از کشور (در بین هواداران آنها) میتوان دریافت که افول، انحطاط سیاسی و پراکندگی، بی‌برنامگی و ضعف عملی که گریبانگیرشان شده است، آنها را

ناچار می‌سازد برای اینکه نشان دهند از قافله عقب‌نمانده‌اند حداقل با زتاب "در افتادن" با مجاهدین را دست‌کم نگیرند." (مجاهد ۱۸۵ صفحه ۱۸ - تاکید از ماست).

بکارگیری کلمات حقد و حسد انسان را بیاد بازی‌های کودکان و دعواهای خانوادگی و غیره می‌اندازد تا اختلافات سیاسی - ایدئولوژیک نیروها، ما در مبارزه طبقاتی جایی برای آن پیدا نمی‌کنیم. شاید مجاهدین که با این مسائل بیشتر آشنایی دارند ما را نیز آگاه کنند. اما نکته جالب آنجا است که نویسنده مقاله این حقد و حسد را بیک ترتیبی به افول، انحطاط سیاسی و پراکندگی گروهها و از آنجا به بی‌برنامگی و ضعف عملی بازمانها و سرانجام "در افتادن" با مجاهدین ربط میدهد.

باز هم بسیار بجا و مناسب بود که نویسنده بجای کلی‌گویی افول و انحطاط سیاسی ما را توضیح میدادند و چند نمونه از "عملیات منحط" ما را نیز اسم می‌بردند که هم نزد دیگران رسوا شویم و هم خود را اصلاح کنیم. آیا این است پاسخ سئوالات بیشماری که تاکنون مستقیم و غیرمستقیم از شما شده است؟ ما تفاوت را بعهد دیگران می‌گذاریم. در مورد دیگر نکات نویسنده، از جمله پراکندگی و بعضاً بی‌برنامگی، حق بسا ایشان است. تمام سازمانها و گروههای سیاسی متجمله خود مجاهدین و هواداران نشان نسبت به گذشته پراکنده‌تر شده‌اند و کسی نیست که این واقعیت را انکار کند. شاید بسیاری بی‌سواد داشته باشند که در ماههای بعد از ۳۰ خرداد ۶۰، زمانیکه هنوز هواداران مجاهدین موضع قبلی خود را مبنی بر ارتجاعی دانستن بنی‌مدر پس‌نگرفته بودند، هواداران فدائیان در خارج از کشور با دعوت از سایر نیروها، از جمله هواداران مجاهدین آکسیونهای متعددی را علیه رژیم در شهرها و کشورهای مختلف برگزار کردند (کلیه اسناد اینگونه همکاری‌ها موجود است). اما از زمانیکه سازش مجاهدین با لیبرالها شکل عملی بخود گرفت و هواداران نشان نیز شرمندگی گذشته را به کنار زده، خواهان دفاع مستقیم از بنی‌مدر جنایتکار شدند، آکسیونهای مبارزاتی بطور جداگانه انجام گرفته است. تا آنجائیکه به ما مربوط است نشریه "جهان" تاکنون غیر مربوط به تعدادی از این برنامه‌های مبارزاتی را منعکس کرده است. آخرین آکسیون موفق، اشغال دفاتر هواپیمایی جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی و هندوستان و سفارت رژیم در بلژیک نیز توسط غیرگزاری‌های بین‌المللی در سطح جهان منعکس شد. اما روزنامه "غیرگروه‌گرا"، "غیر هژمونی طلبی" و "بی‌حقد و حسد" مجاهدین که پیوستن بسک همافران را با عکس‌های متعدد چاپ میکنند و پیرامون آن جنجال می‌آفرینند، فراموش کرد این غیر را که حتی روزنامه‌های رژیم جمهوری اسلامی بنوعی آنها نوشتند و رادیوی ارتجاعی رژیم خبر آنها بگونه‌ای بخش‌شده چاپ کنند؟! میدانید چرا؟ بخاطر اینکه این آکسیون موفق توسط هواداران فدائیان با اصطلاح بی‌عمل انجام شده بود. بی دلیل نیست که نویسنده مقاله "صبر انقلابی..." نیز از آنجائیکه حوزه مطالعاتشان از حد نشریه مجاهد تجاوز نمی‌کنند، این غیر و غیر آکسیونهای دیگر را نشنیده بود و گفته ما را متهم به بی‌عملی نمی‌کرد.

مبارزه ضد امپریالیستی مجاهدین

نویسنده خود خوب میداند که مجاهدین مبارزه با امپریالیسم را کلاً به فراموشی سپرده‌اند ولی برای اینکه وانمود کند که مجاهدین همچنان مبارزه ضد امپریالیستی میکنند، می‌نویسد: "این دسته از کودکان‌های (!) سیاسی گویا همچنانکه خود می‌گویند مبارزه با امپریالیسم را در شعار خلاصه کرده‌اند نه

در عمل مستمر انقلابی، و ادامه میدهد: "... مبارزه با امپریالیسم - لیسم در شرایط فعلی اساساً از طریق سرنگونی قهرآمیز رژیم ضد بشری خمینی میسر است؟ (مجاهد شماره ۱۸۵ تاکید اول و دوم از ماست)

راجع به کودن بودن خودمان صحبتی نمیکنیم! چرا که قصد نداریم پاسخی به فحاشی های مجاهدین "با ادب" بدهیم. ما قصد تحلیل و استدلال داریم و نه فحاشی! ما قبل از آنکه بخواهیم مطلبی در باره این استدلال متعصب بنویسیم میگوئیم اگر معیار مبارزه با امپریالیسم و ضد امپریالیست بودن تنها "سرنگونی قهری رژیم ضد بشری خمینی" باشد پس نتیجتاً بختیار و سایبر سلطنت طلبان نوکرا امپریالیسم نیز چون "خواهان سرنگونی قهری رژیم خمینی" هستند، ضد امپریالیست اند!!! شاید این نسوع موضع گیری نشریه مجاهد بدو دلیل باشد: ۱) ناآگاهی، ۲) وحدت با بورژوازی لیبرال. اگر علت دلیل اول باشد پاسخ نویسنده را اینطور خواهیم گفت که مبارزه با امپریالیسم در ایران نه تنها از کانال سرنگونی قهرآمیز رژیم خمینی آنطور که مجاهدین نوشته اند، بلکه از طریق مبارزه با سرمایه داری وابسته میگذرد. چه قهری و چه غیر قهری. چرا که سلطنت طلبان نماینده سرمایه داری وابسته و مدافع امپریالیسم نیز خواهان سرنگونی قهری رژیم هستند. سرنگونی رژیم خمینی اگرچه شرط لازم برای مبارزه با امپریالیسم است ولی ایداً کافی نیست. مبارزه با امپریالیسم تنها از طریق سرنگونی رژیم، ناسیونالیسم کوری است که خود مدافع امپریالیسم میگرداند. مبارزه با امپریالیسم نه تنها یک مسئله ملی، که یک مسئله بین المللی است. بنابراین برای مبارزه با امپریالیسم ضرورتاً باید در مبارزه در سطح جهانی را هم دامن زد و از طریق دفاع و حمایت بی دریغ از مبارزات خلقها و جنبش های آزادیبخش جهان مثل فلسطین، السالوادور، گواتمالا، چاد، آفریقا و ... امپریالیسم را مورد حمله قرار داد. شما خود خوب میدانید که نه تنها مجاهدین شعار ضد امپریالیستی خود را از نشریه مجاهد حذف کرده اند، بلکه اصولاً از بیان کوچکترین مطلبی در باره جنایات بی شمار امپریالیسم در جهان و حمایت از خلقهای تحت ستم ظفره میروند و شما برای توجیه این عقب نشینی مجاهدین که هیچ دلیلی جز نشان دادن چراغ سبز به آنها نیست برای فریب هواداران مجاهدین مبارزه با امپریالیسم را صرفاً از کانال سرنگونی قهری رژیم خمینی دانسته اید! نویسنده برای اینکه ادعای خود را بر پایه ای نهاده باشد، مینویسد:

"پس مگر نه این است که مبارزه با امپریالیسم در شرایط فعلی اساساً از طریق سرنگونی قهرآمیز رژیم ضد بشری خمینی میسر است؟ همچنانکه مبارزه با دیکتاتوری شاه خاش با مضمون ضد امپریالیستی در آن شرایط قدم اول محسوب میشد." (همانجا)

این آموزش ناقص و یک خط در میان شما از نوشته های کمونیست ها باعث این مقایسه نادرست شده است. مگر مبارزه با دیکتاتوری شاه منجر به سرنگونی رژیم شاه نشد؟ پس چرا هنوز از پایگاه امپریالیسم در ایران و مبارزه با آن صحبت میکنیم؟ و شما مبارزه با آن را به سرنگونی رژیم خمینی حواله میدهید. حال اگر بنظر شما رژیم خمینی بطور قهری سرنگون شود و رژیم دیگری جز رژیم کنونی جای آنرا بگیرد، مثلاً بختیاری ها، مبارزه با امپریالیسم انجام گرفته است؟ غیر. آیا اساساً اگر رژیمی جای رژیم کنونی را بگیرد بی آنکه با سرمایه داری، یعنی تبلور مادی و معنی امپریالیسم در ایران

مبارزه کند، میتواند ادعا داشته باشد که علیه امپریالیسم مبارزه کرده است؟ بنابراین روشن است که مبارزه با امپریالیسم در ایران نه صرفاً از طریق سرنگونی قهری رژیم خمینی، بلکه از کانال مبارزه با سرمایه داری وابسته و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی عملی خواهد بود. اما این تنها بخشی از مبارزه با امپریالیسم است. مبارزه با امپریالیسم یک امر جهانی است. این مبارزه با افشای سیاست های ارتجاعی و جنایتکارانه آن و توطئه های که در سطح جهان با شکل گوناگون مستقیم و غیر مستقیم علیه این خلق و آن خلق انجام میدهد، توطئه کودتا و تجاوز غلشی به کشورهای مستقل و ضد امپریالیست (مثل گرانادا) و همچنین افشای حمایت امپریالیسم از نوکران فاشیست خود در جهان (چاد، فیلیپین، پاکستان، اردن و ...). تقویت سیاسی، نظامی، اقتصادی آنها عملی میگردد. شما این نشان دهید که میک از این برنامه ها را مجاهدین انجام میدهند بعنوان مثال، برای افشای جنایات امپریالیسم در السالوادور و چاد که حتی رژیم جنایتکار خمینی نیز برای حفظ ظاهر علیه آن موضع گرفته است، مجاهدین چه کرده اند؟ اگر سیاست سکوت کنونی مجاهدین در مقابل این همه جنایات امپریالیسم در جهان درست است پس حتماً سیاست گذشته آنها که همانند دیگر نیروهای انقلابی اخبار جنایات امپریالیسم را در نشریه شان منعکس میکردند، غلط بود!

اما ما اشاره کردیم که اینگونه ادماهای مجاهدین برای مبارزه با امپریالیسم ممکن است ناشی از وحدت آنها با بورژوازی لیبرال باشد. چرا که بورژوازی لیبرال خود دست بسوی امپریالیسم دراز کرده است و از آن مدد میطلبد. حال چگونه زمانیکه مجاهدین با بورژوازی لیبرال وحدت میکنند، قادر خواهند بود که علیه متحد خود دست به افشاکاری بزنند. بهمین دلیل وقتی از آنها سوال میشود که چرا شعارها، آموزشها و تبلیغات ضد امپریالیستی نشریه مجاهد حذف شده است برای گل آلود کردن آب و مخدوش نمودن اذهان، ابتدا دست به تهمت و برچسب و حمله علیه نیروهای دیگر میزنند و سپس خواست سرنگونی قهری رژیم خمینی را بعنوان مبارزه با امپریالیسم قلمداد می نمایند. اما نویسنده مقاله ریسمان را به آسمان میافرد که ثابت کند از مجاهدین ضد امپریالیست تر خودشان هستند. ایشان مینویسند:

"مگر رژیم خمینی عامل سد کننده مبارزه با امپریالیسم نیست؟ که شما مبارزه با مجاهدین را عملاً مرجح شمرده اید! یا انتظار دارید مانند گروههای کوچک داخل ایران مجاهدین به ازای هر گلوله ای که شلیک میکنند، مدتها شعار هم ردیف کنند و لابد در همین فراتر هم شعار مرگ بر امپریالیسم فرانسه سر بدهند!!" (همانجا، تاکیدها بجز اولی از ماست)

بسیار آموزنده است. مجاهدین هنوز به قدرت نرسیده، از شیوه های قدرتمندان استفاده میکنند و مخالفین را با اتهامات خطرناک مرموع مینمایند. نویسنده این مقاله به گروههای چپ اتهام میزند که مبارزه با مجاهدین را عملاً به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم مرجح شمرده اند. آیا این دوستان مجاهد آنقدر نازک دل اند که با نوشتن چند مقاله در افشای سیاست های سازشکارانه آنها و گفتن حقایق از جانب چپ، آنها را به حساب تقدم دادن مبارزه سیاسی با مجاهدین بر مبارزه با رژیم و امپریالیسم گذاشته اند؟! عجیب! سازمان مجاهدین که حتی از حزب توده در مقابل حمله رژیم به آنها دفاع میکرد و آنها را به حساب آزادمندی و آزاد اندیشی خود میگذاشت چگونه شده است که نه تنها از مبارزات فدائیان دفاع نمیکند، بلکه انتشار چند مقاله آنها را حتی از

مبارزه مسلحانه‌ای که فدائیان و دیگر نیروهای چپ‌علیه رژیم جمهوری اسلامی بکار می‌برند، پُر اثر یافته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که فدائیان و هواداران شان مبارزه با مجاهدین را نسبت به مبارزه با رژیم و امپریالیسم مرجع دانسته‌اند!! ما این سیاست عوام تحریک‌کننده نویسنده مقاله را سیاستی یغایت‌انحرافی میدانیم این سیاست در گذشته و حال توسط رژیم جمهوری اسلامی علیه نیرو-های مخالف بکار برده شده است و بسیاری از توده‌های ناآگاه و متعصب را نیز علیه آنها تحریک کرده است. بهتر است مجاهدین از این شیوه‌ها استفاده نکنند.

بهر حال نویسنده عنوان میکند آیا انتظار دارید که مجاهدین مانند گروه‌های کوچک داخل ایران به ازای هر گلوله که شلیک میکنند، در پای اطلاعاتی نظامی صدتا شعار هم ردیف کنند. نه دوست عزیز، چنین انتظاری نداریم. ما معتقدیم که اگر مجاهدین ادعای مبارزه با امپریالیسم را هنوز دارند، نه ازای هر گلوله صدتا شعار، بلکه در هر نشریه‌ای که در پاریس بدون شلیک گلوله انتشار میدهند، ضمن درج یک شعار علیه امپریالیسم، با درج خبر جنایات آنها در جهان که هر روزه نیز اتفاق می‌افتد، دست به افشای آن زده، عملاً و نظراً با امپریالیسم مبارزه کنند و از خلقهای تحت‌تسلیم و جنیت‌های آزادی‌بخش دفاع نمایند. باری نویسنده مقاله ادامه میدهد:

"ولی واقعیت امر این است: از درک این مطلب عاجزید که سازمان مجاهدین خلق بعنوان پر قدرت‌ترین سازمان انقلابی سراسری مخالف رژیم در صحنه بین‌المللی و افکار عمومی جهان تثبیت شده است، ضمن اینکه در امر انقلاب اساساً عامل تعیین‌کننده مقاومت داخل کشور است. اما همانند رهبری تمام‌عیب انقلابات معاصر، از لنین گرفته تا مائو و هوشی مین و... سیاست و دیپلماسی انقلابی نیز بعنوان مکمل پیشبرد امر انقلاب لازم و ضروری است" (همانجا)!!

و افغان که مابه تاسف است. چگونه زمینه‌های سازش فراهم میشود و چگونه توجیه گران به توجیه آن می‌پردازند. مجاهدین راست می‌گویند. ما از درک این مطلب عاجزیم. ما نمی‌دانستیم وقتی در کشور امپریالیستی ساکن می‌شویم سیاست و دیپلماسی انقلابی (نه معمولی، بلکه انقلابی!) به ما حکم میکند که جنایات امپریالیسم را در سراسر جهان نادیده بگیریم. آیا اگر ما نتیجه بگیریم که دنباله این سیاست و "دیپلماسی انقلابی" به آنجا میکند که برای کمک گرفتن از امپریالیسم در راه کسب قدرت قرار و مدارهایی هم برای آینده ببندیم، بی‌راه گفته‌ایم؟! آنها دنباله این سیاست به آنجا نمیکشد که همیشه برای حفظ روابط حسنه خود با امپریالیست‌ها و ملاقاتها و دیدارهای دوستانه و رفت و آمدهای محرمانه، به سیاست و دیپلماسی انقلابی آنچنانی مجاهدین، یعنی سکوت مطلق در مقابل جنایات امپریالیست‌ها، کشیده شویم؟ آیا شما خود را کاسه‌های داغ‌تر از آتش میدانید زمانیکه فی‌المثل امپریالیسم فرانسه انقلابیون السالوادور را در مقابل دولت ارتجاعی آن و علیرغم حمایت بیدریغ همه جانبه امپریالیسم آمریکا از آن، به رسمیت شناخته است، شما از ترس اینکه مبادا امپریالیسم فرانسه عذرستان را بخواهد، سکوت میکنید و یا زمانیکه تمام دولت‌ها، چه ارتجاعی و چه انقلابی و مشرقی و تمام جنیت‌های جهان در مقابل تجاوز امپریالیسم آمریکا به کرانادا موضع گرفتند، تمام کشورها در سازمان ملل جز اسرائیل و خود آمریکا، این عمل را محکوم کردند حتی تاچر فاشیست نیز روی آن موضع گرفت، مجاهدین بدلیسل رعایت "دیپلماسی انقلابی" در مقابل این جنایت سکوت کردند. این

سکوت سازشکارانه الهام گرفته از لیبرالیسم بنی‌صدری است. نویسنده مقاله در ادامه از لنین نقل قول میکند که "هر کس که خواستار رهبری باشد، باید بتواند مسائل سیاسی را حل و فصل نماید...". نویسنده حل و فصل مسائل سیاسی را با سازش و تمکین در مقابل امپریالیسم عوضی گرفته است. لنین نگفته است هر کس خواستار رهبری باشد، در مقابل جنایات بی‌شمسار امپریالیسم سکوت کند. او گفته است که یک رهبر باید قیام کند. آیا شما قیامی بین عمل کنونی مجاهدین با این گفته می‌یابید؟

توجیه دیگر نویسنده از سکوت مجاهدین در مقابل امپریالیسم این است که "سازمان مجاهدین خلق بعنوان پر قدرت‌ترین سازمان انقلابی سراسری مخالف رژیم در صحنه بین‌المللی و افکار عمومی جهان تثبیت شده است، ضمن اینکه در امر انقلاب اساساً عامل تعیین‌کننده مقاومت داخل کشور است." بر فرضی که چنین باشد چه ارتباطی به سکوت مجاهدین در مقابل جنایات امپریالیست‌ها دارد؟ مگر فی‌المثل دولت انقلابی ویتنام و کوبا بدلیل دولت بودن و تثبیت در سطح داخلی و بین‌المللی در مقابل جنایات امپریالیست‌ها سکوت کرده‌اند؟ شاید اینهم از همان قبیل استدلال‌های هواداران مجاهدین است که وقتی از آنها خواسته میشود که در بحث مشترک شرکت کنند، پاسخ میدهند که ما دولت هستیم و با گروهها کاری نداریم!!

"۳۰ خرداد، نقطه عطف ۱"

نویسنده در رابطه با وقایع ۳۰ خرداد چنان مینویسد که کوشی بیش‌بینی‌های بنی‌صدر و رجوی عملی شده است و حکومت جمهوری اسلامی پس از کشته شدن چند عنصر از رهبری آن سرنگون شده و ترکیب بنی‌صدر - رجوی جای ترکیب بنی‌صدر - خمینی را گرفته است که اینجنین به چپ‌حمله کرده، اشاره میکند:

"دیگر دوران بحثهای "ارتجاع و لیبرال" که در هاله آن گنج و منگ دور خود می‌چرخیدید، بسر آمده بود." (همانجا) ایشان گویا نمیدانند که از جمله سازمان‌هایی که روزی اندر خطا عمل ارتجاع و لیبرالها سخن میگفت، خود مجاهدین بودند و این زمانی بود که هنوز لیبرالها در مصدر قدرت بودند و برای مجاهدین کرکری میخواندند و علیه مجاهدین بنفع "مجاهدین انقلاب اسلامی" روضه خوانی میکردند و از آن جمله‌اند آقای بنی‌صدر، رئیس‌جمهور کنونی مجاهدین که اولین برنامه آغازین "مجاهدین انقلاب اسلامی"، که کوبا در مدد ایجاد آلترناتیو مجاهد در مقابل مجاهدین بودند را با سخنرانی غرائبی در دانشگاه تهران افتتاح فرموده بودند. این همان روزهایی بود که هنوز مجاهدین، لیبرالها از جمله بنی‌صدر را ارتجاعی میدانستند و از آنها بعنوان "لیبرال - ارتجاع" نام می‌بردند. خیر، این فدائیان نبودند که در بحثهای "ارتجاع و لیبرال" گنج و منگ باقی مانده بودند. فدائیان بنا به توازن قوای دو جناح رژیم، از تضاد آنها بهره میگرفتند (مراجعه شود به "کار" های بهمن ۵۹ تا خرداد ۶۰) لیک مجاهدین در ادامه "گنجی و منگی" مورد نظر نویسنده، با یکسر ارتجاع به وحدت رسیدند و ۳۰ خرداد از این نظر نیز آری، نقطه عطف است. نقطه عطفی برای سیر قهرانی مجاهدین، نقطه عطفی برای قربان شدن سرکوب‌های سیم‌ماتیک رژیم، نقطه عطفی برای پراکندگی جنیت و افشادن ابتکار عمل بدست ارتجاع بدنیال تحمیل شدن قیام زودرس که همانا ناشی از نادرستی سیاست مجاهدین بود، نقطه عطفی برای لیبرال‌های رانده شده از قدرت و شکست بنی‌صدر و البته نقطه عطفی بود برای قهرمانی‌های مردم و نیروهای آپوزیسیون از جمله

خود مجاهدین. اما نویسنده مقاله "صبر انقلابی..." معتقد است که این روز را از این دریچه نیز نقطه عطف می‌نامند که دیگر شعارهای "چپ" معیار نبود و می‌نویسد: "پس از این روز بود که دیگر شعارهای "چپ" معیار نبود، آنچه بود صحنه عمل و فدا و ایثار و مقاومت گسترده انقلابی مسلحانه بود. از این روز به بعد حوادث، پوچی شعارهای شداد و غلاظ را ثابت کرد و بسری حادثه مقاومت مسلحانه انقلابی، چشم‌ها را خیره ساخت. "عجب، گویا نویسنده مجاهدین تازه در این روز از خواب بیدار شده بود. گویا او نمیدانست که سرکوبهای خونین رژیم از همان اولین ماه‌های حکومت خمینی، فروردین ۵۸ در کردستان، گنبد، خوزستان، و... آغاز شده بود و گویا چپ تا آن زمان توده‌های زحمتکش را زیر خمپاره و بمب جمهوری اسلامی رها کرده، به شعارهای بقول ایشان "شداد و غلاظ" مشغول بود. او گویا فراموش کرده است که چپ‌پایان مردم و پیشاپیش مردم در تمام این جبهه‌ها با مزدوران رژیم به مقابله برخاسته بود و شهدای زیادی نیز نثار جنبش نمود و اتفاقاً این مجاهدین بودند که تمام این حوادث خونین را از فمض‌عین گذرانده، به نصیحت رژیم پرداخته بودند و برای رهبر جلادان، خمینی، نامه تقاضای ملاقات می‌فرستادند. هوایماهای ارتش ارتجاعی رژیم و پاسداران جنایتکار مردم را در قارناها، قلعه‌تان‌ها، ایندرفاش‌ها، گنبد، اهواز و تبریز قتل عام میکردند و مجاهدین نه تنها از آن دفاع نکردند، بلکه چپ را نیز در دفاع از آنها برحذر می‌داشتند و به فدائیان نیز بدلیل شرکت در جنبش مقاومت کردستان و گنبد هشدار میدادند. مجاهدین در هشدارنامه خود نوشتند:

"مدتی است که مجاهدین خلق ایران دور را دور و بسیار دور کمترین دخالت نظاره‌گر حوادث تلخ و خونین کردستان و گنبد می‌باشند... "از مقاله" هشدار مجاهدین خلق ایران به چریکهای فدائی خلق" (مورخ ۸۵/۱/۱۹)

آری، این واقعیت ندارد که چپ سرگرم شعارهای شداد و غلاظ بود و مجاهدین "در صحنه عمل و فدا و ایثار و مقاومت گسترده انقلابی مسلحانه". اگر مجاهدین دو سال پس از جنایات خمینی وارد عمل شدند و دو سال به موعظه پرداخته، حتی چپ را از عمل برحذر می‌داشتند و خود کمترین دخالتی در مبارزات خونین کردستان و گنبد نداشتند و به نظاره آن می‌پرداختند. چپ پایانی توده‌ها به مقاومت مسلحانه خود ادامه میداد و چه خوب که گوشه به نصایح شما نکرد. ما به بسیار تاسف است که مجاهدین زمانی خود را مدافع کردستان دانسته و در عمل در فدا و ایثار و مقاومت مسلحانه گسترده شرکت نمودند که خود بدنبال پناهگاه مطمئن میگشتند. چه جایی امن تر از کردستان، زیر چتر حفاظت توده‌ها و سازمانهاست که بیش از دو سال مبارزه خونین را ادامه داده و مناطق آزاد شده کردستان را از چنگال خونین ارتجاع جمهوری اسلامی محفوظ نگه داشته بودند. آری، نویسنده اینگونه با تحریف تاریخ و از این زاویه است که ۴۰ خرداد را نقطه عطف می‌شمارد.

"اشتباه چپ" یا

تحریک هواداران مجاهدین؟

نویسنده در بخشی از مقاله خود آگاهانه و یا نا آگاهانه دست به تحریف بزرگی می‌زند. او این تحریف را با بدلیل عدم درک خودش نسبت به مطلب و با آگاهانه برای تحریک هواداران احساساتی مجاهدین نسبت به فدائیان نوشته است. ایشان برای این مقصود خود قسمتی از مباحثه مشول کسمیته خارج از کشور - سچفا را نقل میکند و نتیجه‌گیری دلخواه را مینماید.

ما این قسمت مورد استفاده ایشان را مینا در اینجا نقل میکنیم: "اما حقیقت این است که ما اشتباهی را که نسبت به خمینی و جمهوری اسلامی قبل از به قدرت رسیدن آنها مرتکب شدیم، اینبار در مورد جمهوری دمکراتیک اسلامی و رهبران مجاهدین تکرار نخواهیم کرد." (نقل از مصاحبه) اما نویسنده برای اینکه نتیجه مطلوب خود را از نقل قول فوق ببرد، جملات فوق را به جملاتی از دو صفحه بعد مصاحبه بهم وصل میکند و ادامه میدهد:

"بنابراین یک مسئله برای آنها مجمل شده است که با وجود سازمان چریکهای فدائی خلق نمیتوانند به قدرت برسند." (نقل از مصاحبه)

پس از دنبال هم کردن این دو جمله، نویسنده مقاله "صبر انقلابی..." نتیجه زیر را ارائه میدهد:

"بوضوح اعلام میدارند که با وجود خودشان مجاهدین نمیتوانند رژیم خمینی را سرنگون سازند! و اشتباهی را که در مورد رژیم خمینی در اوایل به قدرت رسیدنش کرده بودند، نخواهند کرد، یعنی اینکه چه بسا برای رفع و جبران اشتباه گذشته و برای جلوگیری از به قدرت رسیدن مجاهدین یعنی (سرنگونی رژیم خمینی) سلاح هم بکشند!..." (نقل از نشریه مجاهد، شماره ۱۸۵ تاکید از ماست).

جداً که باید به این منطق احسن گفت! این شیوه‌های ناسالم و موام تحریک‌کن را معمولاً نیروهای سیاسی و رژیم‌های درمانده بکار میگیرند تا زمینه و بهانه و مجوزی برای سرکوبی مخالفین خود پیدا کنند. از مجاهدین انتظار نمیرفت که به این زودی و هنوز به قدرت نرسیده، به این شیوه‌ها متوسل شوند و گفته صریح و روشن فوق الذکر، یعنی اینکه "ما اشتباهی را که نسبت به خمینی و جمهوری اسلامی مرتکب شدیم، تکرار نخواهیم کرد" را بدین نحو، وسیله تحریک این و آن قرار دهند. درحالیکه منظور از این گفته (چنانکه در مقاله مفصل "جهان" شماره ۱۳ نیز توضیح داده شده است) اساساً اشاره به یکی از اشتباهات و کمبودهای حرکت چپ در زمان قیام است و آن عبارت از عدم برخورد و مبارزه - سیاسی و ایدئولوژیک با خمینی و آل‌ترناتیو "حکومت اسلامی" او بود. چپ علیرغم کوچکی خود میتواندست با مبارزه سیاسی سنجیده و متناسب با شرایط در مورد عوامل ارتجاعی خمینی و حکومت اسلامی او روشنگری نماید. بنابراین با استفاده از این تجربه امروز دیگر در مقابل انحرافات مجاهدین و آل‌ترناتیو "جمهوری دمکراتیک اسلامی" سکوت نخواهیم کرد. واقعیت این است که مجاهدین از اینکه دیگر چپ نسبت به "خرده‌بورژوازی"، "اسلام" و "روحانیت مبارز" دید بازتر و واقع بینانه‌تری بافتند و هوئیارانه به مبارزه ایدئولوژیک همه‌جانبه‌ای با آنها دامن می‌زند، ناراحت هستند.

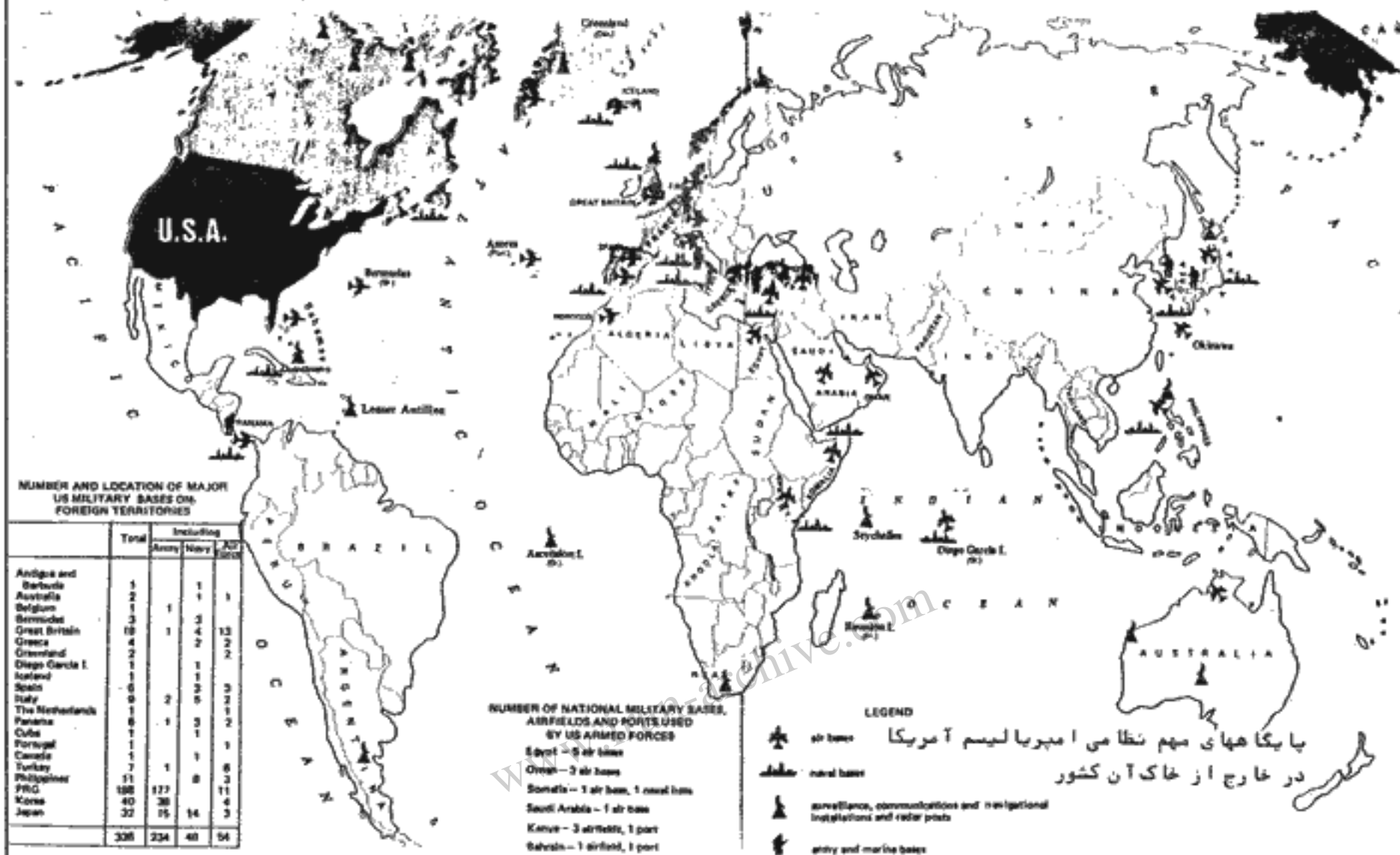
مجاهدین از چپ‌هایی که تجربه عظیم قیام و خیانت‌ها و جنایات جمهوری اسلامی را پشت سر گذاشته است، توقع دارند که همانند گذشته تابع سیاست اینک "اختلافات ایدئولوژیک را دامن نزنید تا مبادا دشمن سود جوید"، "دشمن مشترک را بچسبید" و... باشند. والا خواهند گفت فدائیان با ما مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی میکنند، علیه سیاستهای راست و سازشکارانه ما افشاگری مینمایند - پس میخواهند از به قدرت رسیدن ما جلوگیری کنند - پس میخواهند بر روی مجاهدین سلاح بکشند!

آیا برآستی انگیزه سالم و صادقانه‌ای پشت اینگونه تحلیل‌ها و برداشتها و نتیجه‌گیری‌ها وجود دارد؟! ■

استراتژی نظامی امپریالیسم آمریکا

وب برنامه اتحاد شوروی در قبال آن

آنچه در زیر میخوانید مقاله‌ای است تحقیقی و اطلاعاتی در زمینه استراتژی نظامی امپریالیسم آمریکا که توسط یکی از رفقا و خوانندگان جدی و برکار "جهان" تهیه شده است و ما مطالعه آنرا نه تنها مفید، بلکه لازم تشخیص دادیم.



میدهند پایه ریزی شده‌اند و دارای ۱۰۵۲ وسیله پرتاب (Delivery Vehicles) از نوع موشکهای قاره پیمای اتمی خود کسار (ICBM)، ۲۱۱ بمب افکن استراتژیک اتمی (۲۴۴ بمب افکن سنگین و دور پرواز اتمی B-52 و ۶۵ بمب افکن اتمی با برد متوسط FB-111A)، ۴۰ زبرد رهایی حامل بمب اتمی دور پرواز با مجموع ۶۵۶ شلیک کننده خودکار اتمی (Ballistic Missile Launchers) (۲۴۰ عدد از نوع Trident، ۴۰۴ عدد از نوع Poseidon C و ۱۱۲ عدد از نوع Polaris A-3) و بطور کلی ۲۳۲۶ وسیله پرتاب موشکهای اتمی خودکار هستند که ۲۲۸۱ عدد آنها دارای برد قاره پیمای بوده و در مجموع قادرند بیش از ۱۰۰۰۰ سلاح اتمی را در اولین دور پرتاب کنند.

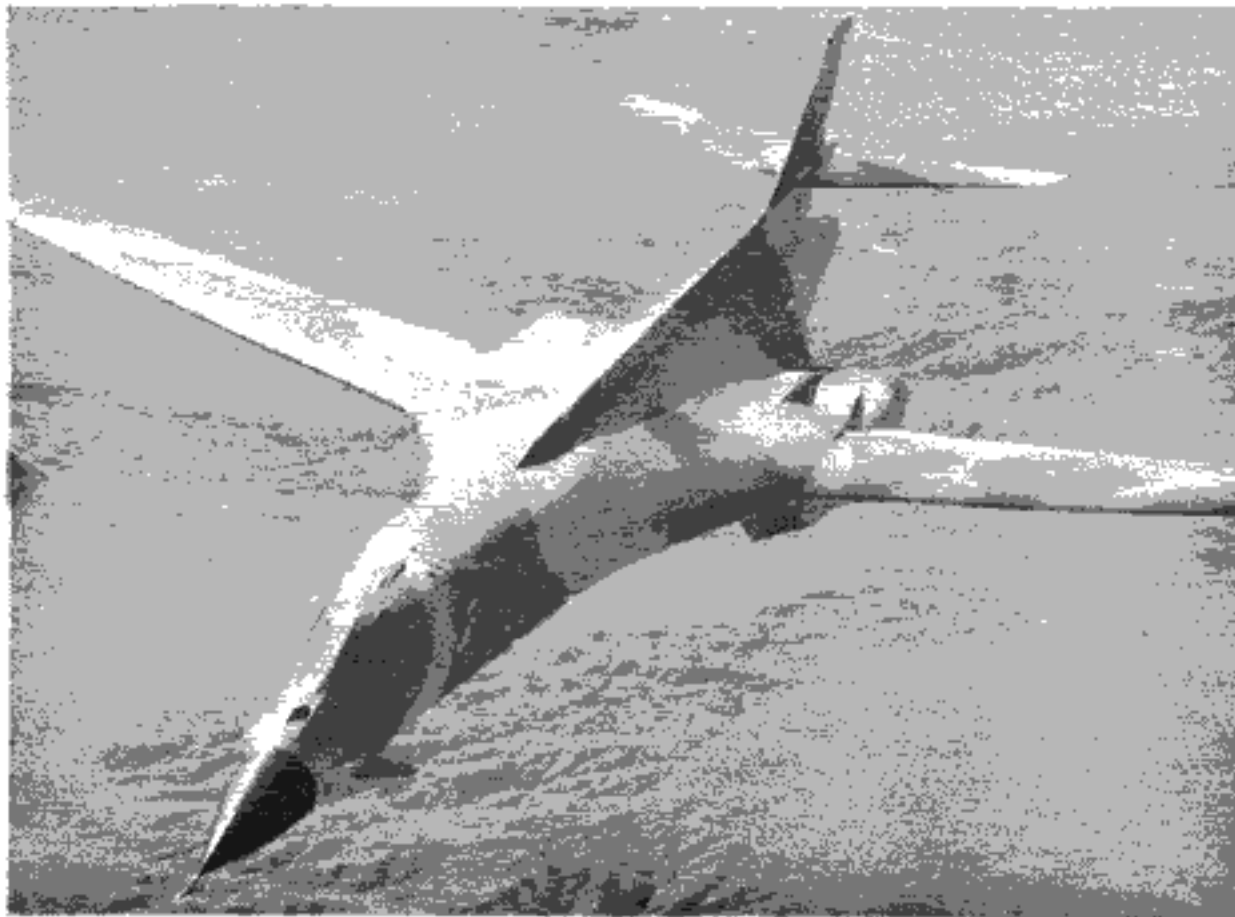
نیروهای اهداف عمومی: (General Purpose Forces) شامل سربازان نیروی زمینی، نیروهای تاکتیکی هوایی و دریایی هستند که بخش اصلی نیروهای خارج از خاک

بدرجات مختلف دو وجه متفاوت از این هدف هستند.

ماشین جنگی امپریالیسم آمریکا

نیروهای جنگی امپریالیسم آمریکا شامل سه نیروی اصلی زمینی، هوایی و دریایی است که به پنج واحد تحت فرماندهی مشترک و سه واحد تحت فرماندهی مخصوص تقسیم میشوند. از پنج نیروی مذکور در حال حاضر چهار واحد آن در خارج از آمریکا یعنی در اروپا، نواحی اقیانوس آتلانتیک و باسیفیک، آمریکا مرکزی و جنوبی و خاورمیانه بسر می‌برند. این نیروهای جنگی در مجموع به چهار بخش تقسیم میگردند: نیروهای استراتژیک، نیروهای اهداف عمومی، نیروهای بسیج استراتژیک و نیروهای ذخیره که هر یک شامل تجهیزات گوناگون هستند. نیروهای استراتژیک عمدتاً بر اساس نیروهای استراتژیک ضربتی (Strategic Offensive Forces) که ستون اصلی نیروهای نظامی را تشکیل

برنامه وسیع نظامی امپریالیسم آمریکا شامل تولید هر چه بیشتر و مخرب تر سلاحهای اتمی استراتژیک در اکتبر ۱۹۸۱ به وسیله دولت ریگان اعلام شد. این برنامه گسترش هر چه بیشتر انواع مختلف سلاحهای شهابی که شامل مخوفترین سلاحهای اتمی جهان منجمد موشکهای قاره پیمای MX، بمب - افکنهای استراتژیک جدید B-1، تولید زبرد رهایی های اتمی Trident، موشکهای اتمی Cruise، تولید بیشتر بمبهای نوترونی، تولید بیشتر سلاحهای شیمیایی و بیولوژیکی، و سایر انواع پروژه های جدید است را تدارک می‌بیند. مهمترین هدف کلی نظامی امپریالیسم آمریکا بدست آوردن چنان قدرت تهاجمی است که بتواند اتحاد شوروی را در یک حمله سریع نظامی غافلگیر و نابود کند. بدست آوردن برتری نظامی بر شوروی یکی از اساسی ترین فاکتورهای بود که دولت ریگان را بر سر کار آورد. دو استراتژی نظامی یکی "جنگ اتمی محدود" و دیگری "جنگ دو و نیم"



بمبافکن B-1

آمریکا را تشکیل می‌دهند و ستون اصلی برای اعمال سیاست‌های جهانی امپریالیسم آمریکا، یعنی مقابله با جنبش‌های آزادی-بخش در سراسر جهان، دفاع از رژیم‌های "دوست" و دست‌نشانده و ارتجاعی، دخالت مستقیم در نقاط مختلف جهان و وارد آوردن فشارهای مستقیم بر رژیم‌های مترقی حتی در دوران "صلح" می‌باشند که در مجموع دارای ۸۷۰۰ هواپیما و هلیکوپتر از انواع مختلف هستند. قوی‌ترین بخش این نیروها در اروپا شامل ۲۲۷،۴۰۰ سرباز مجتهد به مدرن‌ترین سلاحها، ۲۴۰۰ تانک و ۸۵۰ هواپیما که دو سوم آن قابلیت حمل و استفاده از سلاح اتمی را دارند، می‌باشد که هر آن آماده‌اند در موقع مناسب وارد عملیات نظامی علیه اتحاد شوروی و کشورهای اروپایی شرقی شوند.

نیروهای بسیج

استراتژیکی (Strategic Mobility Forces) برای سهولت در نقل و انتقالات نیروهای نظامی در مواقع لزوم به هر نقطه جهان، که "اهمیت حیاتی" برای امپریالیسم آمریکا داشته باشد، تشکیل شده‌اند و دارای بیش از ۱۰۰۰ هواپیما و هلیکوپتر از انواع متفاوت منجمده ۶۰۰ نوع هواپیماهای سنگین نقل و انتقالات هستند. علاوه بر آن در مواقع لزوم از ۳۵۰ هواپیماهای ذخیره مسافربری ارتش و ۴۰۰ هواپیماهای ذخیره غیرنظامی منجمده ۳۲۰ هواپیماهای مسافربری نیز استفاده می‌کنند.

نیروی دریایی در مجموع دارای ۸۲ زیردریایی اتمی، ۲۱ ناو هواپیما بر حامل سلاحهای اتمی، ۷۵۲ کشتی جنگی و بیش از ۵۰۰۰ هواپیما و هلیکوپتر و ۸۵۹۷۵۰ سرباز است.

نیروی زمینی دارای ۸۸۰۰ هواپیما و هلیکوپتر، ۱۲۵۰۰ تانک، ۱۹۰۰۰ وسیله نقلیه و ۱۶۶۰۰ وسیله خدخواستنی و ۱۴۲۹۶۵۰ سرباز است.

ناوگان دوم و ششم نیروی دریایی آمریکا در مدیترانه و آتلانتیک شامل ۱۸۰ کشتی جنگی، ۷ ناو هواپیما بر، ۵۰ زیردریایی مجهز به سلاح اتمی و ۸۰۰۰ هواپیماهای جنگی است. از این تعداد ۲۴۰ هواپیما دارای سلاحهای اتمی هستند که قادرند تقریباً سراسر خاک اتحاد شوروی را هدف قرار دهند. در نواحی اقیانوس آرام نیروهای اهداف عمومی دارای ۴۷۶،۰۰۰ سرباز، ۱۴۰ کشتی جنگی و ۱۱۰۰ هواپیماهای جنگی است که عمدتاً در کره جنوبی و ژاپن مستقر هستند. ناوگان سوم و هفتم آمریکا در نقاط مختلف اقیانوس

هند و پاسیفیک در گردش بوده و تنها در نواحی اقیانوس هند دارای ۲۰ کشتی جنگی، ۱۸۰ هواپیما شامل ۸۰ هواپیماهای حامل سلاح اتمی و علاوه بر آن نیروهای واکنش سریع (Rapid Deployment Forces) هستند که شامل ۲۰۰،۰۰۰ سرباز آماده و ۱۰۰،۰۰۰ سرباز ذخیره و ۷۰۰ هواپیما و هلیکوپتر از انواع متفاوت هستند که هر آن آماده عملیات نظامی و بخصوص تجاوز و مداخله در خاور میانه‌اند. علاوه بر اینها نیروهای زیادی در آمریکای مرکزی و جنوبی مستقر هستند.

برای هماهنگی همه نیروهای تجاوزگر امپریالیسم آمریکا که در نقاط مختلف جهان مستقر می‌باشند و تمامی کره زمین را تحت کنترل داشته و آماده مداخله نظامی در هر نقطه جهان هستند، سیستم پیچیده‌ای وجود دارد که مجموعه نیروها را تحت یک فرماندهی مرکزی قرار می‌دهد.

امپریالیسم آمریکا برای به تحقیق در آوردن خواسته‌های تجاوزگرانه خود در نقاط مختلف جهان شبکه پایگاه‌های نظامی وسیعی را ایجاد نموده و دارای بیش از ۱۵۰۰ پایگاه نظامی با آخرین تجهیزات در ۳۲ کشور جهان است که بیش از نیم میلیون سرباز آمریکایی در آنها مستقر هستند. هم اکنون پایگاه‌های جدیدی در منطقه خاورمیانه که با اصطلاح "اهمیت حیاتی" برای امپریالیسم دارد، در عمان، سومالی، کنیا

و پاکستان در حال ساخته شدن است. در حال حاضر آمریکا از پایگاه‌های نظامی عمده خود در عربستان سعودی، مصر و اسرائیل، و در آفریقا از پایگاه‌های عمده خود در آفریقای جنوبی، مراکش و لیبی استفاده می‌کند. تنها در اطراف خاک اتحاد شوروی ۵۰ مرکز جاسوسی با آخرین تجهیزات مشغول جاسوسی هستند.

سلاحهای جدید نوترونی، شیمیایی، بیولوژیکی، روانی و غیره

در ۶ اگوست ۱۹۸۱، سالروز حمله اتمی آمریکا به هیروشیما و ناگازاکی، امپریالیسم آمریکا تصمیم به تولید سلاح‌های نوترونی برای موشکهای لنس (Lance) گرفت. این سلاحها مخصوصاً از بین بردن انسانها تهیه شده است. سلاحهای اتمی علاوه بر نابودی انسان، قدرت تخریبی وسیعی نیز داشته و شعاع عمل آنها محدود نیست. بلکه دامنه رادیواکتیو حاصل از آنها تا مسافت بسیار دور از انفجار نیز گسترده و زیان آور است. سلاحهای نوترونی بر عکس دامنه‌اش میتواند محدود به منطقه معینی بوده و بدون تخریب ساختمانها و تجهیزات کلیه موجودات واقع در شعاع عمل آنها نابود نماید. امپریالیسم آمریکا این سلاحها را برای استقرار در اروپا و سایر نقاط جهان و همچنین برای استفاده

علیه جنبشهای مترقی و آزادیبخش جهان در نظر گرفته است. هدف از استفاده آنها بر علیه جنبشهای سوده‌ای در کشورهای توسعه نیافته و آزادیبخش آنست که در منطقه محدودی مثلا یک شهر یا حتی یک واحد بزرگ صنعتی و یا مانند آن بدون تخریب تجهیزات و ساختمانهایی که احتمالاً خود امپریالیستها در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند افشاد را ناپوده نموده و جنبش را با اصطلاح "مپسار" کنند در عین حالیکه شعاع عمل سلاح محدود به همان منطقه گردد.

امپریالیسم آمریکا انبوهی از سلاحهای شیمیایی را نیز در زرادخانه خود دارد. هسته اصلی آن ۲۰۰۰۰ تن گاز ستی شامل ۵۵۰۰ تن گاز معروف به نرو (Nerve Gases) که تأثیرات کشنده و جبران ناپذیر بر مغز و سلسله دستگاه عصبی میگذارد، است. علاوه بر آن دهها هزار تن بمب هوا، سه میلیون Shell و مدها هزار نوع مواد شیمیایی برای مسموم کردن آب آشامیدنی، هوا، گیاهان و غیره دارد. این کشور دارای ده مرکز عظیم سازنده مواد سمی شیمیایی است که در داخل آمریکا و اروپا تأسیس شده‌اند، تنها ۴ میلیون لیتر مواد سمی گاز Sarin و نوع VX در آلمان غربی قرار داده شده است لازم به یادآوری است که تنها یک میلی گرم از نوع گاز Sarin که بدون رنگ و طعم و بو میباشد، قادر است یک نفر را براحتی بگذد و تازه VX از آن نیز خطرناک تر است بطوری که تخمین

زده شده تنها سلاحهای شیمیایی که آمریکا داراست چند برابر قدرت نابودی همه مردم جهان را دارد. طبق طرح دولت ریگان، قرار است ۲۰ میلیارد دلار فقط صرف تحقیقات پیرامون تهیه سلاحهای شیمیایی جدید شود. بر طبق این طرح، وزارت دفاع آمریکا خواسته است که طرف این مدت سلاحهای فوق ستی تهیه گردد که نه تنها قادر به نابودی انسان، بلکه هر نوع حیوان و گیاه در هر شرایطی باشد بدون آنکه هیچگونه راه حل مقابله با آن وجود داشته باشد. در این تحقیقات انگلیس، آلمان غربی و اسرائیل نیز فعالانه شرکت دارند. علاوه بر آن سلاحهای جدید بیولوژیکی و روانی نیز در دست تهیه است. بر طبق مدارکی که در مجله Mother Jones آمده است، تحت نظارت سیا و پنتاگون ۵۰ تن مواد شیمیایی - روانی Psychochemical که بنام "BZ" مشهور است و در ظرف مدتی انسان را "دیوانه" میکند، ساخته شده‌اند. این مواد هم از طریق هوا و هم از طریق

آب میتواند تأثیر گذارد. این سلاح از طرف نظامیان آمریکا بعنوان "فوق سلاح" شناخته شده است چرا که میتوان مثلاً جمعیت یک شهر را "دیوانه" نموده و بدون مقابله با مقاومت، آنها اشغال نمود.

امپریالیسم آمریکا همچنین نقشه های وسیعی را برای استفاده نظامی از فضا نیز تهیه کرده است. ساختن Space Shuttle سلاحهای Anti-Satellite و استفاده از سلاحهای مجهز به Laser قسمتهایی از این برنامه عظیم است. طبق یک پروژه وسیع قرار است Heritage Foundations تا اوائل قرن بیست و یکم تعداد ۲۲۳ وسیله Space Trucks تهیه نماید که در حالیکه

ریگان، این رقم فرار است به ۳۰۲/۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۵ و ۳۷۱/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ بالغ گردد. طبق این طرح طرف پنج سال قرار است ۱/۶۸۰ تریلیون دلار صرف هزینه‌های نظامی گردد. البته منافعی که نصیب مونوپولی های تولید کننده سلاحها میگردد، فاکتور مهمی در این مسأله بشمار میآید. صادرات اسلحه آمریکا به اروپا از ۸۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ به ۵/۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰، به آمریکا از ۵۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ به ۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰، به آسیای جنوب شرقی از ۲/۷ میلیارد دلار در ۱۹۷۰ به ۲ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ و به خاور میانه از



HOWITZER M110A2 که میتواند ملامت را تلخ کند.

۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۰ به ۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش یافت. آمریکا در سال ۱۹۷۰ به ۱۳۱ کشور جهان ۲۴/۳ میلیارد دلار اسلحه صادر نمود. در سال ۱۹۸۰ مجموعاً ۱۲۶ کشور خریدار اسلحه آمریکا بودند که جمع قیمت اسلحه‌ها بالغ بر ۱۷/۵ میلیارد دلار بود. در فاصله سالهای ۱۹۷۱-۱۹۸۰، مجموع قیمت اسلحه صادره از امپریالیسم آمریکا به سایر کشورها بالغ بر ۱۲۲/۵ میلیارد دلار بوده است.

آژانس‌های دولتی - نظامی آمریکا با مونوپولی های تولید کننده سلاحها پیوندی همه جانبه داشته و سیستم پیچیده و عظیم نظامی - صنعتی و "دولت در دولت" را - بوجود آورده‌اند. ۱۴۶ شرکت بزرگ تحت اختیار دولت و بیش از ۴۰۰۰ شرکت خصوصی در این مجموعه که در سرتاسر آمریکا پراکنده اند، نیازهای امپریالیسم آمریکا را برآورده میکنند. تنها در سال ۱۹۸۰ بیش از ۸۲ میلیارد دلار صرف تولید سلاح

سلاحهای امپریالیسم آمریکا. اتحاد شوروی را هدف قرار میدهند بتوانند سلاحهای شوروی را در حین مقابله، نابود کنند. برای تحقیق در مورد تأثیرات انواع سلاحها از بیماران روانی و زندانیان، بخصوص زندانیان سیاسی استفاده میشود. پروژه MK-ULTRA یکی از همین پروژه‌هاست. بسیاری از این سلاحها در ویتنام بکار برده شد که تأثیرات جبران ناپذیری بر محیط زیست را باعث گردیده است.

مخارج سیستم نظامی و مراکز مهم تولید وسائل نظامی

طبعاً مخارجی که صرف دستگاه عظیم و همه جانبه نظامی برای بدست آوردن با اصطلاح برتری نظامی بر اتحاد شوروی و مقابله با جنبشهای آزادیبخش در سراسر جهان میگردد، سرسام آور است. در طرف ۲۰ سال فاصله ۱۹۶۰-۱۹۸۰ بودجه نظامی امپریالیسم آمریکا از ۲۵ میلیارد دلار در سال به ۱۲۵ میلیارد دلار در سال رسیده است و طبق طرح دولت

توسط این شرکتها شده که حدود نیمی از آن توسط ۲۵ شرکت بزرگ سازنده تجهیزات تولید شده است که از جمله میتوان Boeing, United Technologies, General Dynamics, General Elec-

trac & McDonnell Douglas را نام برد که سلاحهای عباچی مانند موشکهای دور پرواز اتمی، هواپیماهای دور پرواز اتمی و جنگی و کشتی ها و زیر دریایی های انواع متفاوت را تولید نموده اند. بعنوان مثال سلاحهای نوترونی - کلاهکهای موشکهای لنس در Pantex ساخته میشوند. برخی از ناوهای هواپیما بر اتمی و زیر دریاییهای اتمی در Newport News Shipbuilding توسط کمپانی Dry Dock ساخته میشوند که تولیدشان ۳۰ درصد نسبت به دهه گذشته افزایش یافته است. قرار است بزودی ساختمان رده های پنج و شش ناوهای هواپیما بر اتمی Nimitz شروع گردد. General Dynamics که زیر دریاییهای عظیم نوع Ohio و Los Angeles با مخارج هر یک بیش از یک میلیارد دلار را ساخته است هم اکنون مشغول ساختن ۲۰ عدد زیر دریایی اتمی در شعبات متعدد این شرکت عظیم در نقاط مختلف آمریکاست. تا کنون و مسائل حمل و نقل نفر بر را ۱۵ واحد تولیدی مرکزی و بیش از ۲۰ شرکت بزرگ خصوصی میسازند. ۳۳ کارخانه عمده سازنده هواپیما و هلیکوپتر نظامی در آمریکا وجود دارد که در حدود سالانه ۳۰۰۰ هواپیما و هلیکوپتر در دهه ۱۹۷۰ تولید نموده اند.

امپریالیسم آمریکا در صدد ساختن سلاحهای جدید بخصوص از نوع اتمی و با سرعت هرچه بیشتر است. انتظار میرود که سالانه حدود ۱۹۰۰ موشک اتمی کروز Cruise ساخته شود. همچنین قرار است ۱۰۰ موشک عظیم قاره پیمای اتمی MX با خرج زیاد و در پایگاههای آسیب ناپذیر زیرزمینی ساخته شود. علاوه بر آن ۱۵۰ زیر دریایی اتمی Trident با کلاهکهای چندگانه و ۱۰۰ بمب افکن قاره پیمای اتمی B-1 تولید خواهد شد. قرار است در دهه ۱۹۹۰ حدود ۱۵۰ بمب افکن استراتژیکی اتمی جدید بنام Stealth تولید شود که با رادارهای موجود قابل ردیابی نیست.

مجموعه این واحدهای تولید سلاحهای گوناگون طبق طرح دولت ریگان قادر خواهند بود خود را با سرعت با شرایط جنگ مطابق داد و ظرفیت تولید خود را تا ۵۰ درصد تولید خالص ملی آمریکا بالا ببرند. لازم به یادآوری است که این ظرفیت در دوره جنگ ویتنام ۹ درصد، در جنگ کره ۱۵ درصد و در

جنگ جهانی دوم ۲۶ درصد تولید خالص ملی آمریکا بوده است.

استراتژی نظامی

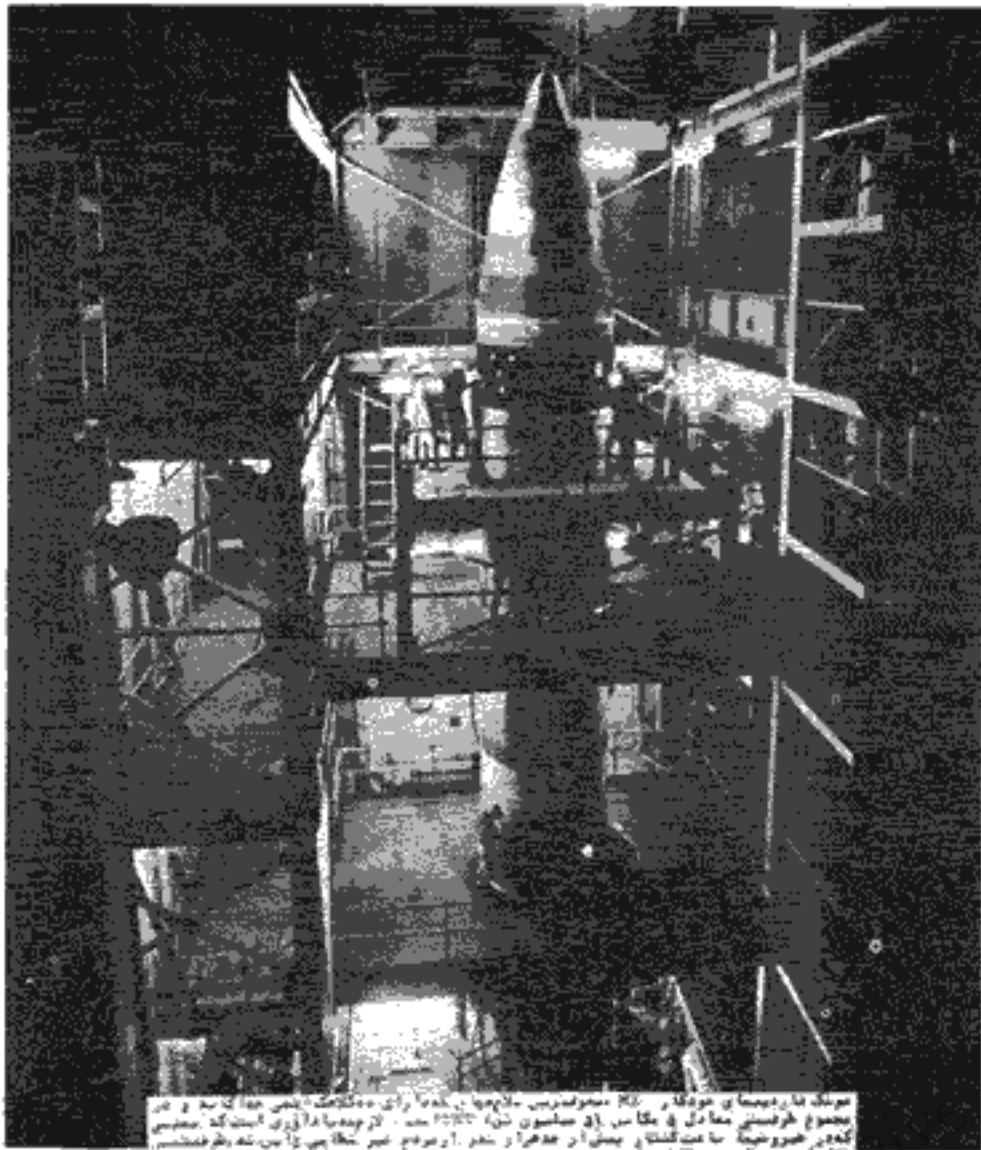
امپریالیسم آمریکا

مسئله پیروزی در یک جنگ اتمی در تمام نقشه های استراتژیکی امپریالیسم آمریکا از اوائل دهه ۱۹۵۰ همیشه بعنوان یک اصل کاملاً محتمل که میتواند به واقعیت بپیوندد وجود داشته است. این مسئله بوسیله بسیاری، از جمله وزیر دفاع آمریکا، و این برگر، بطور آشکار وسی پروا ابراز شده است. طرح با اصطلاح "جنگ اتمی محدود" (Limited Nuclear War) از اوائل دهه ۱۹۷۰ همواره بعنوان یکی از استراتژی های اصلی نظامی مورد نظر امپریالیسم آمریکا تا به امروز بررسی شده است. هدف اصلی همانطور که بوسیله رهبران آن کشور ابراز شده دست زدن به یک حمله سریع و غافلگیر کننده اتمی به اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی و در عین حال محدود نمودن این جنگ به اروپا و درگیر نکردن خاک خود آمریکاست. این فرضیه که روز بروز طرفداران بیشتری در رهبری آمریکا به آن بعنوان یک امر ضروری میگیرند در سخنان ریگلی رئیس جمهور آمریکا که در اکتبر ۱۹۸۱ ابراز گردید، کاملاً مشهود است. او میگوید: "میشود سلاحهای تاکتیکی اتمی را در یک منطقه محدود مبادله نمود یعنی - آنکه جنگ اتمی سراسری بین دو ابر قدرت رخ دهد". کاملاً مشهود است که مقصود او از "منطقه محدود" قاره اروپاست. این طرح در نظر دارد که هدفهای اصلی در اتحاد شوروی منجمد پایگاههای مهم نظامی، مراکز مهم صنعتی، مراکز مخابراتی و حمل و نقل و مرکزیت سیاسی اتحاد شوروی را در یک حمله غافلگیر کننده اتمی نابود کند. موشکهای Pershing 2 که قادر است در طرف مدت ۶ دقیقه از نقاط پرتاب در اروپا به نقاط مهم استراتژیکی اتحاد شوروی برسند بر اساس همین طرح "حمله اتمی محدود" یعنی خارج نمودن خاک آمریکا از دسترس موشکهای اتمی اتحاد شوروی تنظیم شده است.

اتحاد شوروی نه تنها بوسیله نیروهای نظامی آمریکا، بلکه بوسیله نیروهای اتمی سایر کشورهای عضو پیمان ناتو (NATO) و همچنین فرانسه و چین نیز تهدید میشود. کشورهای دیگر هم پیمان آمریکا در ناتو نیز با سرعت هرچه بیشتر تولید سلاحهای گوناگون را بالا برده اند. تنها کشورهای اروپایی عضو ناتو ۷۰۰۰ هواپیما جنگی، ۱۵۰۰۰ تانک جدید و صدها کشتی جنگی جدید ساخته اند.

علاوه بر تهدید "جنگ اتمی محدود" و جنگ اتمی سراسری که امپریالیسم آمریکا خود را برای آن تدارک می بیند، استراتژی نظامی دیگری که افراد زیادی در رهبری آمریکا آنرا محتمل میدانند جنگ سراسری عسارتی علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوگاه سوسیالیسم است. علیرغم برتری کمی پیمان ناتو و خصوصاً امپریالیسم آمریکا بر اتحاد شوروی و سایر کشورهای عضو پیمان ورشو (Warsaw Treaty)، در حال حاضر از نظر قدرت ملاحضات اتمی موازنه ای بین این دو پیمان وجود دارد که برهم زدن آن در آینده نزدیک بعید بنظر میرسد.

استراتژی سیاسی - نظامی "تقابل مستقیم" ("Direct Confrontation") است طبق استراتژی نظامی "جنگ دوو نیم" "Two and Half War" امپریالیسم آمریکا برای انجام جنگ سراسری غیر اتمی علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای اردوگاه امپریالیسم تنها در اروپا، بلکه در تمامی خاورمیانه و خاور دور تا اقیانوس پاسیفیک و ژاپن تدارک وسیعی را دیده است. برای آمادگی هرچه بیشتر، امپریالیسم آمریکا به همراهی سایر کشورهای امپریالیستی دائماً در حال تمرین مانورهای نظامی نه تنها در اروپا، بلکه در تمامی اطراف خاک اتحاد شوروی هستند. سالانه ۳۰۰۰۰۰ سرباز، ۲۰۰۰ هواپیمای جنگی و ۵۰۰ کشتی جنگی در این مانورها شرکت میکنند. این مانورها از شمالی ترین نقاط شرق اروپا یعنی نروژ تا جنوبی ترین نقاط شرق یعنی ترکیه و حتی عربستان سعودی و اقیانوس هند، و از غربی ترین نقاط غرب نزدیک به شوروی یعنی حوالی آلاسکا تا جنوبی ترین نقاط غرب، اقیانوس پاسیفیک و دریای کارائیب همه و همه را دربر میگیرد در این مانورها با اصطلاح "دشمن" حتی از لباس و تجهیزات مشابه شوروی استفاده میکنند در این مانورها موشکهای قاره پیمای (بدون کلاهکهای اتمی) بطرف خاک اتحاد شوروی شلیک شده و هواپیماهای استراتژیکی اتمی بطور دسته جمعی تا مسافت زیادی بسوی اتحاد شوروی پرواز میکنند. دامنه این تمرینات چه از لحاظ تعداد سلاحها و افراد، و چه از نظر وسعت مناطق درگیر در مانورها دائماً توسعه می یابد. عملیات موسوم به "Ocean Venture" که از سال ۱۹۸۱ تا بحال دائماً انجام میگردد، از جمله این تدارکات است. این طرحها در نظر دارد انجام این نقشه مخوف را در مدتی هرچه کمتر و تا "رسیدن به پیروزی کامل نظامی" عملی سازد. وزیر امور خارجه آمریکا، شولتسز، در



موتورهای موشکهای شوروی در سال ۱۹۷۲ در کمپ CIA در شیلی و سرنگونی دولت مرفعی سالوادور آلنده و روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده و بسیاری موارد دیگر بوده است. آخرین آنها دخالت نظامی در لبنان، السالوادور، نیکاراگوئه (از طریق هندوراس) و اشغال نظامی جزیره گرانادا بوده است که در اکتبر سال ۱۹۸۳ انجام گرفت. در آفریقا نیز با استفاده از آفریقای جنوبی که بعنوان ابزار امپریالیسم آمریکا است برای مقابله با جنبش سوآپو، نامیبیا را اشغال نموده و تا داخل آنگولا پیش رفت تا آنگولا و موزامبیک را نیز تهدید نماید. با همکاری استراتژیکی اسرائیل، همواره علیه جنبش فلسطین، با استفاده از نیروهای نظامی بطور مستقیم و غیر مستقیم و با بخصوص توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل دریغ نورزیده است. ناوگان ششم که حامل سلاحهای اتمی است به همراهی "نیروهای واکنش سریع" در همه این موارد در خاورمیانه فعالانه شرکت داشته اند.

در حال حاضر علیرغم اینکه نیروهای بیمان ناتو دارای حدود ۱۰۰۰۰ کلاهک اتمی (Nuclear War Heads) بیش از نیروهای بیمان ورشو هستند، معذالک موازنه قوای نظامی بین اتحاد شوروی و امپریالیسم آمریکا و بین نیروهای ناتو و ورشو، چه در سطح جهانی و چه در اروپا که متمرکزترین نیروهای نظامی قرار دارند، وجود دارد. قابل ذکر است که تعادل نیروها از نظر اتحاد شوروی صرفاً داشتن قوای دفاعی لازم در مقابل تهاجم احتمالی است، چرا که اساساً استراتژی نظامی اتحاد شوروی تنها یک استراتژی دفاعی است که برای جلوگیری از وقوع جنگ ظرفیت تلافی مقابل را همواره حفظ کرده است. ایمن امسری الزامی برای اتحاد شوروی است زیرا تاریخچه امپریالیسم نشاندهنده آنست که آنها از کاربرد وسیع نیروهای نظامی و حتی سلاح اتمی هرگز اجتناب ندارند. حمله اتمی آمریکا به هیروشیما و ناگازاکی که طی آن بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر از مردم غیر نظامی زاین کشته شدند، بیانگر این واقعیت است.

ستون اصلی نیروهای دفاعی اتمی شوروی

سال ۱۹۷۲ ترتیب دادن کودتا به کمک CIA در شیلی و سرنگونی دولت مرفعی سالوادور آلنده و روی کار آوردن یک رژیم دست نشانده و بسیاری موارد دیگر بوده است. آخرین آنها دخالت نظامی در لبنان، السالوادور، نیکاراگوئه (از طریق هندوراس) و اشغال نظامی جزیره گرانادا بوده است که در اکتبر سال ۱۹۸۳ انجام گرفت. در آفریقا نیز با استفاده از آفریقای جنوبی که بعنوان ابزار امپریالیسم آمریکا است برای مقابله با جنبش سوآپو، نامیبیا را اشغال نموده و تا داخل آنگولا پیش رفت تا آنگولا و موزامبیک را نیز تهدید نماید. با همکاری استراتژیکی اسرائیل، همواره علیه جنبش فلسطین، با استفاده از نیروهای نظامی بطور مستقیم و غیر مستقیم و با بخصوص توسط رژیم صهیونیستی اسرائیل دریغ نورزیده است. ناوگان ششم که حامل سلاحهای اتمی است به همراهی "نیروهای واکنش سریع" در همه این موارد در خاورمیانه فعالانه شرکت داشته اند.

موازنه قوای نظامی

بین دو اردوگاه

زوفن گذشته اظهار داشت "شوروی چاره‌ای جز شروطی که ما برای آن در نظر میگیریم ندارد البته طبعاً مقصود از شروط همانا عدم هر نوع دفاع اتحاد شوروی از جنبشهای آزادیبخش و ضد امپریالیستی در سراسر جهان است که بزرگ امپریالیستها تنها در صورتی عملی است که امپریالیسم آمریکا قدرت غافلگیری اتحاد شوروی را در یک جنگ اتمی و با سراسری داشته باشد. شولتز پساً را از اینهم فراتر نهاده و اظهار داشت: "... ما این مسئله را بعنوان بخشی از تعهداتمان در قبال تأمین صلح و تغییر تدریجی سیستم شوروی به سوی یک سیستم سیاسی و اقتصادی جدید میدانیم".

هدف مهم دیگر امپریالیسم آمریکا از نفیوت بیشتر از پیش قوای نظامی خود بدون تردید بالا بردن ظرفیت جنگی خود در مقابل جنبشهای رهاکینش (که دائماً در حال تزايد است) و رژیم های مترقی و مداخله نظامی "در صورت لزوم" است.

بر اساس گزارشات American Brookings Institution در فاصله سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۶ آمریکا ۲۱۵ بار بطور مستقیم و غیرمستقیم در کشورهای جهان مداخله نظامی نموده و ۱۹ بار تهدید بکاربرد سلاح اتمی کرده که اتحاد شوروی در ۴ نفیوت آن مورد تهدید مستقیم حمله اتمی قرار گرفته است. در ظرف این مدت بیش از ۱۰ میلیون نفر از مردم جهان جان خود را در اثر این سیاست امپریالیسم از دست داده اند. بر اساس گزارش U.S. News & World Report آمریکا در فاصله سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ تقریباً در کلیه مناطق جهان در اروپا، آفریقا، خاورمیانه، آسیا و آمریکای لاتین دخالت نظامی نموده است. از جمله آنها: کودتای ۱۹۶۳ توسط CIA در ایران و روی کار آوردن رژیم وابسته شاه، در سال ۱۹۵۴ مداخله نظامی در گواتمالا و سرنگون نمودن رژیم دمکراتیک Arbenz، در سال ۱۹۵۸ مداخله ناوگان ششم به همراهی ۱۴۰۰۰ سرباز در لبنان، در سال ۱۹۶۱ عملیات نظامی علیه دولت انقلابی کوبا (که البته با مقاومت ملت کوبا این عملیات با شکست مواجه شد)، در سالهای ۱۹۶۲-۷۲ عملیات برداشته نظامی به همراهی بیش از ۶۰۰۰۰ سرباز و سایر تجهیزات در هندوچین (که این عملیات نیز با مقاومت قهرمانانه مردم هندوچین و بویژه مردم قهرمان ویتنام و با کمک اتحاد شوروی به شکست انجامید)، در سال ۱۹۶۵ - دخالت در جمهوری دومینیکن و روی کار آوردن رژیم دست نشانده ای از Junta در

را موشکهای قاره پهنا (ICBM) کسه در خاک این کشور مستقر هستند، تشکیل میدهند و این تنها موردیست که اتحاد شوروی از نظر کمی بر آمریکا تفوق دارد. ایسین موشکها قدرت تهاجم غافلگیرانه ندارند زیرا در مدت کمتر از حدود نیم ساعت به خاک آمریکا نمی‌رسند که این مدت برای تلافی احتمالی آمریکا زیاد است. اتحاد شوروی فقط دارای یک ناو هواپیما بر است این کشور هرگز اقدام به تهیه انواع دیگر سلاحهای مریباری که در زرادخانه امپریا - لیم انباشته‌اند مانند بمب‌نوترونی - نتموده است. این کشور سلاحهای اتمی، بمب هیدروژنی، هواپیماهای استراتژیک اتمی، زیردریایی های اتمی، موشکهای دارای - کلاهک چندگانه اتمی (Multiple War Heads) همه را پس از امپریالیم آمریکا و صرفاً به منظور حفظ تعادل قوای نظامی تولید نموده است. برقراری توازن قوا از طرف اتحاد شوروی امری الزامی بوده است زیرا امپریالیم آمریکا به مرگ مخموم سیستم سرمایه‌داری و بالندگی سوسیالیسم پی برده است از طریق بالا بردن ظرفیت سیستم جنگی خود همواره مذبحخانه تسلائی نموده است که با مقابله سیاسی - نظامی با اتحاد شوروی از یک سو و دخالت آشکار و بی پروای سیاسی - نظامی بطور مستقیم و غیر مستقیم علیه جنبشهای رهاشی بخش ملل تحت‌تسم، از سوی دیگر، نابودی سیستم سرمایه‌داری را ستعویق اندازد، در عین حالیکه در این میان سود سرشاری نیز نصیب سرمایه‌داران میگردد. تاریخچه اعمال امپریالیم آمریکا بخصوص بعد از جنگ دوم جهانی که جنبش‌های آزادیبخش در سراسر جهان اوج گرفته و کشورهای بیشتری نیز به اردوگاه سوسیالیسم پیوسته‌اند، این مسئله را بخوبی نشان میدهد.

نیروهای اتمی کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی، ناتو (NATO)، که شامل کشورهای آمریکای شمالی، کانادا، نروژ، انگلیس، آلمان غربی، ایتالیا، یونان، بلژیک، هلند و ترکیه هستند (امپریالیم فرانسه عضو ناتو نیست ولی طبق برنامه در شرایط جنگ علیه اردوگاه سوسیالیسم وارد جنگ میگردد) و فرانسه دارای ۹۸۶ وسیله پرتاب سلاحهای اتمی هستند (۷۳۲ عدد آن - متعلق به امپریالیم آمریکاست که در اروپا مستقر نموده و برد آنها حدود ۱۰۰۰ کیلومتر است، ۱۲۲ عدد آن متعلق به امپریالیم فرانسه و ۱۱۹ عدد آن متعلق به امپریالیم انگلیس است). آمریکا در مجموع دارای ۷۰۰۰ سلاح اتمی در اروپاست

که در بیش از ۱۵۰ نقطه اروپای غربی مستقر شده‌اند. اتحاد شوروی در مقابل دارای ۹۷۵ وسیله پرتاب اتمی در ناحیه اروپای شرقی است که بردهی در همین حدود دارند. با استقرار ۵۷۲ سلاح اتمی جدید آمریکا کسه بردهی بیش از دو برابر سلاحهای قبلی یعنی حدود ۲۵۰۰ کیلومتر دارند (۱۶۰ موشک کروز در انگلیس، ۱۰۸ موشک پرشینگ ۲ و ۹۶ موشک کروز در آلمان غربی، ۱۱۲ موشک کروز در ایتالیا، ۴۸ موشک کروز در بلژیک و ۴۸ موشک کروز در هلند) نیروهای پیمان ناتو دارای ۵۰ درصد برتری نظامی خواهند گردید. بخصوص موشکهای پرشینگ ۲ که ظرفیت ۵ تا ۶ دقیقه میتوانند به نقاط حساس نظامی اتحاد شوروی برسند تعادل قوا را بیش از پیش برهم خواهد زد. لازم به یاد آوری است که این سلاحها درست برعکس آنچه که آمریکا مدعیست دفاعی نبوده، بلکه اساساً بخاطر تهاجم غافلگیر کننده ساخته شده است تا بتواند اتحاد شوروی را قبل از حمله متقابل نابود سازد. این پیمان در مجموع دارای ۳۰۰۰۰ کلاهک اتمی هر یک با ظرفیتی بین ۵۰ کیلو تن تا ۱۰ مگا تن هستند که از این تعداد ۷۰۰۰ سلاح اتمی تنها در اروپا مستقر است.

پس از امضای موافقت‌نامه SALT 2 در تابستان ۱۹۷۹ که بر اساس آن محدودیست تولید سلاحهای اتمی و داشتن تعادل قوای استراتژیک اتمی برای دو طرف شوروی و آمریکا در نظر گرفته شده بود، امپریالیم آمریکا به بهانه واهی خطر برتری نظامی شوروی (که هیچ دلیل و مدرکی از آن در دست ندارد) این موافقت‌نامه را نادیده گرفته و بطور یکجانبه و سرسام آور به تولید سلاح های مختلف و بخصوص اتمی از نوع مدرن تر نمود. با اعلام برنامه جدید نظامی که در سال ۱۹۸۱ توسط دولت ریگان اعلام شد، آمریکا که در جستجوی به دست آوردن موقعیت برتر نظامی و بخصوص در زمینه سلاحهای اتمی بود هرچه بیشتر بودجه نظامی خود را بالا برد. امپریالیم آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم با استفاده از ضرباتی که بر رقبای امپریالیستی اش از یک سو و خسارات و تلفات بسیاری که بر اتحاد شوروی از سوی دیگر وارد شده بسود (بیش از ۲۰ میلیون نفر از مردم اتحاد شوروی در مبارزه با فاشیسم آلمان که به خاک شوروی تجاوز کرده بود، جان خود را از دست دادند) از موقعیت مناسبی برخوردار شده بود در رویای بدست آوردن برتری نظامی که بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم و دستیابی به سلاح اتمی و استفاده آن

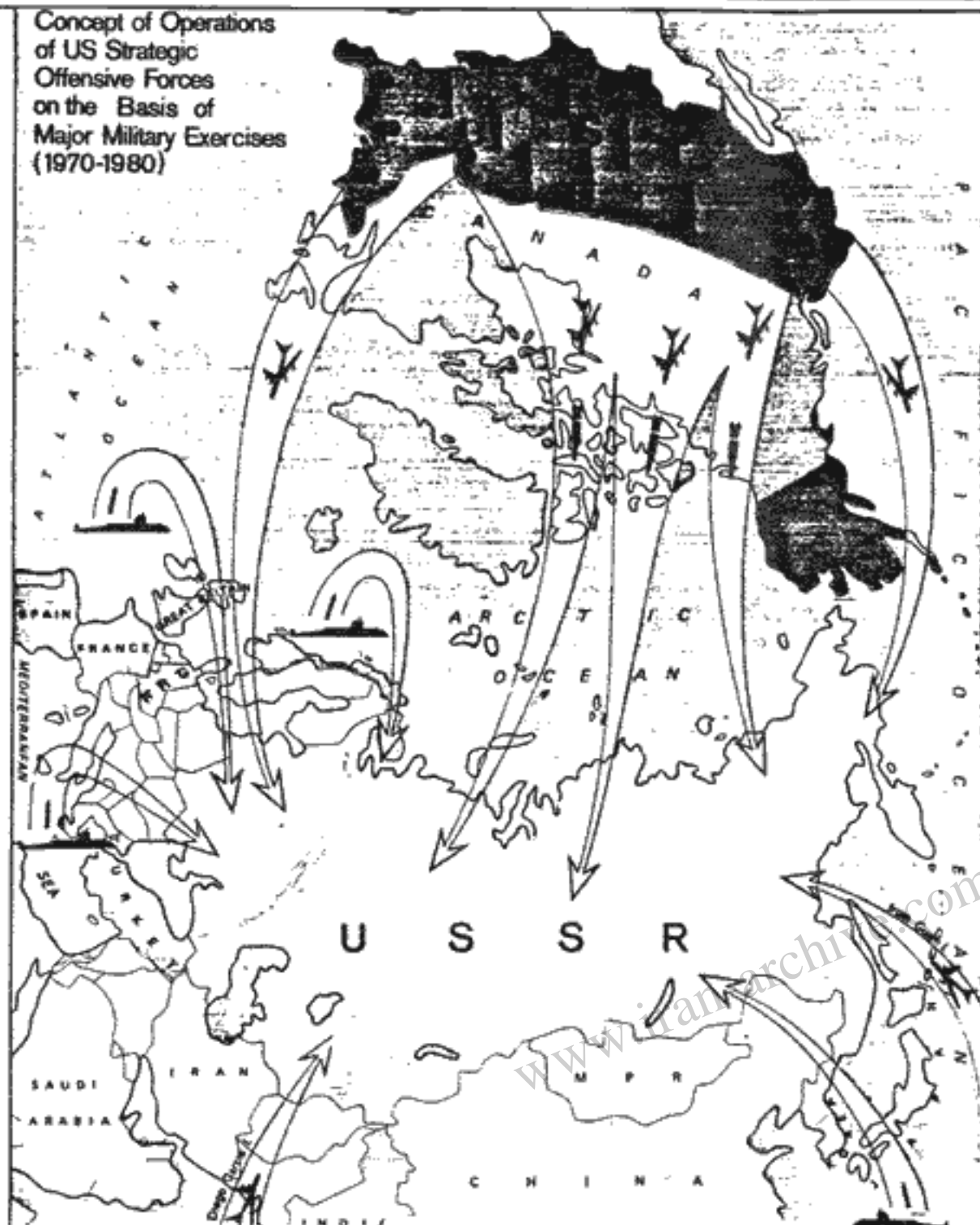
در هیروشیما و ناگازاکی علیه مردم غیر نظامی ژاپن بوجود آمده بود، هرچه بیشتر به تقویت قوای نظامی و بخصوص اتمی خود پرداخته اوج گیری مبارزات رهاشی بخش خلقهای ملل تحت‌تسم، تقویت هرچه بیشتر اردوگاه سوسیالیسم و بین بست اقتصادی سیستم سرمایه‌داری نیز امپریالیم را در تنگنای شدیدی قرار داده که راهی را برای خود جز میلیتاریسم بیش از پیش و دخالت نظامی آشکار نمی‌بیند.

عدم پذیرش طرح (Freeze) یعنی عدم تولید سلاحهای جدید اتمی بوسیله دولت ریگان رد شده است و بجای آن طرح کاهش سلاحهای اتمی را عنوان کرده اند که در ظاهر خواستار کاهش سلاحهای اتمی است ولی در واقع چیزی جز فریب افکار عمومی مردم آمریکا و جهان نیست زیرا باین ترتیب در واقع سلاحهای اتمی پیشرفته تر و مخرب تر جایگزین سلاحهای قدیمی تر میگردد و اتحاد شوروی را هم که برنامه‌ای برای تولید سلاحهای اتمی بیشتر و مدرن تر ندارد، وادار می‌نماید که برای برقراری موازنه مجدد مخارج زیادی را - متحمل گردد.

استراتژی نظامی اتحاد شوروی در قبال استراتژی نظامی امپریالیم

برای اتحاد شوروی مسئله خطیر جلوگیری از وقوع جنگ اتمی که طبیعاً وظیفه دشواری را در جهت حفظ طبع برای این کشور ایجاد کرده همواره بعنوان میرم ترین مسئله وجود داشته است. برای اتحاد شوروی آگاهی به بالندگی سوسیالیسم در جهان از یک سو و سعی در اجتناب از برخورد مستقیم با امپریالیم که منجر به وقوع جنگ اتمی که طبیعاً نابودی بشر را بطور جدی تهدید میکند، از سوی دیگر مرحله‌ای بحرانی را بخصوص در سیاست خارجی این کشور بوجود آورده است. اتحاد شوروی بطور یک جانبه اعلام داشته است که اولین استفاده کننده از سلاح اتمی نخواهد بود و به آمریکا نیز پیشنهاد نمود که رهبران آن کشور نیز چنین اطمینانی را بپذیرند ولی امپریالیم آمریکا آشکارا از قبول این اصل خودداری نمود. تاریخچه سیاست نظامی آمریکا، مداخله مستقیم و غیر مستقیم آن در نقاط مختلف جهان، استفاده از سلاح اتمی در هیروشیما و ناگازاکی همه نشاندهنده این مسئله است که رهبران این کشور از بکار بردن سلاح اتمی "در صورت لزوم" هرگز رویگردان نیستند این مسئله سیاست لزوم حفظ موازنه قوای نظامی با امپریالیم از طرف اتحاد شوروی

**Concept of Operations
of US Strategic
Offensive Forces
on the Basis of
Major Military Exercises
(1970-1980)**



نمودار عملیات استراتژی نظامی آمریکا علیه شوروی

فاک خود آمریکا را بوجود خواهد آورد یعنی سلاحهای اتمی را بنحوی مستقر خواهد نمود که تقریباً در طرف همان مدتی که لازم است موشکهای پرشنگ ۲ به هدف هایشان در شوروی برسند، به خاک آمریکا برسند. چون پایگاههای اتمی اتحاد شوروی در خاک خود این کشور قرار دارند لذا این سلاحها احتمالاً در زیر دریاییهای اتمی که بتوانند آمریکا را در تیررس قرار دهند نصب خواهد گردید که البته این کار مخارج زیادی را بناچار برعهده این کشور خواهد گذاشت. در مقابل سیاست افراطی دولت ریگان، اتحاد شوروی واکنشهای جامی متقابل ایدئولوژیک خود را ابراز داشته است. این مسئله در سخنان اخیر آندروپوف بخوبی مشهود است. وی ضمن اشاره به جنایات امپریالیسم آمریکا در ویتنام، لبنان، السالوادور و سایر نقاط جهان می‌افزاید: فهرست منابع در صفحه ۴۵

جدید اتمی در اروپا که خطر فافلکبیری احتمالی اتحاد شوروی در یک جنگ اتمی را دارد همانطور که توسط برخی مقامات این کشور ابراز شده، سیاست "تلیک در اثراخطار" (Shot on Warning) را پیش‌گیرنده یعنی هنگامی که سیستم رادارهای شوروی رد حرکت یک سری از اجسام غیرقابل هویت را کسبه بطرف آن کشور حرکت میکنند گرفتند، قبل از آنکه موشکهای مفروض بتوانند هدفها را در اتحاد شوروی نابود نمایند، این کشور دست به حمله متقابل زند این منظور احتمالاً با استقرار موشکهای اتمی در برخی از کشورهای اروپای شرقی همراه خواهد بود. البته همچنانکه اتحاد شوروی اعلام داشته است، این مسئله بطور اجتناب ناپذیری خطر یک جنگ تصادفی را بالا خواهد برد. دیگر اینکه احتمالاً اتحاد شوروی طرفیت واکنش سریع متقابل از طریق تهدید

را علیه فشار زیادی که بر اقتصاد این کشور وارد می‌آورد، نشان میدهد. اتحاد شوروی برای خلع سلاح اتمی در جهت‌گامی این سلاحها تا حد ناپودی کلیه آنها همواره تلاش نموده است. این کشور پیشنهاد انحلال همزمان دو پیمان نظامی ناتو و ورشو را نیز داده است که از طرف امپریالیست‌ها رد شد.

برخلاف آمریکا که سازندگان تسلیحات شرکت‌های خصوصی بوده و با اوج گیری مسابقه تسلیحاتی سود بیشتری نصیب سرمایه‌داران این کشور میگردد، برای مردم اتحاد شوروی که دارای اقتصادی سوسیالیستی هستند، مسابقه تسلیحاتی اقتصاد این کشور و در نتیجه مردم شوروی را تحت فشار قرار میدهد و این درست چیزی است که امپریالیستها خواهان آن هستند. امسالی هنگامی که در دورانی که سوسیالیسم رسالت خود را بنحو بارزی به ثبوت رساننده، امپریالیستها بخواهند از "موقع قدرت" حرکت کنند، اتحاد شوروی ملزم به واکنش میگردد. دورنمای سیاست اتمی اتحاد شوروی را میتوان چنین تصور نمود:

اتحاد شوروی بخاطر جلوگیری از بروز یک جنگ اتمی حتی المقدور برای رسیدن به توافقی بر سر استقرار موشکهای اتمی سعی مینماید. براساس آخرین پیشنهاد این کشور که از طرف آندروپوف در اکتبر گذشته اعلام شد این کشور حاضر گردیده است که تعداد موشکهای اتمی میان برد خود در اروپا که بر اساس موافقت نامه Salt 2 هم اکنون در آنجا استقرار دارد از ۶۰۰ عدد به ۱۰۰ عدد (تنها مجموع تعداد موشکهای میان برد اتمی انگلیس و فرانسه ۱۶۰ عدد است) تقلیل دهد و مابقی را تغییر نداده، بلکه نابود کند در حالیکه آمریکا از استقرار ۵۷۲ موشک اتمی پرشنگ ۲ و کروز خودداری نماید که این پیشنهاد از طرف امپریالیستها پذیرفته نشد، اما در انظار عمومی مردم جهان و بخصوص مردم اروپا نشان داد که اتحاد شوروی واقعاً خواستار صلح است. نظایرات میلیونی در اروپای غربی که تماماً علیه سیاست اتمی امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی آن ظرف ۳ سال گذشته برپا شده بخوبی نشان‌دهنده آنست که بسیاری از مردم اروپا به واقعیت این مسئله پی برده‌اند.

در صورت عدم توافق بر سر این مسئله بین اتحاد شوروی و امپریالیسم آمریکا و متحدان آن و در صورت استقرار سلاحهای



بمنظور پیشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله یا مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

بررسی تاریخی انترناسیونال کمونیستی (کمینترن)

قسمت آخر

کمینترن و جبهه متحد ضد فاشیست



برخورد به خطر فاشیسم برای جنبش طبقه کارگر در اروپا، برای اولین بار در کنفرانس چهارم کمینترن در سال ۱۹۲۲ صورت گرفت. بدنبال شکست‌های اپورتونیستی رهبران حزب سوسیالیست ایتالیا، فرانسه، نروژی و داراگونا، موسولینی در سال ۱۹۲۱ قدرت را بدست گرفت و فاشیسم در اروپا متولد شد. ظهور فاشیسم در اروپا در همان اولین سالهای شکست جنبش کارگری در - ایتالیا و آلمان را بدنبال داشت. از اینرو کنفرانس چهارم فاشیسم را بعنوان "خطرترین مشکل تهاجم توسعه‌یابنده سرمایه‌داری" مشخص نمود و کمونیست‌ها را به این خطر جدید هشدار داد. در این کنفرانس این مسئله مورد تصویب قرار گرفت که "امروزه" تهدید فاشیسم در بسیاری از کشورها در کمین نشسته است. در چکواکی، مجارستان، در تقریباً تمام کشورهای بالکان در لهستان، در آلمان (با واریا)، در اتریش و در آمریکا و حتی در کشورهای نظیر نروژ، فاشیسم به این شکل و با آن شکل دیگر حتی در کشورهای نظیر فرانسه و انگلیس نیز غیرممکن نیست". (۵۲) در کنفرانس چهارم گرایشات نیز وجود داشت که خطر فاشیسم را دست‌کم میگرفت. زیندوینف فاشیسم را به‌مثابه "مرحله‌ای دریلوغ انقلاب در ایتالیا" مشخص کرد. (۵۳) به‌رحال برای مقابله با خطر فاشیسم، کنفرانس سیاست جبهه متحد را در دستور کار قرار داد. در کنفرانس ششم کمینترن بخاطر رشد بحران جهان امپریالیستی، مسئله فاشیسم و خطر آن برای جنبش کارگری دست‌کم گرفته شد.

و خلقها را در نقاط مختلف جهان مورد هجوم قرار دادند. تا قبل از تشکیل کنفرانس هفتم کمینترن در سال ۱۹۳۵، کمینترن تلاشهای زیادی را برای تشکیل جبهه متحد بعمل آورد و پیشنهادهایی را برای مبارزه مشترک علیه فاشیسم به "بین الملل سوسیالیست" ارائه نمود. ولی بین الملل سوسیالیستی به خاطر ماهیت رفرمیستی و سازشکار خود از مبارزه بر علیه فاشیسم خودداری نمود. در سال ۱۹۳۴، حزب کمونیست فرانسه و کنفدراسیون متحد کارگری در مخالفت با شورش فاشیستی در فرانسه، تظاهرات و اعتصاب مبارزه جویانه عظیمی را سازمان دادند. در روز ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۴، کمونیست‌ها و سازمانهای چپ فرانسه تظاهرات عظیم دیگری را در پاریس و شهرهای دیگر علیه فاشیسم به راه انداختند. تنها در پاریس

نیم میلیون نفر کارگر در تظاهرات شرکت نمودند. به خاطر موفقیت تظاهرات ۱۴ ژوئیه، و تحت فشار بوده‌ای، سرانجام رهبری حزب سوسیالیست فرانسه که از سال ۱۹۲۳ تا آن زمان ۲۶ بار پیشنهاد حزب کمونیست فرانسه را برای تشکیل جبهه متحد رد کرده بود، در روز ۱۵ ژوئیه ۱۹۳۴، یعنی روز بعد از تظاهرات بزرگ، به تشکیل جبهه متحد ضد فاشیستی تن داد.

در آلمان نیز کمونیست‌ها با پیروی از رهنمودهای کمینترن، از سال ۱۹۳۰ به بعد تلاشهای زیادی برای تشکیل جبهه متحد بکار گرفتند. اما سوسیال دموکرات‌ها که از گسترش نفوذ کمونیست‌ها و کاهش نفوذ خود در بین سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۳۲، هراسناک شده بودند و به نظر آنها خطر

فاشیسم که در حال رشد بود از خطر بلشویکها کمتر بود. چهار بار پیشنهاد حزب کمونیست آلمان را برای تشکیل جبهه متحد رد نمودند.

بهر حال در شرایطی که خطر فاشیسم سراسر اروپا را فرا گرفته بود، کنگره هفتم کمینترن در سال ۱۹۳۵ در مسکو برگزار شد. این کنگره مسئله مقابله فوری با تهاجم فاشیسم را بعنوان یکی از مهمترین مباحث، در دستور کار قرار داد. تشکیل جبهه متحد ضد فاشیسم که در این کنگره فرموله شد، در حقیقت تکمیل کننده فرمول جبهه متحد کنگره چهارم بود. در کنگره هفتم بر اساس تزیهای دیصتریف که تحلیل جامعی از فاشیسم بعنوان شوونیسم انجام گسیخته امپریالیستی و جنگ فارتگرانه ارائه میداد، قطعنامه هائی به تصویب رسید که در شکست فاشیسم نقش بس ارزنده ای ایفا نمود. کنگره هفتم کمینترن ضمن تاکید این مسئله که کمونیستها نمیتوانند خود را از جنگی که امپریالیستها برای نابودی استقلال کشورشان برآوردند، به کنار کشند، تصریح نمود که: "جنگی که بورژوازی ملی چنین کشوری بدان دست میزند تا این حمله را دفع کند، میتواند خصلت جنگ آزادیبخش بخود بگیرد. در این جنگ، طبقه کارگر و کمونیستهای آن کشور نمیتوانند خود را از معرکه دور نگهدارند. وظیفه کمونیستهای چنین کشوری است که ضمن پیشبرد مبارزه آشتی ناپذیر جهت حراست از مواضع اقتصادی و سیاسی کارگران زحمتکش و اقلیت های ملی و در عین حال در صف مقدم رزمندگان راه استقلال ملی قرار گیرند و جنگ آزادیبخش را به آخر رسانند و با این حال اجازه ندهند که بورژوازی "خودی" به زیان منافع کشورشان با قدرتهای مهاجم معامله کند." (۵۴)

کنگره همچنین بر ضرورت ایجاد جبهه متحد پرولتاریا به مناسبت هشت مرکزی جبهه متحد ضد فاشیسم، تاکید زیادی نمود. در این مورد دیصتروف بیان داشت: "موفقیت تمام مبارزه پرولتاریا به برقراری اتحاد رزمنده بین پرولتاریا از یک طرف و دهقانان زحمتکش و قشرهای پائینی عرده - بورژوازی شهری که حتی در کشورهای توسعه یافته صنعتی نیز اکثریت جمعیت را تشکیل میدهند، بستگی کامل دارد." (۵۵)

مسئله تشکیل جبهه متحد ضد فاشیسم طبیعتاً مسئله احتمال ایجاد دولت "جبهه خلقی" را در پیرویه جنگ ضد فاشیستی مطرح مینمود. در این مورد کنگره تاکید نمود که چنین دولت هائی بدون تردید در چهارچوب سرمایه داری تاسیس خواهد شد. اما

کمونیستها باید تلاش کنند که این دولت ها، نه بر اساس یک قرارداد بسا سوسیال دمکراتها، بلکه بر مبنای یک جنبش توده ای واقعی بنا شوند. این دولت باید دارای برنامه مبارزه طبقاتی باشد و مبنای آن همکاری طبقاتی نباشد و "باید خواسته های انقلابی اساسی و مشخصی را عملی نماید. مثلاً کنترل تولید، کنترل بانکها، انحلال پلیس و جایگزین نمودن آن با پلیس مسلح کارگران و غیره." (۵۶) کنگره همچنین خاطر نشان ساخت که شرکت یا عدم شرکت کمونیستها در چنین دولتی منوط به شرایط معینی است. با اینحال تاکید نمود که به وجود آمدن چنین دولت هائی در تعدادی انقلاب سوسیالیستی ضروری است.

دیصتروف، شورویسم اصلی جبهه متحد ضد فاشیسم در سخنرانی های خود ضمن انتقاد از رهبری برانداز بر حزب کمونیست آلمان در سال ۱۹۳۳ که به مناسبت "وزرای پارلمانی" در جبهه متحد ساکونی و تورینگ شرکت کرده بودند، تاکید نمود که احزاب کمونیستی در جبهه متحد ضد فاشیسم باید هویت سیاسی خود را کاملاً حفظ کرده و به دنبال روی آپورتونیستی از جنبش توده ای نپردازند. وی گفت شرکت کمونیستها در جبهه متحد به شرایطی بستگی دارد که خطی از آنها به هیچوجه جایز نیست. ما در اینجا شرایطی را که دیصتروف برای شرکت کمونیستها در جبهه ضد فاشیسم و همکاری با سوسیال-دمکراتها قائل شده، عیناً از سخنرانی وی در کنگره هفتم نقل میکنیم: "... دسترسی به اتحاد سیاسی، تنها بر اساس بعضی از شرایط قطعی که شامل اصول میشود، امکان پذیر است. این اتحاد فقط وقتی امکان پذیر است که:

اولاً، به شرطی که استقلال کاملشان از بورژوازی و جدائی کاملشان از بلشویک سوسیال دمکراسی حفظ شود.

ثانیاً، بشرطی که قبل از همه اتحاد عمل بوجود آید.

ثالثاً، بشرطی که ضرورت سرنگونی انقلابی حاکمیت بورژوازی و تاسیس دیکتاتور پرولتاریا در قلم شوراها تشخیص داده شود.

رابعاً، بشرطی که حمایت از بورژوازی خودی در جنگ امپریالیستی، رد شود.

خامساً، بشرطی که حزب بر اساس سانترالیسم دمکراتیک که همخوانی خواست و عمل را تضمین میکند و بوسیله تجربه های بلشویکهای روسی آزمایش شده است تاسیس شود." (۵۷) (تاکیدها از دیصتروف)

کمینترن تا آخرین سالهای فعالیت

خود و در حساس ترین لحظات جنگ جهانی دوم بر استقلال احزاب پرولتاری در درون جبهه متحد تاکید نمود. در مقاله ای که دیصتروف در نوامبر ۱۹۳۹ نوشت، حفظ صف مستقل طبقه کارگر را مورد تاکید قرار داد. کمیته اجرایی کمینترن به ریاست دیصتروف در بیانیه اول ماه مه خود در سال ۱۹۴۰، احزاب سوسیال دمکراسی و اتحادیه های کارگری را که به سازش با بورژوازی "خودی" مشغول بودند مورد حمله قرار داد و خواستار همبستگی بین المللی کارگران همه کشورها بر علیه فاشیسم شد (۵۸) همچنین کنگره هفتم کمینترن از احزاب کمونیست خواست که به خاطر پیچیدگی های شرایط بین المللی و شرایط خاص هر کشور، از بکار بستن کلیشه ای تاکتیک های جبهه متحد ضد فاشیسم بپرهیزند. در این مورد، دیصتروف در سخنرانی خود بیان داشت:

"ما علیه هرگونه برنامه های تماماً از قبل تعیین شده هستیم. ما میخواهیم که وضعیت مشخص در هر لحظه و در هر مکان را به حساب آوریم و طبق یک شکل ثابت و کلیشه ای در یک جا و یا هر جا عمل نکنیم و فراموش نکنیم که در موقعیت های متغیر موضع کمونیستها نمیتواند یکسان باشد... ما میخواهیم که احزاب خود را از هر جهت برای راه حل پیچیده ترین مسائل سیاسی که آنها را احاطه میکند، آماده کنیم. برای این خاطر، ما میخواهیم که سطح تئوریک آنها را بیش از پیش ارتقا دهیم و آنها را در پرتو مارکسیسم - لنینیسم غلاق، و نه جبرگراشی مرده، پرورش دهیم." (۵۹) (تاکید از ماست).

حال بگذارید دستاوردهای جبهه متحد ضد فاشیسم را در عمل مورد ارزیابی قرار دهیم. در فرانسه تشکیل "جبهه خلق" به گسترش نفوذ کمونیستها در بین توده ها کمک زیادی نمود. در انتخابات کشوری ۲۶ آوریل ۱۹۳۶، تعداد آرا کمونیستها دوبرابر سال ۱۹۳۳ شد. با اینحال "سوسیالیستها" برتری خود را بر کمونیستها حفظ نمودند و دولت جبهه خلقی فرانسه به قدرت رسید و لشون بلوم، سوسیالیست، نخست وزیر شد. با پیروی از مصوبات کنگره چهارم کمینترن و کنگره هفتم کمینترن، حزب کمونیست در این دولت جبهه خلقی شرکت ننمود بلکه بسا حفظ حق انتقاد، از آن بطور فعال حمایت کرد. اما به خاطر آنکه بلوم یک رفرمیست ناب و ضد کمونیستی دو آتش بود، دولت جبهه خلق تحت رهبری او زود به بن بست رسید. اگرچه حزب کمونیست فرانسه در سالهای

بعد به خاطر پیچیدگی شرایط جهانی و تطبیق وظائف بین المللی با وظایفی که در مورد مبارزه طبقاتی داخلی داشت، دچار اشتباهاتی شد و به تعمیق مبارزه طبقاتی داخلی در کنار مبارزه بر علیه فاشیسم بهای لازم را نداد، در مدتی که دولت جبهه خلقی فرانسه بر سر کار بود، توانست خود را بمناب پیگیرترین مدافع منافس زحمتکشان به توده‌ها بشناساند.

تشکیل "جبهه خلق" در اسپانیا یکی دیگر از دستاوردهای کمینترن بود. در اوایل دهه ۱۹۳۵ به موازات رشد فاشیسم در اسپانیا، شرایط انقلابی در اسپانیا نضج گرفت. تا سال ۱۹۳۵، حزب سوسیالیست اسپانیا دو بار پیشنهاد حزب کمونیست را برای تشکیل جبهه متحد رد نمود. عدم اتحاد با سوسیال-دمکراتها در سال ۱۹۳۴ شکست سنگینی را نصیب طبقه کارگر اسپانیا نمود. البته در این میان گرایشات انحرافی که در رهبری حزب کمونیست وجود داشت نیز بی تاثیر نبود. در سال ۱۹۳۲ - کمیته اجرایی کمینترن در بیانیه‌ای به کارگران، دهقانان و کمونیستهای اسپانیایی ضمن حمله به چهار نفر از رهبران قبلی حزب کمونیست، آدام (Adame)، وگا (Vega) تریلا (Trilla) و بولجس (Bullejos) که مبتلا به انحرافات تروتسکیستی بودند و از وجود آمدن یک حزب کمونیست با پایه توده‌ای جلوگیری میکردند، تلاشهای کمونیست ها را برای بازسازی حزب ستود. (۶۰)

در سال ۱۹۳۵ به ابتکار حزب کمونیست جبهه خلق مرکب از حزب کمونیست، حزب سوسیالیست، حزب خرده بورژوازی جمهوریخواه و اتحادیه‌های کارگران تشکیل شد. در انتخابات کشوری سال ۱۹۳۶، جبهه خلق شکست سنگینی به نیروهای ارتجاعی داد و دولت جبهه خلق به رهبری مانوئل ازانسا به سر کار آمد. این پیروزی در پیروزی سیاست‌های اصولی حزب کمونیست اسپانیا حاصل شد. خوزه دیاز (Jose Diaz) یکی از رهبران حزب کمونیست در سال ۱۹۳۶ اعلام داشت: "مبارزه ما برای دیکتاتوروری پرولتاریاست، برای شوراهاست... ما از اهداف خود دست نمیکشیم... اما وظیفه فوری ما حالا مبارزه برای برقراری دیکتاتوروری نیست، بلکه توسعه مبارزه ضد فاشیستی است" (۶۱)

در ۴ سپتامبر ۱۹۳۶ تحت فشار کمونیست‌ها، ازانسا که در مقابل نیروهای دولتی وابسته به فرانکو تزلزل به خرج میداد، بر کنار شد و لارگو کابالرو (Largo Caballero) سوسیالیست چپ-

نخست وزیر شد. کمیته اجرایی کمینترن سیاست‌های درست حزب کمونیست را در مورد تشکیل جبهه متحد برای مقابله با هیتلر و ژنرال فرانکو و حمایت از دولت موقتی کابلور مورد تأیید قرار داد. (۶۲)

در سال ۱۹۳۶ برای مقابله با کمک‌های نظامی و مادی هیتلر و موسولینی به ژنرال فرانکو، بخش‌های مختلف کمینترن وظایف انترناسیونالیستی خود را به شایسته ترین نحوی انجام دادند. برای کمک به کمونیستهای اسپانیایی، بالاترین رهبران حزب کمونیست ایتالیا به جبهه جنگ داخلی اسپانیا آمدند. بالاترین دیپلمات‌ها و مقامات نظامی شوروی برای کمک به جبهه خلق به اسپانیا اعزام شدند. در تاریخ ۲۵ اوت ۱۹۳۶ والتر کری ویتسکی (Walter Krinsky) ژنرال ارتش سرخ و رئیس اطلاعات ارتش شوروی در اروپای غربی، دستور زیر را از مسکو دریافت کرد: "فورا عملیات خود را افزایش دهید تا جنگ اسپانیا را دربر بگیرد. تمام عوامل و امکانات موجود را برای ایجاد سیستمی سریع برای خرید و انتقال اسلحه به اسپانیا بسیج کنید." (۶۳) البته تا مدتی عملیات نظامی شوروی کاملاً سری بود و حمایت شوروی در ظاهر به حمایت دیپلماتیک و تبلیغاتی محدود بود.

با تشدید جنگ داخلی تقویت نیروهای فاشیستی، دیگر کمک‌های نظامی شوروی برای حمایت از جبهه خلق کافی نبود. از اینرو کمینترن تصمیم گرفت که داوطلبان کمونیست برای شرکت در جنگ داخلی اسپانیا را از کشورهای مختلف جهان سازماندهی کند. در اکتبر سال ۱۹۳۶ بریگادهای بین‌المللی کمینترن از کشورهای مختلف وارد خاک اسپانیا شدند. در همین ماه "هواپیماها و تانک‌های شوروی مستقیماً وارد جبهه جنگ اسپانیا شدند." (۶۴)

در مدت کمی میلیشای کمینترن از فرانسه و ایتالیا به همراه برجسته‌ترین رهبران نظامی وارد جنگ با نیروهای فاشیست شدند. در دسامبر ۱۹۳۶ اولین دسته داوطلبان آمریکایی، نیویورک را به قصد اسپانیا ترک کردند. (۶۵) ژنرال لوکا و ژنرال یاولف، دو تن از برجسته‌ترین فرماندهان نظامی شوروی، فرماندهی بریگاده‌های بین‌المللی کمینترن را به عهده داشتند. نیمی از ۴۰۰۰۰ نفر نیروی ارتش کمینترن در اسپانیا که دلبران در جبهه جنگ جنگیدند، جان خود را در راه آرمانهای بین‌المللی پرولتاریا از دست دادند.

با سخت‌تر شدن جنگ، نیروهای وابسته

به انترناسیونال دوم اندک اندک تزلزل خود را رو کردند. در سال ۱۹۳۸ نسبت وزیر اسپانیا مذر جنگجویان غیر اسپانیایی را در جنگ داخلی اسپانیا خواست. بلوم، رئیس دولت جبهه خلقی فرانسه، برای مراعات سیاست "بیطرفی"، انقلابیون اسپانیا را تنها گذاشت. سرانجام پس از مقاومت دلبران کمونیست‌های اسپانیا، باریگادهای بین‌المللی و انقلابیون اسپانیا، در ۲۸ مارس ۱۹۳۹ مادرید آخرین سنگر انقلاب اسپانیا در مقابل فاشیسم سقوط کرد. بدینگونه فاشیسم علیرغم از خود گذشتگی و مبارزه بی‌امان کمونیست‌ها و انقلابیون بر اسپانیا غلبه یافت.

جبهه ضد فاشیسم در اسپانیا، صحت نظری تئورهای کمینترن را اثبات نمود. حزب کمونیست توانست با اتخاذ سیاست اصولی خود، سوسیالیست‌ها را بطرف خود بکشد و رهبری مبارزات عملی توده‌ها را بدست گیرد. به خاطر گرایش سازمان جوانان سوسیالیست به حزب کمونیست و وحدت آن با کمونیستها، این سازمان از بین الملل دوم اخراج شد. بهر حال، پیروزی فاشیسم در اسپانیا رنگ خطر را برای کمونیست‌ها و کلیه نیروهای ترقیخواه جهان به مداد آورد و از همه مهمتر دولت شوروی را واداشت که استراتژی دقیقی را در برابر فاشیسم بکار بندد. در سپتامبر ۱۹۳۹ شوروی بناچار به مصالحه با آلمان نازی تن در داد و قرارداد عدم تجاوز را با آلمان امضا نمود. این قرارداد در حقیقت تکرار تاریخی قرارداد صلح برستک لتیوفسک در سال ۱۹۱۸ بود. این مصالحه تاکتیکی حزب کمونیست شوروی همانطور که تاریخ ثابت نمود، نقش کلیدی در پیروزی‌های بعدی ارتش سرخ و شکست فاشیسم ایفا نمود. در سال ۱۹۳۹ گسترش فاشیسم امپریالیست ها را به عاف‌ارایی در مقابل یکدیگر واداشت. در مقاله‌ای که دیستروف، رئیس هیئت اجرایی کمینترن در نوامبر ۱۹۳۹ نوشت، خاطر نشان ساخت که تشکیل جبهه متحد با سوسیال‌دمکراتها که با بورژوازی غرضی متحد شده‌اند امکان پذیر نیست و تغییر وضعیت جنگ ایجاد میکند که "جبهه متحد در شرایط فعلی باید از پائین تأمین شود، از کارگران، دهقانان، مردم زحمتکش شهری و روشنفکران موقتی بر علیه جنگ امپریالیستی و بر علیه ارتجاع." (۶۶) احزاب کمونیست برای حفظ و استقلال حزبی خود در کشورهای اروپا بهای سنگینی پرداختند و در همه جا مورد سرکوب دولت‌های بورژوازی قرار گرفتند.

در ژوئن ۱۹۴۱ با حمله آلمان به خاک

شوروی، دولت شوروی که با استفاده از قرارداد عدم تجاوز خود را کاملاً برای جنگ دراز مدت با فاشیسم آماده کرده بود، وارد جنگ شد. با ورود شوروی به جنگ، زمینه‌های لازم برای رشد جنبش‌های توده‌ای در اروپای شرقی و اروپای غربی بوجود آمد. کمونیست‌ها در جبهه مقاومت ضد فاشیستی در کشورهای مختلف، بیشترین زشادتها را از خود نشان دادند. کمونیست‌ها توانستند وسیع‌ترین اقشار خلق را در جبهه‌های مقاومت سازماندهی کنند. شرکت عملی کمونیست‌ها در مبارزه انقلابی باعث شکل گرفتن دولت‌های دموکراسی توده‌ای در اروپای شرقی گردید. دولت‌های دموکراسی توده‌ای از بطن جبهه متحد ضد فاشیسم متولد شدند و همانگونه که تجربه نشان داد، به خاطر وجود رهبری احزاب کمونیست توانستند در راه سوسیالیسم کامیابی بردارند.

در کشورهای اروپای غربی، احزاب کمونیست که در پیروسی جنگ جهانی دوم نقش ارزنده‌ای ایفا کرده بودند، پس از جنگ بطور سریعی رشد نمودند. در کنار رخد احزاب کمونیست، اتحادیه‌های کارگری سازمانهای دمکراتیک در صحنه سیاسی اروپا ظاهر شدند. منافسانه علی‌رغم رشد کمی احزاب کارگری و کمونیستی، در بعضی از کشورهای اروپای غربی احزاب کمونیست به عوض تعمیق مبارزه طبقاتی پرولتاریا پس از جنگ، بدنیه‌الرویی از شعار صلح که اروپا و تقریباً سراسر جهان را فرا گرفته بود، برداشتند. اغلب احزاب کمونیست فراموش کرده بودند که مبارزه علیه بورژوازی امپریالیستی که جنگ جهانی اول و دوم را براه انداخته بود، بهترین راه تضمین کننده صلح است. البته اتحاد با سوسیال دمکراتها و سازمانها و عناصر بورژوازی در مبارزه مشترک بر علیه فاشیسم بخصوص اتحاد عمل‌هایی که بعد از سال ۱۹۴۱ صورت گرفت، در همه حال بر پایه حفظ استقلال پرولتری احزاب کمونیست بنا نهاده بود. پیچیدگی شرایط سیاسی، خطر اوج‌گیرنده فاشیسم و همچنین انحلال کمینترن در سال ۱۹۴۳ از جمله عوامل مهمی بودند که باعث شدند کمونیستهای اروپای غربی منافع آنی را به منافع دراز مدت پرولتاریا ترجیح دهند. البته تا زمانی که خط مشی انقلابی بر حزب کمونیست شوروی حاکم بود، این انحرافات هیچکدام خود را علناً آشکار نساختند. اما واقعیت این است که انحرافات احزاب کمونیست اروپایی که در پیروسی جنگ جهانی دوم و بعد از آن حاصل شد، زمینه‌های لازم را برای پذیرش ترفهای رویزیونیستی غروشیف فراهم آورد.

انحلال کمینترن و جمع‌بندی دستاوردهای تاریخی آن

مدتها قبل از تاریخ رسمی انحلال کمینترن در ۸ ژوئن ۱۹۴۳، کمینترن بخاطر پیچیدگی شرایط جهانی و تفاوت وضعیت سیاسی کشورهای تحت سلطه نازیسم و کشورهای متحد نازیسم، نقش عملی خود را در هدایت مبارزه احزاب کمونیست کشورهای مختلف از دست داده بود. از سال ۱۹۴۰ به بعد، رهنمودهای کمینترن صرفاً محدود به بیانیه‌های هیئت اجراییه کمینترن در رابطه با اول ماه مه خلاصه میشد. در سال ۱۹۴۳ که مسئله ایجاد جبهه دوم علیه فاشیسم بطور جدی مطرح شده بود، "متحدین" سرمایه دار شوروی که ترشان از کمینترن و احزاب کمونیست وابسته به آن به مراتب بیشتر از فاشیسم بود، بر سر راه تشکیل جبهه دوم که لازمه مبارزه با فاشیسم بود، موانع جدی را بوجود آوردند. بنا بر این انحلال کمینترن، برای دستیابی به اتحاد عمل با متفقین، با توجه به تمام موانع ناشی از نبود آن، ضروری و غیر قابل اجتناب بنظر می‌رسید.

در تاریخ ۱۵ ماه مه ۱۹۴۳ هیئت اجراییه کمینترن طی اطلاعیه‌ای به کلیه احزاب وابسته پیشنهاد انحلال کمینترن را نمود. در این اطلاعیه از کلیه احزاب عضو خواسته شد که چون فراخوانی کنگره کمینترن در شرایط جنگ امکان پذیر نیست، نظر خود را در مورد طرح پیشنهادی انحلال کمینترن اعلام دارند. در این اطلاعیه آمده است: "مدتها قبل از جنگ این مسئله بی‌شک از پیش روشن میشد که با افزایش پیچیدگی در روابط داخلی و بین‌المللی کشورهای مختلف هر نوع مرکز بین‌المللی موجب بوجود آمدن موانع بر طرف نشدن در حل مشکلاتی که هر کشور با آن روبروست، خواهد شد. تفاوت‌های عمیق در راههای تاریخی پیشرفت توسعه اقتصادی و سیاسی شان و بلاخره تفاوت در میزان آگاهی و سازندگی کارگران، مشکلات متفاوت را برای طبقه کارگر هر کشور بوجود می‌آورد." (۶۷)

در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۴۳ با موافقت کلیه احزاب عضو کمینترن رسماً منحل اعلام شد. اگرچه انحلال کمینترن در شرایط آن زمان اجتناب ناپذیر بنظر می‌رسید، ولی نمیتوان منکر اثرات منفی ناشی از فقدان این مرکز بین‌المللی همبستگی پرولتاریا، بر فعالیت‌های احزاب کمونیستی کشورهای مختلف شد. کمینترن در زمان حیات خود نقش بس ارزنده‌ای در ارتقاء احزاب کمونیستی و مبارزه با انحرافات آنها ایفا نمود.

از همان نخستین سالهای پس از جنگ، ضرورت ایجاد یک مرکز بین‌المللی برای همبستگی پرولتاریای سراسر جهان کاملاً محسوس بود. با تشدید تعرض امپریالیسم آمریکا و اروپا و اعلام دکترین ترومن و طرح مارشال که خطر جدیدی را برای طبقه کارگر اروپا و دموکراسی‌های توده‌ای مطرح میکردند، در سال ۱۹۴۷ کنفرانسی غیررسمی از ۹ حزب کمونیست اروپای شرقی و اروپای غربی در لهستان تشکیل شد. در این کنفرانس ضمن تاسف از عدم همکاری بین احزاب کمونیست پس از انحلال کمینترن، دفتر اطلاعاتی کمونیست (کمینفرم) ایجاد شد. کمینفرم بیشتر به منظور برقراری تماس بین احزاب کمونیست تاسیس شده بود و هدف آن تشکیل مجامع انترناسیونال نبود. اگرچه کمینفرم در طول حیات خود نهادی انقلابی بود و رهنمودهای ارزنده‌ای به احزاب کمونیستی میداد، ولی هیچگاه نتوانست نقشی را که انترناسیونال سوم بعهدہ داشت، ایفا کند. با به قدرت رسیدن رویزیونیسم غروشیفی کار کمینفرم نیز به پایان رسید.

x x x

تا بحال تجربیات کمینترن را در رابطه با انقلاب در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، انقلاب در کشورهای تحت سلطه و تشکیل جبهه متحد ضد فاشیسم مورد بررسی قرار دادیم. در اینجا سعی میکنیم که بطور خلاصه این تجربیات را جمع‌بندی کنیم:

۱- در مقایسه با انترناسیونال اول و انترناسیونال دوم که آنها نیز بنحویه خود نقش مهمی در رشد جنبش طبقه کارگر ایفا نموده بودند، انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) بزرگترین تحول را در زندگی پرولتاریای جهان بوجود آورد و طی ۲۵ سال در بطن سخت‌ترین نیروهای طبقاتی پرولتاریا را رهبری نمود.

۲- مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، در درون کمینترن، بقیوس در سالهای اولیه فعالیت آن، نظرات مختلفی وجود داشت. نظرات ماورا چپ (زیینویف و رادک) و نظرات راست (بوخارین) در مورد مباحث مختلف خود را نشان میدادند. اگرچه پیش‌حاکم بر کمینترن انقلابی بوده و بر نظرات لنین استوار بود، با اینحال نظرات انحرافی موجود در کمینترن، در کوتاه مدت لطماتی را بر جنبش کارگری و جنبش ضد امپریالیستی بعضی از کشورها وارد آورد.

۳- در مورد کشورهای پیشرفته سرمایه داری اروپای غربی، نظرات چپ‌روانسه و

سکتاریستی درون کمینترن که شعارهای "پیش به سوی توده‌ها" و "جبهه متحد کارگری" لنینی را مورد سؤال قرار میداد، شکست جنبش کارگری اروپا را تسهیل نمودند. تجربه شکست فم انگیز جنبش کارگری آلمان در ۱۹۲۳ نشان داد که علاوه بر استراتژی صحیح، انعطاف در تاکتیک و ادغام تاکتیک‌های علنی و غیرعلنی مبارزه، از شرایط ضروری پیروزی پرولتاریا است.

۴- در مورد مسئله ملی و جنبش‌های رهاشی بخش، پیروزی انقلابات هندو چین، صحت نظری تزه‌های کمینترن را اثبات نمود. تزه‌های کمینترن در مورد جنبش‌های رهاشی بخش بر این اصل استوار بود که به خاطر عقب ماندگی جوامع تحت سلطه، عدم رشد نیروهای مولده، ضعف کمی و کیفی پرولتاریا، استقرار نوری دیکتاتوری پرولتاریا نمی‌تواند در دستور کار باشد. تنها راه رسیدن به دیکتاتوری پرولتاریا، استقرار انقلابی و دیکتاتوری دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان به رهبری طبقه کارگر به مثابه شکل انقلابی قدرت است. بر این اساس، در کشورهای تحت سلطه، همکاری با آن بخش از بورژوازی که واقعا در عمل ضد امپریالیست باشد، توصیه شد. بنابراین از لحاظ تئوریک هیچگونه اشکالی در تزه‌های کمینترن در مورد مسئله ملی وجود نداشت. منتها در پیاده کردن این تزه‌ها در مواردی (ایران، ترکیه، افغانستان) کمینترن، حزب کمونیست شوروی و احزاب وابسته به کمینترن، جریان‌اتی را که املا ملی و ضد امپریالیست نبودند، حمایت قرار دادند. این اشتباهاتی که در عمل حاصل شد (اگرچه بعد برطرف گردید) باعث ضربات جدی بر جنبش‌های آزادیبخش گردید.

۵- البته بغیر از نقش کمینترن، پیروزی‌ها و شکست‌های جنبش‌های رهاشی بخش به ویژگی‌های سیاسی رهبری آنها و شرایط سیاسی خود آن جنبش‌ها نیز بستگی داشت. برای مثال، رهبری احزاب کمونیست وپتنام و چین که در پیرویه مبارزه توده‌ای انقلابی آبدیده شده بودند، توانستند به نحو خلاقتری رهنمودهای کمینترن را با شرایط خاص کشور خود منطبق سازند و در تمحیح اشتباهات خود کوشیده و در پیروزی انقلاب نقش تعیین کننده‌ای ایفا نمایند. از طرف دیگر جریان‌اتی مثل حزب کمونیست هند و حزب توده که رهبران آنها عمدتاً روشنفکرانی بودند که از مبارزه عملی توده‌ها جدا بودند، هیچگاه نتوانستند به مثابه رهبران واقعی کارگران و زحمتکشان عمل کنند.

۶- تزه‌های کمینترن در مورد جبهه متحد فد فاشیسم نقش تعیین کننده‌ای در شکست

فاشیسم ایفا نمود. با بکار بردن اصولی این تزه‌ها، درست بعد از پایان جنگ جهانی دوم بسیاری از جنبش‌ها در اروپای شرقی و هندو چین به پیروزی رسیدند. اما در مورد کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری اروپای غربی، جبهه متحد فد فاشیسم اگرچه نقش مهمی در شکست فاشیسم ایفا نمود، با اینحال کاربرد این تزه در عمل با اشکالاتی نواام بود. در این کشورها، احزاب کمونیست به صف مستقل پرولتاریا که قسمت اعظم جمعیت را تشکیل میداد و در پیرویه جنبش فاشیستی می‌توانست رهبری توده‌ها را در دست گیرد، اهمیت لازم ندادند و پرولتاریا را برای تعمیق مبارزه طبقاتی بعد از پایان جنگ جهانی دوم آماده نساخندند. یکی از دلایل مهم بروز چنین انحرافی، انحلال اجتناب ناپذیر کمینترن در سال ۱۹۴۳ بود. با انحلال کمینترن احزاب کمونیست اروپای غربی که عمده‌ترین بخش کمینترن را تشکیل میدادند، از رهنمودها و رهبری نظری کمینترن محروم شدند.

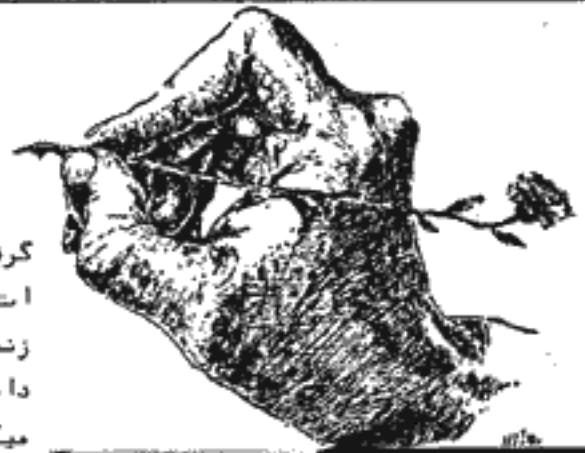
۷- بطور کلی میتوان گفت که کمینترن در طول حیات خود به مثابه یک مرکز انقلابی بین‌المللی برای پیشبرد اهداف جهانی پرولتاریا عمل نمود. در این مدت کمینترن برای پیشبرد انقلاب همواره بر پرولتاریا و زحمتکشان تکیه نموده، به خاطر مجهز بودن کمینترن به سلاح مارکسیسم-لنینیسم، کمینترن توانست اشتباهات تاکتیکی خود را اصلاح کند. برخلاف انترناسیونال دوم و رابینسونیسم خروشچفی، کمینترن هیچگاه نظرات انحرافی را تئوریزه و فرموله ننمود. خدمات و دستاوردهای کلی انترناسیونال کمونیستی عبارتند از: کمک به تدوین تئوری انقلابی مارکسیست-لنینیستی در کشورهای مختلف، تعیین استراتژی و مراحل مختلف رشد انقلاب در کشورهای تحت سلطه و در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، آموزش کمونیست‌های کشورهای مختلف به کاربرد صحیح تاکتیک‌های مختلف و ادغام تاکتیک‌های علنی و غیرعلنی، مبارزه بی‌امسان با اپورتونیسم راست، تروتسکیسم، سکتاریسم، تروریسم و آنارشیسم و پروراندن روحیه انقلابی و همبستگی انترناسیونالیستی در میان احزاب کمونیستی و پرولتاریای کشورهای مختلف.

۸- اگرچه در گذر دو دهه کمینترن بر تحلیل مشخص از شرایط مشخص هر کشور تاکید بسیار شد و از هیئت اجرائیه کمینترن خواسته شد که از صدور قطعنامه‌هایی که اجرای آن توسط همه احزاب وابسته به خاطر تفاوت در ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورشان، امکان پذیر نباشد، خودداری کند، اگرچه دیمتروف در گذر دهه

کمینترن از کمونیست‌ها خواست که از تدوین هرگونه برنامه "کاملاً از قبل تعیین شده" پرهیز کنند و در اجرای هرگونه برنامه‌ای، شرایط خاص کشور خود را به حساب آورند. با اینحال در عمل بسیاری از احزاب کمونیست به دنبال روی از قطعنامه‌ها و احکام کمینترن پرداختند و شرایط خود ویژه کشور خود را به حساب نیاوردند. بهر حال بخاطر پیچیدگی شرایط کشورهای مختلف، کمینترن می‌بایست تحلیل مشخص از شرایط مشخص هر کشور را به احزاب کمونیست آن کشورها واگذار میکرد و به ارشده رهنمودهای تئوریک، سیاسی و تشکیلاتی کلی می‌پرداخت.

۹- اگرچه کمینترن در سال ۱۹۴۳ مانند انترناسیونال اول، به دلایلی اجتناب ناپذیر منحل شد، ولی فقدان آن به مثابه یک مرکز بین‌المللی برای همبستگی و هدایت جنبش جهانی پرولتاریا، بخصوص در شرایط اولین سالهای پس از جنگ جهانی دوم، کاملاً محسوس بود. با غلبه رویزیونیسم خروشچفی بر حزب کمونیست شوروی و فرمولبندی تزه‌های انحرافی گذار مسالمت‌آمیز، همزیستی مسالمت‌آمیز، رقابت اقتصادی با امپریالیسم و راه رشد غیرسرمایه‌داری به مثابه استراتژی جنبش جهانی کمونیستی و همچنین وجود انحرافات رویزیونیستی در احزاب کمونیستی کشورهای سوسیالیستی، امروز هیچگونه چشم‌انداز عملی برای تاسیس مجدد انترناسیونال وجود ندارد. همانگونه که انترناسیونال سوم بر پایه تئوری انقلابی مارکسیستی-لنینیستی که توانست پرولتاریای کشورهای مختلف را متحد کند، بوجود آمد، امروز نیز تاسیس مجدد انترناسیونال بدون پیدایش یک تئوری انقلابی که بتواند انقلابی ترین جریان‌ات کمونیستی جهان را متحد کند، امکان پذیر نیست. طبیعی است که تدوین چنین تئوری انقلابی نه در محفل‌های آکادمیکی، بلکه در پیرویه مبارزه انقلابی میسر است. چنین مبارزه‌ای امروز در کشورهای امپریالیستی و کشورهایی که در حال ساختمان سوسیالیسم هستند در تدرین تئوری انقلابی برای احیاء مجدد انترناسیونال دارای نقش اساسی هستند. همچنین سازمان‌های کمونیستی خط ۲ جهان، یعنی سازمان‌هایی که مبارزه انقلابی را در کشورهای مختلف پیشه خود ساخته و با رویزیونیسم خروشچفی و سایر انواع رویزیونیسم و دکماتیسم و تئوری غیرمارکسیستی سوسیال امپریالیسم به مبارزه برخاسته‌اند، بعنوان نمایندگان پرولتاریای جهانی، وظیفه اصلی تدوین تئوری انقلابی را برعهده دارند.

☆☆☆



نامه‌ای از ایران

گرفته‌ای که بدانشگاه بروی، رشته موردعلاقه-
ات را ادامه بدهی و بهر حال برای خودت و-
زندگیت برنامهریزی کرده‌ای! خوب، نمیشود،
دانشگاه جای تو و امتثال تونمیست بسیار خوب
میگویی کار میکنم تا هم کمک خرجی بخانواده
که ناظرتلاشی بیپوده پدر و مادر برای اداره
بسیار معمولی هستی بشود و هم بفلسول
معروف سرگرم شوی! اما کو کار؟ اگر بخواهی
در سازمانهای دولتی استخدام شوی که باید
از هفت خوان رستم، "تحقیقات محلی، درباره"
خودت و افراد خانوادهااته محل کار اولیاست
امتحانهای گوناگون آیدتولوزی، ولایت فقیه
هفت کتاب مطهری، مخصوصا کتاب حجاب سابقه
ات در مدرسه، در خیابان، در کوچه، چیه
میپوشیدی؟ چه مینمودی؟ در روز چندبارت نفس
میکشی؟ (که عدالتیه اطرافبانته نیز بسسه
همچنین) و غیره و غیره، بگذری و تازه اگر
تمام این مراحل را گذراندی باید پرسک-
ریشوی کتابتی که معمولا مراحل آخر امضا را
راجع به هر مطلبی در دست اوست از تو خوشش
بیاید و تازه آنوقت میشود دانشجو با اعمال
شایسته پاکارمند موقتاً ولی چه دوره یکساله
را بگذرانی اگر توانستی در چنین حال کسه
ادعای مسلمان بودن میکنی، یک تار مو نیست
پیدانمیست جوراب گلگفته شلوار، مانتو، -
مقنعه، و همه اینها را رعایت کرده‌ای ضمناً
دل همان ریشوهای آشغال عقده‌ای راهم بدست
بیآوری که بعد از یکسال نه تنها کاره‌ای
خواهی شد، بلکه سمت رسمی کارمند دولت
راهم پیدا خواهی کرد!!



سلام و... حال و احوال؟؟؟ ۶۲/۶/۲۱

بیمارستان بودم، حدود دو هفته قبل، که نرسین
نامه‌ات را آورد، نه، اشتباه نکن خودم مریض
نیوادم، بلکه زهره بستری بود، علت؟ ظاهراً
مسمومیت غذایی اما بعد از سه بار آزمایش خون
وقتی که از دکتر پرسیدم، دکتر با لافره علت
را تشخیص دادید؟ بالیقندی اجباری در سکوت
هیچ جوابی نداد! خودم میدانستم کسه
مسمومیت غذایی نیست، دیگر امروز هر کسی
توی این قفا نفس بکشد بسادگی خواهد فهمید
که این نوع مرض‌های پیش‌پا افتاده و قدیمی
گرمی‌انگیر این جماعت نخواهد شد، و اگر
هم بشود آنقدر در مقابل مرض‌های عمده‌تر
مثل انواع سکتها، هیستریها و یا انواع این
نوع بیماریها عادیست که در واقع اصلاً
بحساب نمیآید.

بدنیست بدانی زهره برای چی شبانه روز زیر
سرم و در بیمارستان بستری بود.

دخترک دیپلم گرفته، تا درس تمام کرده، بسا
هزار آرزو، منجمله آرزوی دانشگاه رفتن، -
یکروز صبح از خواب بیدار شد، بدون هیچ علتی
تا ساعت چهار بعد از ظهر که بالاخره اورا بسسه
بیمارستان رساندم شش هفت بار ریش کرد، بدنش
خشک شد، دست و پایش کج و معوج شد، در اثر
ضربات سیلیها، مالشها، ماساژها و سایر
برنامه‌هایی این چنینی بهوش میآمد، و قایقی
بعد دیگر بار... حال بنظر تو این مسمومیت
غذاگیت مسلمانو و هر کسی که این ماجرا را
میشنود صد در صد خواهد گفت نه! و خود من که ناظر
تمام بر خوردنها، فشارها، ناراحتیها، مسمومیت
ها، بی‌برنامه‌گیها، التهابها و... هستم -
کاملاً تاکید میکنم که نه!

دختر جوانی هستی، دیپلمت را گرفته‌ای، تصمیم

بعلنی اورا توقیف کرده باشند؟ نکند قربانی
مأمورانی که در انواع و اقسام و مدل‌های
گوناگون ماشینها در خیابانها پلاستد شده باشند
بهر حال برای اینکه "مأموریتی" انجام
دهند و کسی دم دستشان نبوده، اورا بازداشت
کرده‌اند؟ حال فرق نمیکند این فرد از خانواده
ات به پدرت مادرته خواهرت باشد، برای همه
جریان یکسان است که عدالتیه برای مادر و
خواهرت خطرات بیشتر دیگری نیز در کمین
است تمام این نگرانیها بر جسم و روح و آدم
فشار می‌آورد، بیکاری، بی‌برنامه‌گی، نگرانی،
دلهره، همه دست بدست هم میدهند، شبها
وقتیکه چشمه‌ها را برهم میگذاری صحنه‌ای را از
دستگیری زنی در خیابان بخاطر بیرون بودن -
چندتار موی ناغابل، یا دستگیری و کتک زدن
مردی که ماشینش را دیر از سر راه "از ما بهتران"
کنار کشیده، یا دستگیریها و توهینهای بیجای
دیگر که خود دیده‌ای یا شنیده‌ای مثل پرده
سینما از جلو چشمانت رزه میرود، بیخواب
میشوی، هر چی به چشمه‌ایت فشار می‌آورد
خواب بیشتر از تو فرار میکند، عاقبت سردرد -
میگیری بلند میشوی قرص مسکن میخوری، اثر
نمیکند، بیخوابی همه سایر برنامه‌های
که بود اضافه میشود و آنوقت تو در فشار
مطلق، بی جهت و بی علت یکروز از صبح تا
بعد از ظهر چندین بار ریش میکنی، از حال بیرونی
که هر بار خانواده ات ترامرده میبخندارند،

آنوقت دکتر میگوید مسمومیت غذاگیت!! یا
پس از سه بار آزمایش خون که میخواهد علت
"عفونت خون" را با مطلق مشخص کند در پاسخ
این سؤال که بالاخره دکتر مرکز عفونتی
کجا بود؟ فقط لبخند میزند و سرش را پائین
میاندارد و از در بیرون میرود.

بارها گفته‌ام که کلمات قادر به بیان آنچه
که از مغز ما میگذرد نیستند و واقعیت
اینست که نمیتوان تنها با کلمه آنچه را که
احساس میشود بیان کرد، ولی چه میشود کرد؟
ما زورمان را میزنیم، شاید خواننده با قرار
دادن خود در فضایی که شرح گذشت یک صدم
احساسی را که ما داریم بتواند در خود بوجود
آورد.

بدنیست کمی هم راجع به "گشت‌های" مختلف
مفصل تر شرح دهم.

با وضع بد اقتصادی مملکت با محرومیت‌های
گوناگون، اعم از کمبود مواد اولیه و روزمره
غذایی، پوشاک‌های بسیار معمولی و اولیه، و
مهمتر از همه کمبود پول برای تهیه این
کمبودها نزدیک به شش ماه قبل (حالا اگر زمانش
کمی بیشتر است دقیقاً مشخص نیست) یک سری
"تویوتا"ی رنگ ارثی استیشن سفارشی ایران
بژاپن ناگهان بخیا بانها ریخت روی آنها
آرم سپاه پاسداران، سر نشینانش ۴ نفر ریشوی

جوان که معمولا راننده کمی مسن تر است -
ملبس به لباسهای سبز، ملج به کلاشینکف
ابتدا اعلام شد که اینها مرقا برای دستگیری
فدائقلاب درخیا بانها گشت میدهند، آنقدر
وقایع غیرمترقبه توی این خرابشده عادی -
شده که مردم فقط از دیدن این ماشینها آب
ازلب ولوچه شان آویزان میشود و سرنشینان
آن که فکر میکردند آنها هستند که مورد توجه
قرار گرفته اند بادی به غیب میانداختند
وسر اسلحه هایشانرا بالاتر میگرداند که -
یعنی بله، این ما شیم !! ولی بعد از مدتی
متوجه شدند که مردم برای آنها تره هم خرد
نمیکنند بلکه این، ماشین هست که نگاه
تحسین برانگیز عابرین را بدنیال خود دارد
پشم و پیللی شان ریخت و آنوقت شروع کردند به
اذیت و آزار، بی جهت جلو ما برین را میگردند
بدیوار می چسباندند، همانجا درخیا بانان
و درانظار عمومی با زرسی بدنی میکردند،
محتویات کیف یا ساکش را خالی میکردند، یا
اگر سرنشین و یا راننده ماشین بود، جلو
ماشین میپیچیدند و بعد از پیاده کردن او یا
همه سرنشینان درست همان رفتار را میکردند.
این اعمال برای مدتی کوتاه رعب و وحشت
در دل مردم انداخت، چرا که بارها ناظر
توقیف بی جهت افراد مختلف در سنین مختلف
اعم از زن و مرد و کودک و جوان و پیر بودند
روی این اصل تا چشمتان به "نارالله"
میافتاد سعی میکردند یکجوری خودشان را
از دید او پنهان کنند تا زمانیکه کسورش
را کم میکرد ورد میشدو میرفته این
"سرگرمی" برای "نارالله" زیاد ادامه
نیافته چرا که دیگر بحمداله فدائقلابی
باقی نمانده بود، آنها که از دید اینان
فدائقلاب نامیده میشدند، یا در مقابل
جوخه های اعدام جان به جان آفرین تسلیم
کرده بودند و یا درکنج زندانها با فلاکت
در انتظار تصمیم آخر جناب لاجوردی برای
ایستادن جلو جوخه اعدام! بنا بر این اینهمه
هزینه و خرج و تشکیلات باید مورد استفاده
ای میداشت. این بار ترعه فال بنام دست
فروشها افتاد، هر جا دست فروش مادر مرده ای
بود با ته تفنگ و ضرب و شتم و ادا میشد که
بساطش را جمع کند، اینکار هم زیاد نیاشد
چرا که بحمداله شرابین اجانب هم کم شد
خوب حالا ثاراله مانده بود و ماشینهای آخرین
مدل تویوتا، چهار نفر سرنشین بیگار و بیچار
که اکثرا از بیگاری در حال خمیازه کشیدن -
بودند، بالاخره آنها هم جوان بودند، دل -
داشتند از صبح تا عصر در این قفس های آهنین
کولردار آخرین سیستم زندانی بودند به
تنوع احتیاج داشتند آنها! پیدا شد! چه تنوعی

بهتر از چشم چرانی برادرانی که وقتی بنو
میرسیدند (مثلا) حتی سرشان را بلند نمیکردند
که پشت نگاه کنند، ما موریت یافتند که زنانی
را که حجاب اسلامی را رعایت نمیکنند جهت
تضییع به کمیته جلب نمایند، کور از غذا
چه میخواهد؟ دو چشم بینا الحق که این
ضرب المثل در مورد اینها کاملا صدق میکند
همان پلکهای بی که بظاهرها عیالت حساب
چشم میشد تا به نامحرم نظربند نیافتند
تا گه آن گشاده، گشاده، آنقدر که پهنه
دیدش و حساسیت دیدش با آنجا رسید که با یک
نگاه میتوانست بگوید چو راب تو نازک است
چندتار مویت بیرون است و لبها بر لبخیش
لباده ای که پوشیده ای چقدر از جداسان دارد
تنگ تر است پاشنه گفت چند میلی متر از -
آنچه که باید باشد بلند تر است آیا تسه
توالتی داری؟ آیا ایروانت بیش از حد نازک
است و یا چشمانت را مداد کشیده ای؟ و روزی
تا مرئی بر لبانت استگو... تا گه آن ماشین
میایستد، دوتفر ملج جلو روی تو که بی -
خیال داری از پیاده رو راحت را میروی سد
میکند و یا ایما و اشاره بنو میفهمانند
که سوار ماشین شوی، آنچنان این عمل سریع
و بقول بچه ها آرتیستی انجام میکرد که -
معالی تفکرنداری، یکوقت خود را درون ماشین
بین برادرهای بنیسی، در حالیکه رنگ پریده
بالسهای لرزان میخواهی بشوای سوال کنی چرا؟
اما عدا از گلوئی خشک شده است بیرون نمیآید
مات نگاهشان میکنی، کیفیت را واژگون میکنند
تمام زوایایش را میگردند، چیزهای کاملا -
عمومی را از آن بیرون میاورند و با دستهای
آلوده شان دستمالی میکنند، و بعد در حالیکه
مدتهاست ماشین راه افتاده، ترامپرتند.
یکجا؟ معلوم نیست اگر ما موران خوبی باشند
و شب قبل خود را توسط دخترانی که با اعدام
محکوم شده اند ارغاء کرده باشند (البته
برای ثواب و برای اینکه اعدام دختر باکره
گناه است) و هر کسی اقدام به هنک بگارت از
آنها بکند شامل ثواب اخروی میشود، البته
با صیغه ای شرعی) که ترابه کمیته میبرند
تحويل برادران دیگر میدهند، و اگر غیر از
آنچه که گفتم باشند ترا با آنجا میبرند که
مربنی انداخته است و پس از مدتی لاشه نیمه
جانت پشت در منزل پیدا میشود در حالیکه دیگر
برای تو "چیزی" باقی نمانده! و مرگ را -
بزندگی این چنین ترجیح میدهی، بعنصوان
نمونه بد نیست ذکر خبری هم از زنی که
عینا این بلا شامل حالش شد (که فقط نمونه
است و امثال آن بسیار) بکنم. چندی پیش صبح
که مردخانه بیرون میآید که بسرگارش -
برود در حالیکه نا امید از یافتن زنتش که
چند ناهی است مفقود الاثر شده در کوچه را -
باز میکند زن را نیمه جان پشت در پیدا میکند

کشان کشان او را بداخل خانه میآورد، بچه
ها با مان گویان دور جمع میشوند اما او -
خواهش میکند که با و دست نزنند، میگوید
من کثیف هستم بگذارید به حمام بروم و -
بعد شما را در آغوش خواهم گرفت، چند -
دقیقه ای خود را در اطقی محبوس میکند و -
سپس بحمام میرود، چون زمان استحمام طولانی
میشود شوهر برای اطلاع از چگونگی حالش سری
بحمام میزند می بیند که زن غرقه در غسون
خود که از رگ دستش که بوسیله تیغ بریده
است حان سیرده، در جستجوی اطاق نامه ای -
میآید که زن در همان مدت کوتاه پس از -
مراجعت بخانه نوشته "من کثیف هستم، من
توسط ثاراله دستگیر شدم، در عرض این مدت -
جائی بودم که نمیدانم کجا بود، چرا که چشم
بسته مرا با آنجا بردند، ه بار مورد تجاوز
قرار گرفته ام و اکنون اگره دارم از اینکه
به بچه هایم دست بزنم، تنها راه چاره را
همین دانستم و در آخر نامه از شوهر بچه -
هایش طلب بخشش میکند که در حقیقت او که
بیگناه بوده است.
نزدیک به یکماه است که تعدادی نیمان
سفید درخیا بانها رزه میروند. اینها نیز یک
سری و سفارشی و با آرم سیاه پاسداران است
اما درون آنها دو "خواهر" و دو "برادر" -
نشسته، برادرها که مسلما از همان سری قبلی
هستند، چون زعمای قوم تشخیص دادند که
جلب خانمهای بی حجاب (منظور کسانیکه روسری
و مانتو شلووار نشان است) توسط برادران از
نظر شرعی صحیح نیست لذا خواهران را در -
این امر دخالت دادند که از شریعت این
عمل پسنیدیده چیزی کم نشود! خواهران نیز
که خود از پرقده ترین افرادند و بسیار خوب
توانسته اند دوره خورد کردن شخصیت افراد
را بگذرانند، باز ننده ترین وضع زنهای
بیچاره را مورد تجاوز قرار میدهد و چون
زن هستند دیگر مسئله محرم و نامحرم هم -
مطرح نیست و مختارند که هر عملی بزنند و
دخترها انجام بدهند. راستی اسم اینها
گشتیها زهرا است صرف نظر از اینها شرح
بزنها، بیوکها، کادیلکها و ماشینهای رنگ
وارنگ دیگر را که قبلا داده ام. یک سری
هم اخیرا بنام موتور سوارهای ترور پیست
ملج به کلت و اسلحه ای سیک کرم و سرد دیگر
بدون هیچ بهانه و مذری خیلی راحت به جلب
اشخاص مختلف میگردانند.
و اینجاست که راوی میگوید، تو میتوانی از -
خانه بیرون بیایی، بادلپره، اما زمانیکه
میخواستی از در خارج شوی آنچنان خدا حافظی
کن که دیگر بازگشتی نیست چرا که احتمال
ایجاد این واقعه هر آن میروند و آیا در چنین
وضعیتی نباید بظاظر ظاهرا مسمومیت غذایی
5 روز در بیمارستان بستری بود؟

یونایتد پرس گزارش داد که مقامات هندوراس در سفر هنری کیمینجر به آن کشور به او گفته‌اند که خواهان تشکیل پیمان دفاعی مشترک با آمریکا جهت مقابله با نیکاراگوئه هستند. بر طبق این گزارش آمریکا پایگاه‌های هوایی و دریایی در هندوراس را افزایش داده و سربازانش مستقما در مانور مشترک دو کشور شرکت خواهند کرد. در حال حاضر بیش از ۲۵۰۰ نفر از نیروهای نظامی آمریکا جهت انجام مانور نظامی مشترک که قرار است در ماه مارس آینده انجام بگیرد در هندوراس مستقر می‌شوند. دولت انقلابی نیکاراگوئه اخیرا و منحصا بعد از تجاوز نظامی آمریکا در گرانادا هشدار داده است که آمریکا جهت مداخله مستقیم در آمریکای مرکزی تلاش میکند و قصد دارد یک جنگ همه جانبه را به نیکاراگوئه تحمیل نماید و بدین منظور سنای آمریکا لایحه ۱۹ میلیون دلار کمک به ضد انقلابیون نیکاراگوئه را تصویب کرده است.

نیکاراگوئه

نیروهای صهیونیست در منطقه

در اجلاس دادگاه ضد امپریالیستی مردم آمریکای لاتین" متشکل از کشورهای مرفقی منطقه و دریای کارائیب که در ماناگوا، پایتخت نیکاراگوئه تشکیل شد، "خوان بوئن" رئیس جمهور سابق جمهوری دومینیکن خواستار تشکیل یک تیپ بین المللی از مبارزین کشورهای آمریکای لاتین جهت مقابله با ضد انقلابیون طرفدار سوموزا شد. وی این تیپ را شبیه گردان "سیمون بولیوار" که از مردم کلیه کشورهای آمریکای لاتین تشکیل شده بود دانسته و گفت در صورت تشکیل این گردان اولین عضو آن خواهد بود. "خوان بوئن" که ۷۴ سال دارد از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵ مقام ریاست جمهوری دومینیکن را به عهده داشت که توسط یک کودتای آمریکایی برکنار شد. در همین اجلاس نماینده جنبه آزادی بخش فارابوندو مارتی اظهار داشت که اسرائیل هم اکنون تعداد ۳۰۰ نفر مستشار نظامی در گواتمالا و آمریکا و نیز ۳۰۰ کارشناس نظامی در السالوادور مستقر کرده است وی گفت که صهیونیستها هر روز حضورشان در منطقه آمریکای لاتین بیشتر نمایان میشود.

شیلی

در یک اعتراض دسته جمعی، بیش از ۱۵۰۰ نفر از معدنیان شهر "رانکاگواسه" در شیلی همراه با خانواده‌های خود خواستار



مستشاران نظامی آمریکا در هندوراس در حال آموزش مزدوران ضد نیکاراگوئه

در مورد اعتصاب عمومی کارگران و کارمندان در بلژیک

دولت بلژیک یک دولت دست راستی مرکب از لیبرالها و دمکرات مسیحی هاست که تقریبا ۲ سال است که به شکل یک نوع نیروی ویژه (مطابق قانون اساسی این نوع حکومت ویژه تنها در زمان جنگ و زمان بحرانی اعلام میشود) حکومت میکند. این شکل قدرت به دولت اجازه میدهد تمام یا هر نوع لایحه‌ای را بدون فرستادن به پارلمان تصویب نماید و همین امر موجب گردید که در این دو سال دولت یک سری قوانین ارتجاعي را بنفع سرمایه داران به تصویب برساند که در نتیجه درگیری های پراکنده ای را در بین سندیکا های کارگری و دولت موجب میشود در سال گذشته درگیری های سختی بین کارگران ذوب آهن و دولت در رابطه با اخراج تعداد زیادی از کارگران بوجود آمد که مثل همیشه با زدوبند رهبران سندیکاها که وابسته به احزاب و دستگاهات رفرمیست و محافظه کار و در نهایت سوسیال دمکرات هستند، با دولت پایان گرفت. امسال برخلاف گذشته که یکی دو روزی اعتصاب همراه با تظاهرات و سروصدا همراه بود، به یکباره با دست از کار کشیدن کارگران راه آهن یکی از شهرهای مرکزی، تمام بخشهای عمومی و دولتی دست به اعتصاب زدند که به مدت ۱۵ روز طول کشید و چون بخشهای خصوصی به علت وابستگی به بخشهای عمومی (مثل حمل و نقل مواد اولیه از طریق راه آهن) هم بعد از مدتی از کار افتادند و روی همین اصل ضربه بزرگی برای دولت بود. سه سندیکایی که به اعتصاب پیوستند عبارت بودند از سندیکای سوسیالیست، سندیکای مسیحی، سندیکای

بازگشت بکار ۵۵۰ کارگر اخراجی معادن مس شدند. این اجتماع با هجوم وحشیانه گارد های پینوشه دیکتاتور این کشور مواجه گشت که با گاز اشک آور، باتون و ماشین های آبپاش به اجتماع مزبور یورش برده و تعداد زیادی را دستگیر نمود. رهبر کارگران معادن مس، رودولفو سیکوتل، دولت نظامی پینوشه را مسئول اوضاع وخیم اقتصادی شیلی خوانده و خواهان سرنگونی آن و بازگشت قسری دمکراسی به کشور شد.

ترکیه

دولت ترکیه بعد از مدتها برررسی بالاخره تصمیم گرفت ۱۶۰ فروند هواپیمای جنگی F-16 از محصولات کمپانی آمریکایی جنرال دینامیکز را جهت مدرن کردن ارتش خود از آمریکا خریداری کند. زندانیان کرد در زندانهای ترکیه دست به اعتصاب غذا زدند. حدود ۱۰۰ زندانی زندان نظامی دیار بکر در کردستان ترکیه از روز ۲ سپتامبر در اعتصاب غذا بسر میبرند. لوموند گزارش داد، طبق گفته نزدیکان زندانیان در آنکارا، زندانیان سیاسی قصد دارند اعتصاب غذایشان را تا سرحد مرگ ادامه دهند. این اعتصاب جهت اعتراض به وضعیت غیرانسانی دستگیریه و اعمال شکنجه در زندانها صورت گرفته است. زندان سیاسی دیار بکر که اکثرا کردها در آن هستند، یکی از ناهنجارترین زندانهای نظامی ترکیه است. در یک نمایش انتخاباتی و رای گیری "آزاد" که نمایندگان سه حزب "قانونی" که از طرف دولت نظامی برسمیت شناخته شده‌اند به عنوان کاندیدا معرفی شده بودند، اوزال نماینده حزب "ماد وطن" با باصطلاح ۲۵٪ آراء برنده شد.

لیبرال . سندیکای لیبرال بعثت وابستگی به لیبرال ها و دولت ، خیل سی رود دست از اعتصاب کشید و سندیکای مسیحی هم کم و بیش کنار آمد و فقط سندیکای سوسیالیست مقداری فشار می آورد که آنها هم در نهایت کنار آمد . خواستهای سندیکاها در رابطه با گرفتن حقوق کارگران و کارمندان در اول ماه و همچنین اعتراض به کم کردن بعضی از مزایای سالانه بود . در رابطه با وجود جریان های سیاسی در بلژیک باید گفت که تقریباً راستها قدرت تمام را در دست دارند . حزب دمکرات مسیحی و لیبرالها اکثریت آراء را دارا میباشند . مواضع "حزب سوسیالیست" حتی از مواضع حزب سوسیالیست فرانسه راست تر است و نفوذ زیادی ندارد . حزب کمونیست [حزب برادر] هم که تقریباً یک حزب مرده است ، جریان های مائوئیستی و تروتسکیستی هم بیشتر در حد حرکات روشنفکری عمل میکنند . از جریان های مترقی و ضد امپریالیست شاخه های از حزب کمونیست است که سالها پیش از حزب جدا شده و علیه رویزیونیسم حاکم بر حزب و دیگر احزاب برادر موضع گیری کرده و در طیف خط ۲ قرار دارند و با ما هم رابطه دارند و نظر مساعدی نسبت به دیدگاه و برنامه سلفها دارند . در رابطه با روابط ایران و بلژیک هم باید گفت که اتحاد منطقه ای (بین بلژیک ، هلند ، لوگزامبورگ) که به (نپلوکس) معروف است ، روابط بسیار خوبی با جمهوری اسلامی دارند و در همین رابطه سال گذشته رژیم برای گسترش روابط خود با بلژیک کاردار سابق را فرا خواند و به جایش سفیر فرستاد که فردی به اسم هویداست که از کارمندان سابق وزارت امور خارجه رژیم شاه میباشد و به علت موقعیت بلژیک در مورد قاچاق اسلحه از بنادر آن ، به تحقیق روشن شده که چندین تن از تاجران فرش ایرانی که اسامی همه آنها در اختیار ماست با همدستی سفیر اقدام به خرید اسلحه برای رژیم میکنند . در حال حاضر رژیم در سه مورد ، اسلحه سبک ، مواد دارویی ، مواد غذایی با این سه کشور بخصوص بلژیک رابطه دارد که به میلیاردها فرانک بلژیک در ماه میرسد .

فیلیپین

اعتصاب کارگران ، معلمین و کارمندان دولت
 سازمان نهفت اول ماه مه که یک سازمان کارگری مخالف حکومت فیلیپین میباشد ، در نظر دارد دست به یک رشته تظاهرات گسترده و حمایت از افزایش دستمزد از جانب بیش از پانصد هزار کارگر کارخانجات



این کشور بزند . این سازمان خواستار حداقل ۵۵٪ افزایش دستمزد روزانه شده و اعلام کرده است که پائین آمدن اخیر ارزش واحد پول کشور ، قیمتها را ۴۰ درصد افزایش داده است . این سازمان حدود پانصد هزار عضو دارد که بیش از سیمد هزار نفر آنها در ۱۴۰ کارخانه منطقه مانیل بکار مشغولند . رژیم دیکتاتوری و دست نشانده مارکوس بارها رهبران این سازمان را به زندان افکنده است .

بدنبال حرکت های جدید سازمان نهفت اول ماه مه ، ۲۵ هزار تن از کارخانجات فیلیپین در منطقه "پاتانی" غرب مانیل دست به اعتصاب عمومی زده و ۲۸ کمپانی چند ملیتی و صادراتی این منطقه را به حالت فلج درآوردند . رژیم مارکوس نیروهای سرکوبگر خود را به این منطقه گسیل داشته است . اعتصاب کارگران بدنبال اعتصاب ۱۱ هزار معلم مدارس دولتی و پیش از ۲۰ هزار تن از کارمندان دولت در این منطقه صورت گرفته است .

فیلیپین

- غرق در بحران اقتصادی

بدنبال موج اعتراضات گروه های مختلف مردم در فیلیپین بر علیه رژیم دیکتاتوری نظامی مارکوس ، بانکهای این کشور طی آمارهای اعلام کردند که ۶۰۰ میلیون دلار پول از کشور خارج شده است . در همین مدت ، دولت فیلیپین در موازنه پرداختهای خود ۱/۵ میلیارد دلار کسری داشته است که جمعا در سال ۱۹۸۲ به ۲/۱ میلیارد دلار میرسد . "ویراتا" نخست وزیر فیلیپین و رئیس بانک مرکزی این کشور "جیمز لایا" بنازگی سفیری به آمریکا کرده اند و با مذاکراتی که انجام داده اند موفق شدند پرداخت سدهی فیلیپین را که هم اکنون به ۲۰ میلیارد دلار رسیده است سه ماه به عقب بیاندازد . مقامات دولت فیلیپین گفته اند که برای سرو سامان

دادن به اقتصاد بیمارگونه کشور حداقل به ۲ میلیارد دلار نیاز دارند . صندوق بین المللی پول ، بانک جهانی ، بانک صادرات و واردات آمریکا و سایر موسسات بین المللی حاضر شده اند نیمی از این مبلغ را تامین نمایند ولی نیم دیگر را میبایست بانکهای تجاری تهیه کنند که قرض کردن یک چنین رقم درشتی مقامات بانکی را بوحشت انداخته است زیرا بازار هر وام بزرگی که فیلیپین دریافت کند ، یک حلقه دیگر به زنجیر بحران این کشور افزوده میشود . صندوق بین المللی پول از دیکتاتور این کشور ، مارکوس خواسته است که از مخارج مملکتی بکاهد .

از طرف دیگر رشد نارمیشی در بین کارگران این کشور در حال افزایش است . در هفته های گذشته چهار هزار کارگر تلفن و ۱۲ هزار معلم با درخواست دستمزد بیشتر دست به اعتصاب زدند و از طرفی کنگره اتحادیه های کارگری فیلیپین نیز تهدید کرده است که اگر به درخواست اضافه حقوق بمبلغ ۶۰ سنت در روز جهت ۲ میلیون کارگر ترتیب اثر داده نشود ، دست به اقدامات وسیعی خواهد زد . مارکوس دیکتاتور و وحشت زده از مبارزات کارگران و خواست آنها عقب نشینی کرده و جهت باصطلاح خاموش کردن آتش افروخته شده دستور داد ۷ دلار به حقوق ماهیانه کارگران دولتی افزوده گردد . ولی کلیه این تاکتیکها دیگر اثری ندارد و کلیه کارشناسان اوضاع وخیم تری را برای رژیم مارکوس پیش بینی کرده اند . بطوریکه یکی از مقامات بالای دولتی گفته است ، ارتش خود را برای مقابله و سرکوب جنبش های کارگری آماده می نماید و برانامه ای را در دست تهیه دارد که دست بیک سری "بازداشت های تاکتیکی" بزند . ولی آنچه مسلم است این تاکتیکها نیز کاری از پیش نخواهد برد و مردم فیلیپین مصممند که رژیم جنایتکار مارکوس را ساقط نمایند .

پاکستان

اعتراضات عمومی نسبت به رژیم دیکتاتور نظامی پاکستان هر روز ابعاد گسترده تری بخود میگیرد . ضیاء الحق ، دیکتاتور پاکستان که برای دیکتاتوری از شهرهای اقبال سند به آنجا سفر کرده بود ، با موج تظاهرات و اعتصابات متعدد در شهرهای مختلف مواجه شد . در یکی از شهرها مردم مد الاغ را که شعارهای ضد رژیم روی بدن آنها نوشته شده بود به خیابانها روانه کردند .

پاکستان: رژیم ضیاء الحق یکی دیگر از نوکران آمریکا بخطر افتاد

برای آمریکا که کمکهای بیشتری را به رژیم ضیاء الحق بنماید، ولی با وجود کمکهای شایان توجه آمریکا، حکومت نظامی در اسلام-آباد (مرکز پاکستان) همچنان در حالت بی ثباتی بسر میبرد. عامل مهم این بی ثباتی در حقیقت بستگی به زیر ساخت نظامی بعنوان برجسته ترین نیروی اجتماعی در پاکستان بر میگردد. بر خلاف دستگاه نظامی پیشتر کشورهای سرمایه داری، ارتش پاکستان مقدم بر بورژوازی کنونی پاکستان بوجود آمد. ارتشی که توسط استعمار انگلیس قبل از رشد طبقه سرمایه دار در این کشور شکل گرفت. دستگاه ارتش تنها نمایندگی منافع بخشهای مختلف بورژوازی پاکستان و حامیان خارجی آنرا نمیکند، بلکه همچنین قدرت و هویت سیاسی جداگانه ای را در دولت پاکستان حفظ میکند. حتی عناصری از طبقات ثروتمند جامعه که منافعتشان در حاکمیت ظاهرا رعایت میشود با منطق درونی ارتش سازگار نباشد و حتی تعابلات رهبری مبارزات ملی علیه دیکتاتوری نظامی در آنها دیده میشود. مجموعه ایسین مسائل منجر به بی ثباتی دستگاه دولت شده و حکومت نظامی را در ادامه حکومت ناتوان میکند.



۲) پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم آمریکا از رژیم پاکستان. این دو عامل باعث تقویت یکدیگر نیز میشوند. در ارتباط با ارتش پاکستان، آمریکا اصلی ترین منبع تغذیه تسلیحات و کمک های مالی به حساب میآید و از نظر منافع آمریکا، ارتش پاکستان نقشی را ایفا میکند که قبلا شاه بعنوان زاندارم منطقه خلیج بعهدہ داشت. ضیاء الحق از چند جنبه برای این کار انتخاب گردید. قبل از کودتا علیه ذوالفقار علی بوتو، او بعنوان یکی از افسران برجسته و کارشناس مسائل جنگی و بعنوان مستشار اصلی ملک حسین، پادشاه اردن، در حمله به فلسطینی ها در واقعه "سیتامبرسپاه" که در سال ۱۹۷۰ اتفاق افتاد نقش فعالی را ایفا نمود. نکته دوم، اگرچه روابط آمریکا با رژیم ضیاء الحق همیشه بسیار نزدیک بوده است، نقش و ارزش او بعد از سرنگونی شاه ایران، برای امپریالیسم آمریکا بسیار بالا رفت. این واقعه، یعنی باز کردن حساب جدید روی ضیاء الحق، نقطه عطفی در استراتژی آمریکا، در منطقه محسوب میشود. زیرا فقط شاه بود که با ایجاد تعادل به همراه اسرائیل در منطقه و چون پای دفاعی مناطق شرق خلیج فارس، از منافع امپریالیسم آمریکا حفاظت مینمود. همچنین از آنجائیکه بر مبنای "دکترین کارتر"، آمریکا این حق را برای خود قائل بود که در ادامه حفظ نفوذ خود بر میدانهای نفتی خلیج، در صورت لزوم حتی از نیروهای نظامی نیز استفاده نماید، با بهانه قرار دادن مسئله با مظلوم اشغال افغانستان توسط شوروی، تسلیم رژیم ضیاء الحق را مشروع جلوه دهد تا بهتر بتواند کمبود شاه را در منطقه جبران نماید.

طی چند ماه گذشته امپریالیسم آمریکا درصدد اجرای یکسری برنامه ریزی و سازماندهی جدید برای مقابله با رشد انقلاب در السالوادور و با سرنگون ساختن رژیم انقلابی نیکاراگوئه، جنگ داخلی در لبنان و با چاد، تاجا ورتنامی به کرانادا و با مقابله با مخالفان ضد سلاحهای هسته ای در آلمان غربی میباشد. از طرف دیگر مسئله بحران تیره و تاریک در شیلی، فیلیپین، ... و بخطر افتادن رژیمهای ارتجاعی این کشورها نتایج نا دیده گرفته شود. از جمله این مشکلات رشد مبارزات توده ای در منطقه جنوبی آسیا، یعنی پاکستان، برای مقابله با رژیم ارتجاعی و دیکتاتوری ضیاء الحق میباشد. این در شرایطی است که طرف چند ماه اخیر، رژیم دیکتاتوری ضیاء الحق، حمایت کننده اصلی ضد انقلابیون افغانی، مقرر شده است که مبلغ ۲/۲ بیلیون دلار کمک از آمریکا دریافت کند. تظاهرات گسترده طرف چند ماه گذشته در شهرهای مختلف پاکستان بخصوص در شهر سند، زادگاه ذوالفقار علی بوتو که توسط رژیم ضیاء الحق در سال ۷۹ به دار آویخته شد، بر پا گشته است. شهر سند مرکز ثقل اعتراضات و تظاهراتهای گسترده طرفداران بوتو که در حزب مردم جمع شده اند، میباشد. رهبری این حزب در حال حاضر در دست همسر بوتو و دخترش میباشد. تظاهرات اعتراضات اخیر که از ماه اوت گذشته شروع شده است، از ابتدای بقدرت رسیدن رژیم ضیاء الحق یعنی از سال ۱۹۷۷ بی سابقه بوده است. در هفته های گذشته تظاهرات وسیع توده ای بوسیله نیروهای سرکوبگر رژیم ضیاء الحق به ضدید ترین وجهی سرکوب شده است. تاکنون حدود ۹۰۰۰ نفر دستگیر و ۲۷ نفر از تظاهرکنندگان کشته شده اند بعلاوه ۱۳۰ تن نیز از طسرف نیروهای دولتی به کتک خوردن یا شلاق منتهم گشته اند.

خواستنه های دمکراتیک

یکی از مهمترین خواسته های تظاهرکنندگان بازگشت دمکراسی و اجرای قانون اساسی سال ۱۹۷۳ میباشد. اجرای چنین خواستی از طرف تظاهرکنندگان بدون شک به سرنگونی رژیم ضیاء الحق منجر خواهد شد. تظاهرکنندگان همچنین خواهان برابری بهبود وضع اقتصادی، نان و مسکن نیز میباشد. در حالیکه رژیم ضیاء الحق در سطح جهانی نیز کاملاً منفرد و بی ثبات شده است فقط دو عامل رژیم او را همچنان در قدرت باقی نگاه داشته است: ۱) وجود ضیاء الحق بعنوان رئیس جمهور در رأس ارتش پاکستان،

دوشکل سرمایه داری

رشد این بی ثباتی در رابطه با اختلافات موجود دو جناح از بورژوازی است که بیان کننده دو فرم (شکل) عمده از رشد سرمایه داری در پاکستان میباشد. ۱- سرمایه داری در بخشهای صنعتی و مالی که کاملاً در خدمت منافع امپریالیسم قرار دارد و بورژوازی کمپرادور را نمایندگی میکند و قدرت اقتصادی را نیز در دست دارد. این بخش از لحاظ سختی با دولت نظامی از جمله ضیاء الحق همراه بوده و نقش همانند یک دلال بومی در رابطه با سرمایه های خارجی میباشد. این بخش از طبقه کمپرادور پایه طبقاتی ضیاء الحق را تشکیل میدهد. بعلاوه دیکتاتور پاکستان حمایت سیاسی بخش های کوچکی از مذهبیین شهری و "نخبگان" و از همه مهمتر ارتشیان را بدنبال خود دارد. با توضیحات بالا و نقش ضیاء الحق در جامعه بوی مجبور است که قدرتش را فقط از طریق اعمال حکومت نظامی برقرار سازد. از زمانیکه او بر سر کار آمد تا بحال قول برگزینی از انتخابات را در ۱۶ اپالته داده که هیچکدام از آنها به وقوع نپیوسته است.

۲- شکل دیگر رشد سرمایه داری در پاکستان در بخشهای کشاورزی میباشد. بخشی که

زمین داران و فئودالهای قدیمی درآمد خود را از طریق تولید محصولات کثا و رزی مثل گندم، کتان و برنج بدست میآورند. رشد تولیدات کثا و رزی عامل بسیار مهمی در رشد سریع طبقه سرمایه دار در بخشهای زراعی گشته است. از آنجائیکه کثا و رزی نقش عمده ای را در اقتصاد پاکستان ایفا میکنند، زمین داران از طرفداران پر و پا قرص دموکراسی پارلمانی شده اند زیرا آنها بدلیل نفوذ و کمیت خود قادر به تحکیم سلطه خود بر پارلمان میباشند. علی بوتو و غویشاوندان او نمایندگان این طبقه میباشند که با تلاشهای فراوانی موفق به تشکیل حزب مردم و وارد کردن این حزب در جریان سیاست سیاسی گشته اند.

حزب مردم

حزب مردم امروز بصورت فعالترین جریان سیاسی در جنبش قرار گرفته است. این جریان با ۸ حزب دیگر جبهه ای را به نام "جنبش برای بازگرداندن دموکراسی" بوجود آورده اند که از احزاب بورژوازی و بخشهایی از نیروهای "چپ" پاکستان از جمله جریانی که معتقد به تاکتیک انتخابی در استراتژی خود میباشد، تشکیل شده اند و علیه ضیاء مبارزه میکنند. اما حزب مردم بعنوان مرکز نقل این سازمانها و احزاب در جنبش قرار داد بنابراین عمده ترین جنبه سیاسی آنها در مبارزه علیه ضیاء الحق نمایان میشود. مهمترین نکته ای که بایستی در اینجا متذکر شد این است که حزب مردم تا زمانیکه مبارزه اش در چهارچوب مبارزه علیه ضیاء - الحق باشد قادر به مبارزه علیه سرمایه های خارجی و مبارزه علیه امپریالیسم آمریکایی و منافعی در پاکستان نخواهد بود. رهبری این حزب در حال حاضر با در نظر گرفتن موج تظاهراتها که هدفش عمدتاً از بین بردن رژیم نظامی است همواره سعی دارد که دامنه تظاهراتها را محدود نماید تا بدین وسیله هدف اصلی یعنی برکناری نظامی و بازگشت دموکراسی پارلمانی را به اجرا درآورد. حزب مردم که بوسیله نصرت بوتو همسر بوتو بنا زیر دغترش و یکی از زمینداران معروف پاکستان بنام غلام مظفری جاتوی اداره میشود، هدفشان برکناری ۶ ژنرال معروف که در رأس قدرت دولتی در اسلام آباد قرار گرفته اند، میباشد. حزب مردم که قبلاً سعی داشت حمایت ارتش را بدست آورد تا بدین طریق کودتایی را که از طرف جناحی از ارتش صورت میگردد و مورد پشتیبانی آمریکا نیز قرار گیرد، عملی سازد، اما بعد از مدتی حزب مردم به شیوه انتخاباتی متوسل شد. یکی از علل این

تغییر تاکتیک وجود افراد و کادرهای مترقی و مبارز در رده های میانی و پائین حزب مردم بود که به واقعیات جامعه پاکستان بخوبی آشنا بوده و از همین رو رهبری را زیر فشار قرار دادند.

اطلی ترین پایگاه توده ای حزب مردم در زادگاه بوتو یعنی ایالت سند قرار دارد که اکثر تظاهراتهای توده ای از همین ایالت سازماندهی میشود. علاوه بر این بیشترین حامیان توده ای بوتو از اهالی سند میباشند. این ملیت از کلیه ملیتهای پاکستان بیشتر مورد ستم طبقاتی قرار گرفته اند بطوریکه مطلقاً در ارتش پذیرفته نمیشوند. نصف بیشتر زمینهای کثا و رزی در ناحیه سند متعلق به زمیندارانی میباشد که از اهالی سند نیستند و مهمتر از همه اینکه اکثر سرمایه گذارها در این ناحیه متعلق به سرمایه گذاران غیر سندی است که کارگران غیر سندی نیز بر روی آنها کار میکنند.

چپ در پاکستان

با وجود جنبشهای توده ای اخیر در پاکستان چپ قادر به ایفا نقش مهمی در این جنبشها نبوده است. این یک مسئله جدید نیست زیرا از جنبه تاریخی جنبش کمونیستی پاکستان بسیار ضعیف بوده است. فیل از بیرون راندن نیروهای انگلیس و جداگی پاکستان از هند، فقط یک حزب کمونیست در آنجا وجود داشت آنها عمدتاً در مناطقی که از جنبه اقتصادی از رشد بالاتری برخوردار بود و در بین مردم پایه نسبتاً بیشتری داشت در نتیجه اکثر کادرهای حزب کمونیست و مرکزیت حزب در نقاطی واقع شده بودند که بعدها بصورت نواحی مرزی با هند درآمدند. نه تنها ساختمان حزب در پاکستان توسعه نیافته بود، بلکه تعداد کادرهای تعلیم یافته نیز بسیار کم بودند. زمانی که حزب کمونیست پاکستان در سال ۱۹۵۳ غیر قانونی اعلام شد بعد از آن هرگز قادر به بازسازی خود نشد. رشد مبارزات آزادیبخش ملی و بحث های ایدئولوژیک در جنبش بین المللی کمونیستی در اوایل و اواسط سال ۱۹۶۰ جرقه ای در بین نیروهای چپ در پاکستان ایجاد کرد. اگرچه اکثر آنها تحت تاثیر انقلاب فرهنگی چین قرار گرفتند و حتی تعدادی از کمونیست های پاکستانی خود را با خط جهانی سازش طبقاتی حزب کمونیست چین تطبیق دادند، اما بقایای نفوذی که مافوقیسم گذاشته بود بعد از اتفاقات سالهای ۷۹-۷۶ در آنکولا توسط چین از بین رفت و تجاوز چین در سال ۱۹۷۹ به ویتنام نتایج اتحاد یکن با امپریالیسم آمریکا را روشن گردانید. مشکل اساسی جنبش کمونیستی پاکستان از دو حوزه برمیخیزد. در وهله

اول بدنبال ایجاد دولت پاکستان بطور مصنوعی، پس از جدایی از هند جنبش های جدایی طلبی در این منطقه خلع سلاح شدند. کمونیست ها پس از پراکنده شدن تشکیلات حزب و بعد از جدایی از هند و غیرقانونی اعلام شدن آن هرگز نتوانستند یک خط استراتژیک درست در رابطه با مسئله تعیین کننده ملیتهای تحت ستم و خودمختاری آنها ارائه دهند.

دومین مسئله و شاید مهمترین مسئله این بود که رشد چپ در اواسط سالهای ۶۰ بخصوص سالهای ۷۱-۶۸ با یک دولت سوسیال دموکرات پوپولیستی (تمام خلقی) مواجه گردید اگرچه در دوران بوتو سرکوب علیه مارکسیست لنینیست ها ادامه یافت ولی موضع عمومی دولت کرایش در جهت ساختن یک جبهه وسیع علیه ارتجاع بین المللی بود. طبقه کارگر پاکستان که اخیراً و آنها در نتیجه مناسبات سرمایه داری رو به رشد میباشد و حتی آگاهی اتحادیه های کارگری که خود بخودی تشکیل شده اند پدیده های نسبتاً جدیدی هستند که بعد از جدایی پاکستان بوجود آمده اند. با توجه به این شرایط سخت، کمونیست ها قادر نبودند که آگاهی انقلابی قابل توجهی در میان پرولتاریا بوجود آورند. جنبش کمونیستی در پاکستان تازه در حال شکل گرفتن است. ۵ گروه اصلی مارکسیست-لنینیست در حال حاضر در پاکستان وجود دارند که سه گروه در حال حاضر در مورد اتحاد و رسیدن به یک سیاست و ایدئولوژی مشترک به منظور تشکیل حزب کمونیست پاکستان تلاش میورزند. مبارزات خودبخودی توده ها علیه دیکتاتوری لزوم تشکیل یک سازمان کمونیستی قوی را بخوبی نشان داد حرکت های رادیکال در بین کادرهای میانی و جوان حزب مردم بیان کننده این است که احیای حزب کمونیست پاکستان برای رهبری مبارزات خودبخودی مردم از اهمیت خاصی برخوردار است و آغازی است برای فراهم نمودن تمرکز سیاسی که مبارزه بتواند فراتر از فرم محدودی که از طرف غاسواده بوتو با خواست یکسری رفرمها و اصلاحات مطرح میشود، برود. ■

دنباله

لنین در مخفیگاه

(دفترچه آبی)

بعثت کثرت مطالب و کمبود جا

در شماره آینده

13- "Limited Nuclear Warfare" Sci, Am. Nov. 1976, pp. 27-37.

14- "Armed Forces of U.S.", Sci. Am. Sept. 1951, pp. 89-99

15- "SIPRI Report on SALT 1", Sci-Am. Dec. 1972, pp. 40-44

16- "KPFA Radio", Berkeley, Cal.

17- Bonds, Ray. "US War Machine", Crown Publishers, Inc., 1983.

18- Bison, Steven L. "US Military Power", Bison Books Corp. 1983.

19- "Whence the Treat to Peace", Military Publishing House, Moscow, 1982.

مبنی بر تفکرات عمومی علیه مسابقات تسلیحاتی و جنگ طلبی های امپریالیسم به مثابه یکی از تاکتیکهای تبلیغاتی و مبارزاتی خود بر علیه امپریالیسم. استراتژی خود را نه بر پایه صلح و همزیستی، بلکه بر ارتقاء سطح آگاهی و رشد انقلابیهای رهاشی بخش و گسترش سوسیالیسم قرار میدهند و در پیرویه یک جنگ تسوده ای فرسایشی (و نه یک جنگ تمام عیار و جهانی) است که قادر خواهند بود امپریالیسم را فرسوده ساخته و به مرگ تدریجی اش سرعست بخشند. مسلماً وجود توازن قوا بیمن دو اردوگاه و تبلیغات دولت شوروی در زمینه صلح و غیره نیز در صورتیکه به معنی رها کردن امر دفاع از انقلابهای آزادی بخش فدا کردن جنبشها و نقض انترناسیونالیسم پرولتری نباشد و کمونیستهای کشورهای وابسته به امپریالیسم را نیز به سیاستهای سازش طبقاتی و "ملحدوستی" حزب تسوده وارانته نکشاند، نه تنها مقابله با تشدید مبارزه طبقاتی و انقلابهای پرولتری در ایمن کشورها نخواهد داشت، بلکه به تسریع امر انقلاب نیز کمک خواهد رساند.

بقیه از صفحه ۲۹ استراتژی نظامی ...

"اتحاد شوروی طی شش و نیم دهه ای که از حیاتش میگذرد بر موانعی که بر سر راهش قرار گرفته اند، فائق آمده است. آنهایی که خیال دست بازی برحقانیت و استقلال سیستم ما را در سر می پروراندند به زباله دان تاریخ خواهند پیوست. زمان آن رسیده است که هر کس که این مسئله در موردش صدق میکند بداند که ما از عهده حفاظت کشورمان متحدین و دوستانمان در هر شرایطی برخوردار خواهیم آمد." تظاهرات سراسری علیه جنگ اتمی که در اول اکتبر ۱۹۸۲ در سراسر اتحاد شوروی و در دفاع از سیاست ایمن کشور برگزار گردید مبین پشتیبانی سراسری مردم اتحاد شوروی از سیاست خلع سلاح اتمی دولت اتحاد شوروی است.

توضیح "جهان"

در اینجا بجای اشاره ای به وظیفه نیروهای مترقی و کمونیستها در قبضه افزوده شدن خطر جنگ اتمی و مسابقه تسلیحاتی شود، اصولاً مسئله تنها این نیست که جنگ اتمی واقعاً محتمل است یا غیر چرا که حتی در صورت تداوم موفقیت اتحاد شوروی و متحدینش در حفظ موازنه قدرت نظامی و در نتیجه دورتر شدن خطر جنگ اتمی، مسابقات تسلیحاتی در هر حال و مسلماً به ضرر خلفا چه در کشورهای امپریالیستی و چه در بین مردم اردوگاه سوسیالیستی است. افزایش سرسام آور بودجه نظامی آمریکا و گسترش زرادخانه های امپریالیستی، متقابلاً دول سوسیالیستی خاصه شوروی را وادار بسه - اختصاصی بودجه بیشتری در زمینه نظامی کرده، بر وضعیت اقتصادی، برنامه های عمرانی، و رفاه اجتماعی مردم این کشورها فشار وارد میکند. از طرف دیگر این فشارها، چه با گرایش راست و سازشکارانه و رویزیو- نیستی درون اردوگاه را تقویت میکنند. فراموش نشود که دلیل اصلی که خروشچف برای تزهای رویزیونیستی خود میآورد پیشگیری از جنگ اتمی بود و از همان زمان بود که صلح و همزیستی مسالمت آمیز محور سیاست خارجی شوروی گردید.

در حائیکه مبارزه علیه میلیتاریسم امپریالیسم و جنگ تنها بطور نسبی و محدودی قادر است مانع ماجراجوییها و وحشیگریهای امپریالیستها گردد چرا که جنگ طلبی و میلیتاریسم جزئی از طبیعت امپریالیسم است و تا وقتی که این نظام حیات دارد، این غطت نیز با او همراه است لذا کمونیستها و نیروهای مردمی در کشورهای مختلف، خاصه در کشورهای تحت سلطه، در

نشریه ریگای گهل

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

شاخه کردستان

را بخوانید

آهنگر

انگلستان
AHANGAR
C/O BOOKMARKS,
265 SEVEN SISTERS ROAD
LONDON N4 ENGLAND

آمریکا
AHANGAR
2265 WESTWOOD BLVD #256
L.A. CA. 90064 USA

بهای اشتراک

آمریکا ۱۰ شماره ۱۵ دلار

انگلستان ۱۳ شماره ۵ پوند
برای دریافت نشریه سیاسی - فکاهی "آهنگر"
با آدرس های فوق تماس بگیرید

فرم اشتراک



دفتر مطبوعاتی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، مرکز تهران

بهای اشتراک:

۶ شماره ۸ دلار
۱۲ شماره ۱۵ دلار

آدرس مشترک شونده:

Name

Address

- 1- "Whence the Treat of Peace", Military Publishing House, Moscow - 1983
- 2- "STP", Soviet Monthly Digest, Jan. 1983.
- 3- Rys, Stephen L. "U.S. Military Power", Bison Books Corp. 1983
- 4- Gansler, Jacques, S., "The Defense Industry", M.I.T. Press, 1982.
- 5- "International Arms Control" Stanford Arms Control Group, Stanford Univ. Press, 1976
- 6- Clark, Ian. "Limited Nuclear War", Princeton Univ. Press, 1982
- 7- "Front Line", Line of March, Oct. 17, 1983
- 8- "Comprehensive Proposal for U.S.-U.S.S.R. Force", Scientific American, Aug. 1977, pp. 24-31
- 9- "Intermediate - Range Nuclear Weapons", Sci. Am., Dec. 1980, pp 63-73
- 10- "Strategic - Arms Modernization under SALT", Sci. Am., June 1973-pp.38
- 11- "Mutual Assured Destruction, Counter Force Strategy, Sci. Am, May 1974 pp. 20-31
- 12- ABM, ICBM, MIRV Systems, Strategic Weapon, Prospections for Freeze on Numbers and Quantitive Improvement of Weapons", Sci. Am. Jan 1971 pp.15-25



تصویری از مارکس، یکسال قبل از مرگش

کنند، حال آنکه میتوانند و در واقع نیز در چهارچوب محتوای نیروی مولده مناسبات تولیدی/ساخت اقتصادی زندگی میکنند و مطابق با این ساخت عمل میکنند. مارکس در اینمورد میگوید:

"منافع مادی وزنه سنگینی است..... قرون وسطا نمیتوانست باکاتولیسیم زندگی کند، همچنانکه دنیای باستان بر پایه سیاست زندگی نمیگرد. برعکس این شیوه‌ای که (انسانها) توسط آن امرار معاش مینمایند است که تعیین میکند چرا در اینجا سیاست و در آنجا کاتولیسیم نقش عمده را ایفا نمود" (کاپیتال ۱). تا آنجا فیکه برطبق رابطه‌شان با ابزارهای مادی زندگی بشری عمل میکنند، نه بر طبق مناسباتشان با انبوهی از قانون و سیاست، میتوان گفت که این مناسبات تولیدی/ساخت اقتصادی است که "اساسی" تر از روینای قانونی و سیاسی بشمار میرود. از این دیدگاه است که مناسبات تولیدی/ساخت اقتصادی بر روینا تقدم می‌یابد. روینا بواسطه آنجاگونیم‌های منافع مادی موجود

سلسله پاسخ برای این سئوالات ارائه میدهد. الف) "روینای حقوقی و سیاسی در کل و جزو خود، تنها در راس آنجاگونیم‌های از پیش شکل گرفته مربوط به منافع مادی کسسه در مناسبات تولیدی/ساخت اقتصادی موجودند، قرار میگیرد؛ و مستقل از اینگونه آنجاگونیم‌های اقتصادی بوجود نمی‌آید." (فقر فلسفه). بدین ترتیب مارکس تصریح میکند که روینای سیاسی "بیان رسمی، فعال و آگاهانه ساخت اقتصادی جامعه است؛ هرگونه تفاد و برخورد بین قوانین و الزامات مربوط به مناسبات تولیدی/ساخت اقتصادی و الزامات یا حقوق رویناسای قانونی و سیاسی همواره بنفع ساخت اقتصادی حل میشود. بعنوان مثال، حقوق مدنی وضع شده روینا، در صورتیکه عملکردی داشته باشند که انحصار نیروهای مولده، توسط طبقه حاکمه و با "قانون حرکت" زیربنای اقتصادی را مورد تهدید قرار دهند، حذف میگردند.

ج) انسانها نمیتوانند در چهارچوب محتوای قانونی و سیاسی روینا زندگی

بمناسبت

سده درگذشت مارکس

از سلسله بحثهای آموزشی:

درک مادی از تاریخ

قسمت آخر

بحث پنجم:

دولت - روینای حقوقی و سیاسی

در راس ساخت اقتصادی، دولت و با آنچه که مارکس "روینای حقوقی و سیاسی" (پلیس، ارتش، دادگاهها و بوروکراسی) مینامسد، قرار میگیرد. مارکس گاهی روینا را تنها به نهادهای حقوقی و سیاسی اطلاق میکند و گاه محدوده آنرا گسترده ساخته، ایدئولوژی و اشکال مختلف آگاهی‌رانیز بعنوان یک کل یکپارچه بدان افافه میکند.

بطور کلی آنچه که روینای حقوقی و سیاسی با دولت را از ساخت اقتصادی "زیربنی" که روینا با آن مرتبط است متمایز مینماید آنستکه کل محتوای روینا بطور آگاهانه توسط شکلی از اتوریتته اجتماعی معین، ساخته شده است. از سوی دیگر محتوای اساسی ساخت اقتصادی "مستقل از اراده افراد" بدست می‌آید. (ایدئولوژی آلمانی) و تنها "بطور عملی قابل کشف است". (کاپیتال ۱)

علاوه بر تمایز کلی فوق، یک سلسله تمایزهای خاص نیز بین روینا و ساخت اقتصادی وجود دارد:

۱) روابطی که روینا را در بر میگیرد، در حوزه حقوق و الزامات فرمال می‌گنجد، در حالیکه روابط ساخت اقتصادی، قدرت‌ها و محدودیت‌ها را ایجاب میکنند. (ایدئولوژی آلمانی).

۲) روینا نماینده رسمی و قانونی (De jure) "منافع عمومی" است، در حالیکه ساخت اقتصادی، سازمان غیررسمی و عملی (De facto) منافع مادی و مشخص می‌باشد.

۳) شکل روینا قابل رویت و نهادی است در حالیکه شکل ساخت اقتصادی پنهان و اعلام نشده است. (کاپیتال ۲)

سئوالاتی که بکرات پرسیده میشود اینستکه چرا نظم اقتصادی بعنوان زیربنای (Base) و دولت بعنوان روینای آن شناخته میشود. چرا مارکس زیربنای را اولیه و روینا را ثانوی میدانند؟ مارکس در نوشته‌هایش یک

در زیربنای اقتصادی است که بوجود میآید. از دیدگاه مارکس دولت صرفاً منافعی جمعی طبقه حاکمه را دست نخورده باقی نگاه میدارد و از اینرو به "آنتاگونیسیمهای اقتصادی" که بخاطر سرو کار یافتن با این منافع بوجود آمده است، مداومت میبخشد. از اینرو مارکس میگوید "دولت بورژوازی چیزی نیست مگر یک قرارداد بیمه متقابل طبقه بورژوازی هم در مقابل اعضایش به شکل فردی، هم در مقابل طبقه استثمارشده".

از دیدگاه مارکس روشهایی که از طریق آنها دولت زیربنای اقتصادی طبقه حاکمه و آنتاگونیسیمهای منافع مادی موجود در آن را کنترل و محافظت میکند چند گونه اند:

(۱) دولت مناسبات موجود تولیدی (قدرت ها) را بصورت مناسبات قانونی مالکیت (حقوق) اعتبار میبخشد و از اینرو مالکیت انحصاری طبقه حاکمه و اخذ ارزش - اضافی را معتبر میسازد.

(۲) دولت برخی و با کل مناسبات تولیدی را به جریان انداخته و به عمل میاندازد.

(۳) دولت نقش تطبیق دهنده و هماهنگ کننده را دارد. یعنی آنچه را که برای مداوم انحصار مالکیت طبقه حاکمه و اخذ ارزش اضافی ضروری است، با این مناسبات تطبیق میدهد. بعنوان مثال در فرماسیون اجتماعی سرمایه داری، با تنظیم روبینا، جنگ افروزی و سرکوب مخالفان، اینگونه - تطبیق ها صورت میپذیرد.

(۴) دولت منازعات و اختلافات افراد و گروهها را در مورد دعاوی مربوط به دارایی را مورد تقاضا قرار میدهد بنحوی که تداوم نظم اقتصادی طبقه حاکمه همواره حفظ و تضمین گردد.

(۵) دولت عمدتاً از طریق نشر ایدئولوژی نقش گمراه کننده را برای ابقای مناسبات تولیدی حاکمه ایفا مینماید. (بحث ششم را به ایدئولوژی اختصاص داده ایم).

مارکس میگوید که روبنای دولت منافع جمعی طبقه حاکمه را دست نخورده باقی نگاه میدارد. این بیان یا این ادعا که یک فرد یا یک گروه از طبقه حاکمه میتواند منافع خاص خود را دارا باشد و این منافع نیز میتواند خلاف منافع طبقه در کل بوده و به آن آسیب نیز برسانند، تناقضی ندارد. از همین رو در مانیفست کمونیست میخوانیم که "دولت بورژوازی چیزی نیست مگر یک قرارداد بیمه متقابل Insurance Pact طبقه بورژوا در برابر اعضای بطور فردی و نیز در مقابل اعضای طبقه استثمارشده".

چنانچه ضرورت حیاتی روبنای قانونی و سیاسی را برای حفظ نظم اقتصادی طبقه حاکمه درک کنیم، آنگاه میتوانیم درک کنیم که

چرا مارکس مبارزه طبقاتی را روبیناشسی بشمار میآورد - کل مبارزه طبقاتی برای مارکس "سیاسی" یا روبینایی است - مارکس تاریخ تمام جوامع را تاریخ مبارزه طبقاتی میداند. (مانیفست کمونیست). بحث مارکس را میتوان بدینگونه فرمولبندی نمود:

(۱) روبنای حقوقی و سیاسی، محافظ کلی و ضروری نظم اقتصادی طبقه حاکمه بشمار میرود.

(۲) بنا بر این برای حفظ نظم اقتصادی

طبقه حاکمه، روبنای حقوقی و سیاسی باید تحت کنترل طبقه حاکمه باشد، در غیر اینصورت طبقه حاکمه تا جائیکه مکانیسم دفاعی اش نامطمئن باشد، از امنیت برخوردار نیست. در یک رابطه معکوس نیز برای تغییر نظم اقتصادی طبقه حاکمه، روبنای حقوقی و سیاسی باید از کنترل آن طبقه خارج شود.

(۳) تنها راه موثر برای حفظ یا تحت کنترل درآوردن روبنای حقوقی و سیاسی، از کانال عمل طبقه (یعنی عمل سیاسی) میباشند. عمل سیاسی طبقاتی یا مبارزه طبقاتی، بدین ترتیب کلید اصلی برای کنترل دولت پاروینا بشمار میرود.

از دیدگاه مارکس مبارزه طبقاتی یک طبقه علیه طبقه دیگر، یک مبارزه سیاسی (یعنی روبینایی) است. (فکر فلسفه) عبارت دیگر هر جنبشی که در آن طبقه کارگر علیه طبقه حاکمه قد علم کند و از طریق فشار از خارج به آن فشار وارد آورده، یک جنبش سیاسی است. بعنوان مثال مبارزات و تلاشهای کارگران از طریق برپایی اعتصاب در یک کارخانه خاص یا اتحادیه کارگری برای وادار ساختن افراد سرمایه دار به پذیرفتن ساعت کار کوتاهتر روزانه، یک جنبش خالص اقتصادی است. در حالیکه از سوی دیگر جنبشی که منجر به برقراری یک ساعت کار روزانه هشت ساعته، از طریق تغییر قانون کار میگردد، یک جنبش سیاسی است. از طریق جنبشهای اقتصادی جداگانه شکلی دیگر، یعنی شکلی که دارای نیروی قهر کلی و اجتماعی است، رشد مینماید.

(۴) از سه بند بالا کم و بیش میتوان مبارزه طبقاتی را بعنوان تنها عامل موثر برای حفظ یا کنترل روبنای حقوقی و سیاسی بحساب آورد چرا که روبینا محافظ کلی و ضروری نظم اقتصادی بشمار میرود و از اینرو مبارزه طبقاتی تنها شیوه عمل برای حفظ یا تغییر "آنا تومی" واقعی یا "فرم" و "جوهر" جامعه (یعنی ساخت اقتصادی) است. بطور خلاصه مارکس دولت را "ماسک" و "سلاح" ضروری حفظ رژیم اقتصادی طبقه حاکمه میداند. وجود دولت مستلزم کنترل

دولت توسط طبقه حاکمه برای ابقای رژیم این طبقه میباشد. از دیدگاه مارکس مبارزه طبقاتی سیاسی تنها راه موثر برای حفظ یا کسب این کنترل است. این نکته را نیز باید اضافه نمود که مارکس نه صرف و کنترل دولت بورژوازی، بلکه خرد کردن ماشین دولتی بورژوازی را در پروسه مبارزه طبقاتی مورد تاکید قرار میدهد.

بحث ششم

ایدئولوژی

مفهوم ایدئولوژی در نوشته های مارکس تنها بعنوان فعالیت ذهنی و باور (Belief) درک نمیشود، بلکه آنچه که در جمله آغازین "ایدئولوژی آلمانی" تصریح میشود، عبارتست از "درک های انسانها از خویش"، یعنی اشکال متنوع خودآگاهی (از مذهب گرفته تا اقتصاد، از حقوق و زیبایی شناسی گرفته تا قانون و سیاست). مارکس در مقدمه معروف خود به نقد اقتصاد سیاسی مینویسد: در بررسی تغییرات (انقلابی)، همواره باید بین تغییرات مادی شرایط اقتصادی تولید که با دقت ملموس طبیعی قابل بررسی است و اشکال حقوقی، سیاسی، مذهبی، زیبایی شناسی یا فلسفی، یا بطور خلاصه اشکال ایدئولوژیک که از طریق آنها انسانها به این تضاد آگاهی یافته و با آن می تمیزند، تفاوت فاضل شویم. درست همانطوریکه عقیده ما در باره یک فرد بر اساس آنچه که وی در باره خود میاندیشد، استوار نمیشود، بهمان نحو نیز نمیتوانیم یک دوران (تغییرات انقلابی) را بر مبنای آگاهی دوران از خود (یعنی آنچه که در باره خود فکر میکند) مورد تفاوت قرار دهیم. مارکس در هجدهم برومر لویی بنا پارت (ص ۲۸) در بحث در باره ایدئولوژی میگوید: "همانطوریکه در زندگی خصوصی انسان بین آنچه که فردی در باره خود میاندیشد و میگوید و آنچه که وی در واقع هست تفاوت فاضل میشود، همانطور نیز در مبارزات تاریخی باید باز هم بیشتر بین عبارات و تعاریف شرکت کنندگان در باره ارگانیک واقعی و منافع حقیقی شان و نیز درکشان از خود از یکسو و واقعیت آنان از سوی دیگر تفاوت فاضل شویم". چنین مفهومی از ایدئولوژی به مفهوم عقلانی نزدیک تر میشود. عقلانی شدن تنها در چنین حالتی غلط اجتماعی - و نه خصوصی فردی - بخود میگیرد.

مفهوم عامی که انسانها در باره خود دارند را آشکارا باید از ایده‌های تکنولوژیکی که انسانها برای ساختن ارزش مصرف‌مادی بکار میگیرند متمایز ساخت چرا که ایده‌های تکنولوژیکی به حوزه نیرو-های تولیدی تعلق دارند. همچنین اینگونه مفاهیم عام انسانها در باره خود به ایده‌های انسانها در باره اشیائی بجز خویش را نیز شامل نمیگردد. بنابراین "علوم طبیعی" بطور آشکار و در نخستین بخش ایدئولوژی آلمانی از حوزه بررسی کنار گذاشته میشوند. به غلط چنین درک میشود که مارکس آگاهی بشر را با ایدئولوژی یکی میدانند و از اینرو دارای این گرایش فلسفی است که ایده‌ها را بطور کلی تعیین کننده بداند. ولی مارکس مشخص میکند که مقصود وی از ایدئولوژی نه آگاهی بشر بطور اخص بلکه وجوه عام چنین آگاهی است. معیارهای ایدئولوژی در نوشته‌های مارکس عبارتند از:

(۱) ایدئولوژی متشکل است از ایده‌های فرمولبندی شده، نه آنگونه ایده‌هایی که صرفاً در ضمیر ناخودآگاه، در سطح احساسی یا روانی باقی مانده باشند.

(۲) ایدئولوژی به مسائل و امور بشری ارتباط می‌یابد نه به پدیده‌های غیر بشری یا طبیعی.

(۳) محتوای ایدئولوژی از نظر مادی غیر تولیدی است. یعنی در جز و کل خود برای ایجاد ارزش مصرف‌مادی قابل استفاده نیست.

(۴) ایدئولوژی وجه عام می‌یابد، یعنی فرم انتشاری و سخنرانی عمومی بخود میگیرد. از اینرو وجوه خصوصی مثل معاومه مشخص، یا شکل نامه‌نگاری که در خارج از یک حوزه حقوقی و سیاسی نگاشته میشود، مفهوم ایدئولوژی را ندارد.

(۵) ایدئولوژی تابع کنترل دولتی است. و این از طریق ثبت یک نوع اجازه‌نامه، بر کردن فرم دولتی (برای یک شرکت) انتشاراتی، یک آژانس اسناد رسمی، کلبه مدرسه، جمعیت و غیره) صورت میگیرد. هر پنج معیار فوق باید موجود باشند. برای اینکه بتوان مفهوم را بعنوان ایدئولوژی تلقی نمود. بویژه معیار پنجم از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که اصرار مارکس را در مورد اینکه ایدئولوژی طبقه حاکمه است منعکس مینماید.

ایدئولوژی بدین ترتیب نه تنها از نظر اقتصادی به طبقه حاکمه وابسته است بلکه از نظر روبناشی نیز بدان وابسته است (مارکس در تجربه شخصی‌اش سانسور دولتی را تجربه کرده بود و نیز از ترس ناشران

برای چاپ آثارش آگاه بود چرا که در صورت چاپ آثار وی آنان نیز مورد سرکوب قرار میگرفتند). بدین ترتیب این عبارت مارکس که ایدئولوژی یک جامعه ایدئولوژی طبقه حاکمه است، یک ادعای فلسفی نیست زیرا ایدئولوژی وقتی به معنی عمومی وارد شود، تحت کنترل موثر قدرت اجتماعی مستقر دولتی و اقتصادی درمیآیند.

پنج معیاری که در بالا نام بردیم بطور آشکار توسط مارکس بیان نشده‌اند، ولی مثالی از ایدئولوژی را در آثار مارکس نمیتوان یافت که پنج معیار فوق در مورد آن صادق نباشد. مارکس مفاهیم علمی و غیر علمی مربوط به امور بشری را تقسیم بندی های فرعی ویژه ایدئولوژی میدانند. بعنوان مثال خود تئوری ایدئولوژی مارکس هم بعنوان ایدئولوژی و هم دانش شناخته میشود. قبل از آنکه انقلاب بدین تئوری قانونیت بخشد، این تئوری ایدئولوژی بشمار میرود. پس از آنکه انقلاب بدان قانونیت بخشد، دانش بشمار میرود. از اینرو تئوری ایدئولوژی مارکس مفاهیم علمی و غیر علمی مربوط به امور بشری را در فرض‌های خود تفهیم دارد.

در تمایز بین مفاهیم علمی و غیر علمی تنها در مورد اقتصاد سیاسی از مارکس میتوان نقل قولی آورد. مارکس میگوید: اقتصاد سیاسی علمی روابط واقعی تولیدی را در جامعه مورد تحلیل و بررسی قرار میدهند (یعنی روابط موثر مالکیت را) در حالیکه اقتصاد سیاسی غیر علمی چنین روابطی را مورد تحقیق قرار نمیدهند، بلکه حتی آنها پنهان کرده و مورد غفلت قرار میدهند. در کاپیتال ۱ مارکس مینویسد: "یک بار و برای همیشه میگویم که درک من از اقتصاد سیاسی کلاسیک از زمان پتتی (Petty) آن اقتصادی است که روابط واقعی تولیدی را در جامعه بورژوازی مورد تحقیق قرار داده است و این در تضاد و تمایز با اقتصاد عامیانه است که تنها به نمودها می‌پردازد" (ص ۸۱). از اینرو برای مارکس آثار ریکاردو که آگاهی بر تضادهای منافع طبقاتی را نقطه آغاز تحقیق خود قرار میدهد، در چهارچوب و در حوزه علمی قرار دارد. در حالیکه بیشتر اقتصاددانانی که پس از ۱۸۲۰ در آثارشان "این روابط واقعی تولیدی" را پنهان میکنند، غیر علمی شمرده میشوند. بدین ترتیب هر نوع مفهوم مربوط به امور بشری که دارای وجوه ذهلی باشد علمی و در غیر اینصورت غیر علمی - باید شناخته شد.

(۱) مفاهیمی که به روابط واقعی تولیدی

می‌پردازد یعنی روابط موثر مالکیت جامعه و نیروهای تولیدی را در مورد بررسی قرار میدهد.

(۲) به تقسیم عینی تفادهای (انتاگو-نیسم) طبقات در این روابط توجه میکنند. یعنی تملک انحصاری ابزار تولید توسط اقلیتی در جامعه (طبقه حاکمه) و عدم تملک و یا تملک بسیار اندک این وسایل توسط بقیه جامعه (یعنی طبقه کارگر) را مورد نظر قرار میدهد.

(۳) به قوانین مبادله بین این طبقات یعنی قوانین اخذ منظم ارزش توسط طبقه حاکمه از طبقه کارگر توجه داشته باشد.

بجز این اصول، مارکس به کاربرد متد تجربی (Empirical Method) و ضرورت بکارگیری یک دیدگاه تاریخی به مسائل بشری بسط علمی دانستن آنها اصرار میورزد. همچنین عاری بودن مفاهیم از تحریف ("آزادی تحریف") شرط دیگر علمی دانستن چنین مفاهیمی بشمار میرود. از دیدگاه مارکس ایدئولوگ های طبقه حاکمه با تملک مقدار کم و پسا اساساً هیچ مقدار از منافع مادی، دست به چنین تحریفهایی میزنند. شرط دیگر آنستکه از نظر تئوریک پدیده‌ها بطور مناسبی

توضیح داده شوند آنچنانکه خود مارکس تمام زندگی‌اش را صرف توضیح کامل منبع سود که تئورسین های پیش از وی چه علمی و غیر علمی از توضیح آن درمانده بودند، نمود.

پدیده‌های ایدئولوژیکی نیز همچون پدیده‌های حقوقی و سیاسی، انعکاس دفاعی شرایط ضروری زیربنایی اقتصادی هستند که این پدیده‌ها بر روی آن بنا شده‌اند. مارکس مفاهیم غیر علمی مربوط به امور بشری را با عباراتی از قبیل "توهم انگیز" - (Illusory) "وارونه" (Upside down) کاذب و دروغین False توصیف میکند.

زمانی که پتانسیل ذاتی بشر، یعنی آگاهی هدفمند در حوزه درک اجتماعی از خود (Social Self Concept) آزاد شود، بشر زنجیر توهم را پاره میکند یا به عبارت دیگر ایدئولوژی راه را بر جریان باطنی ایده‌های آزاد شده مربوط به دانش عمومی و اجتماعی از خود می‌گشاید.

با توجه به نکاتی که برشمردیم، سعی میکنیم که در حد امکان تفاوت بین جهان بینی، ایدئولوژی و اشکال آگاهی اجتماعی را بیان داریم. بنظر ما جهان بینی یک مجموعه، ساخت و ترکیب گسترده‌ای را تشکیل میدهد که ایدئولوژی میتواند اجزائی از آن را تشکیل دهد. مارکس ایدئولوژی را نه تنها بعنوان فعالیت ذهنی و ناور انسانها

♦

۲۹- بقیه از صفحه ۲۹
 ۲۵- لنین، مجموعه سخنرانی‌ها در کنگره های انترناسیونال کمونیستی، صفحه ۷۱
 26- Revolution and Theses of The Fourth Congress of the Communist International, London, P.59
 ۲۷- بللیوبسکی، کمینترن و خاور، ص ۲۰۸
 ۲۸- همانجا، ص ۲۰۸
 ۲۹- " " ، ص ۲۲۱
 ۳۰- لنین، وظائف سوسیال دمکراتهای روس
 ۳۱- کلونین، "کمینترن و بیدایش جنبش کمونیستی در چین" - کمینترن و خاور، ص ۲۸۱
 32- Degras, Jane (ed) The Communist International, 1919-1943: Documents 1971, London, F Caso
 33. Ibid, P.395 34. Ibid, P. 392
 35. Thornton, Richard C. The Comintern & the Chinese Communist, 1928-1931. Seattle. Univ. of Washington, 1969, P.15.
 36. The Struggle against Imperialist War and the Tasks of the Communists; Revolutions of the VI World Congress of the Communist International, July

August, 1928. New York; Workers Library Publishers, 1932, P.32
 37. Ibid, P.33
 ۳۸- بللیوبسکی، کمینترن و خاور، ص ۲۱۹
 39. Degras, Jane, P.341
 ۴۰- بوریس پونا ماریف، تاریخ مختصر سه انترناسیونال، ص ۲۷
 41. The Struggle against Imperialist War, ... P.34
 42. Ibid, P.35
 43. Thornton, Richard C., P.33
 44. Ho Chi Minh, Selected Works, Vol. 1, 1960, P.83
 ۴۵- بللیوبسکی، کمینترن و خاور، ص ۲۵۷
 ۴۶- هوشی مین، آثار منتخبه، ص ۲۰
 ۴۷- همانجا، ص ۲۱
 ۴۸- بللیوبسکی، پیشین، ص ۲۴۷
 ۴۹- هوشی مین، آثار منتخبه، ص ۲۲
 ۵۰- بللیوبسکی، ص ۲۶۷
 51. William J. Duiker. The Comintern and Vietnamese Communism, Athens:Ohio State University, Center for International Studies, P.42.
 ۵۲- ویلیام فاستر، تاریخ سه انترناسیونال جلد دوم، ص ۲۳۰

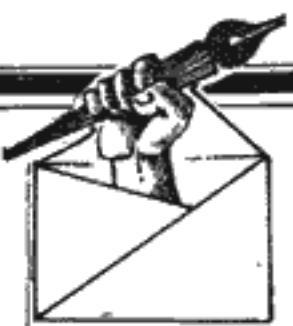
۵۳- همانجا، ص ۲۳۰
 54. Seventh World Congress of the Communist International, 1935.
 ۵۵- ویلیام فاستر، پیشین، ص ۵۱۰
 ۵۶- همانجا، ص ۵۱۱
 57. Georgi Dimitrov. Working Class Unity: Bulwark against Fascism, New York, Workers Library Publishers, 1935, P.65
 58. Degras, Jane ... P.460-70
 59. Georgi Dimitrov, Ibid, P 69-70
 60. Jane Degras, Ibid, P.244
 61. Dan R. Richardson, Comintern Army: The International Brigades and the Spanish Civil War, Lexington: Univ. of Kentucky Press, 1982, P.9.
 62. Jane Degras, P 398-99
 63. Dan R. Richardson, P.13
 64. Ibid, P.14
 65. Ibid, P. 33-38
 66. Kermit E. McKenzie, Comintern and World Revolution, 1928-1943: The Shaping of Doctrine, N.Y.:Columbia Univ. Press, 1964, P.457
 67. Jane Degras, Ibid, P.477.

درک مادی از ...

تلفی میکند، بلکه همچنانکه در ایدئولوژی آلمانی تصریح میشود، ایدئولوژی شامل درک انسانها از خویش یعنی اشکال متنوع خود آگاهی از مذهب گرفته تا اقتصاد، از اخلاق و زیبایی شناسی تا حقوق، سیاست و فلسفه را در بر میگیرد. ایدئولوژی در کلیت خود به مسائل و امور بشری مربوط میشود و به آن بخش از ایده‌ها اطلاق میگردد که فرمول بندی عام یافته باشند. در عین حال مارکس بین اخلاقیات، مذهب، متافیزیک و سایر ایدئولوژیها از یکسو و اشکال آگاهی اجتماعی مربوط به آنها تفاوت قائل میشود. در حالیکه ایدئولوژی از فرمولبندی های عام تشکیل میشود، اشکال آگاهی اجتماعی و ایدئولوژی از دو سطح مختلف مفاهیم مربوط به امور بشری برخوردارند: (۱) شکل حاکم و مسلط (ایدئولوژی) (۲) محتوای تحت تسلط (اشکال آگاهی اجتماعی) اشکال آگاهی اجتماعی چهار چوب عمومی ذهنیت و تفکر اجتماعی را در تمامی جوامع تاریخی تشکیل میدهند. بنا بر گفته مارکس اشکال آگاهی اجتماعی در حکم لنگرها هستند که بیکیدیگر متصل بوده و ارتباط دارند و پدیده های عینی جامعه از آن لنگرها عبور میکنند. این لنگر یکپارچه و با چهار چوب عمومی ذهن در نهایت در

فرمولبندی های ایدئولوژیکی منعکس میشوند. برای آنکه بحث را از جنبه تجریدی خارج کنیم به ذکر مثالهایی می پردازیم که رابطه بین اشکال آگاهی اجتماعی و بیانیتهای ایدئولوژیکی را مشخص سازد. مثال (۱): این بیانیته که تقسیم بندیهای اجتماعی نشاندهنده ارزش ذاتی افرادی است که در این تقسیم بندیها می‌کنند، یک شکل آگاهی اجتماعی بشمار میرود و محتوای است برای فرمولبندی ایدئولوژیکی. (بردگان برای بردگی آفریده شده‌اند). مثال (۲): این بیانیته که حاکمیت نهایی در یک تمامیت غیر بشری (مثلا خدا) نهفته است، یک شکل آگاهی اجتماعی و محتوای است برای فرمولبندی های ایدئولوژیکی نظیر حاکم اصلی خداست، یا سرنوشت مسیر انسانها را تعیین میکند و یا طبیعت و دست‌غیب زندگی انسانها را رقم میزند. در دوره های تاریخی مختلف این بیانیته و شکل آگاهی اجتماعی در واژه ها و مفاهیم ایدئولوژیکی متفاوت از خدا گرفته، تا دست‌غیب، طبیعت سرنوشت و سایر خدا منعکس میگردد. شرایط تاریخی در تعیین اشکال آگاهی اجتماعی نقش بسیار مهمی را ایفا میکنند. یک شکل آگاهی اجتماعی میتواند شکل های ایدئولوژیکی متفاوتی را بخود بگیرد که این خود بستگی به شرایط تاریخی دارد که ایدئولوژی در چهارچوب آن فرمولبندی

میشود. مثال بالا تفاوت اشکال و فرمول بندی های ایدئولوژیکی را در شرایط تاریخی مختلف بخوبی منعکس مینماید. مارکس در اینمورد در ۱۸ برومر می نویسد: " وزن نسل های مرده همچون شبی بر مغز نسل زنده سنگینی میکند." مطابق فرمولبندی مارکس اشکال آگاهی در حکم یک حلقه روبناشایی هستند که ساخت اقتصادی متغیر در جامعه را دست نخورده باقی نگاه داشته و پاسداری میکنند. اشکال آگاهی مفاهیمی برای پیدائوری های اجتماعی بشمار میروند. از همین رو پیش فرض های فرمولبندی های ایدئولوژیکی بشمار می‌آیند. اشکال آگاهی اجتماعی بعنوان یک مکانیسم "پیدائوری عمومی"، ایده‌ها را بصورت ترجیحات ایدئولوژیکی ردیف و تنظیم میکنند. بدون آنکه کسی که آنها را بکار میبرد قواعد گرامری که ایده ها مطابق آن تنظیم شده‌اند را بداند. از دیدگاه مارکس اشکال آگاهی اجتماعی مکانیسم درک توهم های تاریخی و اساس درک مسئله "نمود" و "واقعیت" میباشد. با توجه به آنچه که گفته شد، جهان بینی مجموعه و ترکیب گسترده تری است که ایدئولوژی اجزایی از آن را تشکیل میدهد. در عین حال اشکال آگاهی اجتماعی در حکم محتوا و پیش فرض های فرمولبندیهای عام ایدئولوژی بشمار می‌آیند. ☆☆☆



از خوانندگان

● هلند- رن: درخواست شما رسید. اقدام میشود.

● رومانی - دانشجویان دوره پزشکی: در مورد درخواست شما اقدام شد. تماس خود را با ما حفظ کنید و ما را بیشتر در جریان اوضاع محیط خود قرار دهید.

● آمریکا - لس آنجلس، ۱۰: از نکات اطلاعی شما در باره زندگینامه یکی از رفقای شهید فدائی ممنون هستیم و آنها را در اختیار رفقای مسئول میگذاریم. در مورد رفیق شهید منوچهر ممیز که بگفته شما از اعضا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بوده است و در لیست اسامی شهدا که از طرف مجاهدین انتشار یافته، اشتهاً "مجاهد" معرفی شده است، منتظر دریافت اطلاعات لازم هستیم.

● آمریکا - اورگان، ب: چک ارسالی شما رسید. ضمن تشکر اقدام میشود.

● آمریکا - میسوری، محمد: نامه شما بدستمان رسید. اقدام میشود.

● فرانسه - لیل، رفیق لک: خوشحال میشویم نسخه‌ای از کتابتان را دریافت و برای درج حداقل بخشی از آن در "جهان" بررسی نمائیم. موفق باشید.

● آمریکا - کالیفرنیا، ف. پ.: چک ارسالی شما رسید. ضمن تشکر، اقدام میشود.

● بلژیک - بروکسل: رفقای عزیز، ترجمه مقالات ارسالی شما در باره جنگ بدستمان رسید. ضمن قدردانی از زحمات شما، سعی میکنیم مثل گذشته از این مطالب و همچنین اخبار ارسالی‌تان در مقالات "جهان" استفاده نمائیم.

● فرانسه - جمشید: سئوالات و پیشنهادات مسئولانه شما رسید. ما برای اطلاع رفقای داخل و هواداران در خارج، در این شماره به درج خلاصه نکات اصلی نامه‌تان اکتفا میکنیم و امیدواریم بتدریج بتوانیم به یک یک نکات بپردازیم. آیا سازمان هنوز به طرح تاکتیک جوخه‌های رزمی در آن مقطع (بعد از ۳۰ خرداد ۶۱) معتقد است و با توجه به نتایج منفی حاصل از ترورهای کور مجاهدین بر روحیات مردم، چگونه جوخه‌های رزمی سازمان میتوانند تاکتیک درست و موثقی باشد و آیا تدارک همراه با دست‌پاچی برای قیامی که بنا درستی خیلی زود محتمل میدهند ناشی از جوی نبود که مجاهدین و بعضی اعضا دورن مرکزیت نظیر

سامع ایجاد کرده بودند؟ ۲- در سرمقاله ریگای گدل شماره ۹ گفته شده است که امروز برخلاف ۴ سال پیش جنبش خلق کرد مورد حمایت و پشتیبانی بسیاری از جریانات انقلابی و مترقی جهان قرار گرفته است. منظور سازمان از این جریانات مترقی و انقلابی کدامین جریانات است؟ ۳- سازمان رابطه و حمایت مستقیم شوروی را از لیبی و سوریه چگونه ارزیابی میکند و آیا این کشورها دارای گرایشات فدا میریالیستی هستند یا خیر؟ نقش انقلابی و یا فدا انقلابی بودن دولت سوریه را در جریانات داخلی سازمان آزادی بخش فلسطین و جنگ لبنان و نقش دولت سرهنگ قذافی را در پیاده کردن نیرو در چاد، چگونه ارزیابی میکنید؟ (در این زمینه‌ها مقالاتی در "جهان" درج شده و خواهد شد). ۴- از طرف نیروهای انقلابی به مبارزات و موقعیت خلق عرب ایران کم بها داده شده است و در "کار"های (۱۹ اردیبهشت و ۱۲ خرداد) و نیز ریگای گدل هم هیچگونه اشاره‌ای به روز تاریخی ۹ خرداد (چهارشنبه سیاه) روز سرکوب خلق عرب نشده است. ۵- لازم است مفعاتی که قلم در "کار" به منظور پاسخ به سئوالات رفقای هوادار - اختصاص یافته بود، مجدداً ایجاد گردد تا بدینوسیله، خاصه در شرایط خفقان موجود به تقویت ارتباط فکری هواداران با سازمان کمک گردد.

● آمریکا - از هواداران ارتش - مردم ارمنستان اطلاعیه و پیامی خطاب به مردم سراسر جهان بدستمان رسید. این نوشته‌ها در باره شهادت دو تن از اعضا کمیته مرکزی "آسالا" بدست عوامل جنایتکار سازمان جاسوسی ترکیه (مست) میباشد. ۲۴ سازمان انقلابی و جنبش آزادیبخش خاورمیانه (از جمله جبهه آزادیبخش بحرین، جبهه خلق برای آزادی عمان، جبهه خلق برای آزادی فلسطین (برهبری جرج حبش) و چندین جبهه فلسطینی و اردنی و کرد و لبنانی و عربستانی) بیانیه مشترکی در محکوم کردن این جنایت منتشر کرده‌اند.

● فرانسه - لیون، رفیق م.ع.: نوشته توضیحی شما در باره مقاله "دوراه" و توضیحات "شورای" نشریه مجاهد بدستمان رسید. از آنجائیکه مقاله مشابهی در "جهان" ۱۵ درج گردیده است، ضمن تشکر از شما، چاپ مطلب ارسالی شما را دیگر ضروری نمیدانیم. ● آلمان - جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران: بولتن پاییز ۶۲ شما به دستمان

رسید. این بولتن حاوی سختی کوتاه از دفتر موقت هماهنگی این جامعه و نوشته‌ها و اشعاری از سهراب سپهری، علی اصغر حاج سیدجوادی، عبدالکریم لاهیجی، پرویز دستمالچی، احمد علی باستانی، رضا مجیدی و ... میباشد. ● آمریکا - فریاده نشریه هواداران سچفا در شهوت: نهمین شماره نشریه حاوی مطالبی در باره واقعه انزلی و مبارزات میادان، اخبار ایران، بویژه کردستان و قطعات آموزشی و ادبی بدستمان رسید.

● آمریکا - سازمان دانشجویان ایرانی، هوادار سچفا: شانزدهمین خبرنامه شما که حاوی اخبار ایران و ... میباشد، بدستمان رسید.

● انگلستان - سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هوادار سچفا: خبرنامه شما، ویژه آکسیون های سراسری هواداران در خارج از کشور (۷ نوامبر) بدستمان رسید.

● کانادا - انجمن های دانشجویان ایرانی هوادار سچفا: رفقای مبارز، هفته نامه خبری شما را دریافت کردیم. این شماره‌ها حاوی مطالبی در باره تداوم مبارزه در کردستان، اخبار ایران، آموزش فلسفه، پاسخ به نامه‌ها، هنر و ادبیات میباشد. موفقیت شما را در ارتقا فرم خبرنامه و وسائل تکنیکی تهیه آن تبریک میگوئیم.

● تایلند - کمیته سپاه گل هوادار سچفا: رفقای مبارز، چهاردهمین خبرنامه شما همراه با تعدادی اعلامیه به دستمان رسید. این شماره حاوی مطالبی در باره انقلاب سوسیالیستی اکبر، رهبران مجاهدین، سبک کار کوموله، اخبار، تقویم تاریخ و ... میباشد.

● هند - سازمان دانشجویان ایرانی (هوادار سچفا): ششمین شماره خبرنامه این سازمان بدستمان رسید. این شماره حاوی اعلامیه‌ای از کمیته سازماندهی هسته‌های مقاومت سچفا، اخبار کردستان، اخبار کارگری و ... میباشد.

● ترکیه - فدراسیون هواداران سچفا: غیر نامه شما ویژه عملیات اعتراضی سراسری هواداران در خارج از کشور (۷ نوامبر)، بدستمان رسید. برای اطلاع خوانندگان "جهان"، رفقای فدراسیون در این خبرنامه متذکر شده‌اند که "متأسفانه به دلیل شرایط خودویژه ترکیه و مصادف بودن این عمل سراسری با انتخابات ترکیه نتوانستیم همزمان با رفقا، عملی اعتراضی داشته باشیم

● ایتالیا - سازمان دانشجویان ایرانی

هوادر سچخا: نسخه‌هایی از کار بزبان ایتالیایی، چند اعلامیه و نیز اولیسن شماره خبرنامه شما که از جمله مساوی گزارش اعتصاب غذای بین‌از ۶۰ تن از رفقا در ایتالیا (رم) همزمان با آکسیون ۷ نوامبر بود، بدستمان رسید. آغاز انتشار خبرنامه و تشدید فعالیت‌های تبلیغی و آگاهگرانه شمارا تبریک میگوئیم.

● آمریکا - علم و جامعه: از ارسال شماره ۲۹ مجله علم و جامعه برای "جهان" تشکر میکنیم. این شماره حاوی مطالبی در باره حیدرعمواوغلی، نظام آسپایی در ایران، شرکت‌های چند ملیتی، جنبش تنباکو، نیروهای انقلاب در السالوادور، برنامه اجتماعی چارتیستها، پابلو نرودا و شعور و ... میباشد.

● بلژیک - هواداران سچخا: گزارش - فعالیت‌های شما و کپی نامه و تلگرافهای ارسالی به مراجع بین‌المللی جهت آزادی رفقای دستگیر شده در لندن در ارتباط با آکسیون ۷ نوامبر، بدستمان رسید. بیشک آزاد شدن رفقای دربند مدیون فعالیتها و فشارهای سیاسی است که رفقای نظیر شما در کشورهای مختلف انجام داده‌اند.

● هند - حیدرآباد، انجمن دانشجویان ایرانی: همانطور که در "جهان" شماره ۱۵ اشاره شد، نامه سرگشاده‌ای خطاب به کلیه نیروها و شخصیت‌های مترقی خارج از کشور از طرف "انجمن دانشجویان ایرانی" بدست ما رسیده است که بدلیل طولانی بودن تنها نکات مهم آن را منعکس میکنیم. پس از مقدمه‌ای در مورد وضعیت ایران و جنایتهای رژیم جمهوری اسلامی، نوشته شده است که "کارهایی که تاکنون در خارج از کشور انجام شده چه از لحاظ اغشاگری، چه از لحاظ ایجاد نهادهای دمکراتیک و چه از لحاظ توسعه فرهنگ پویا و آگاهی بخش، پراکنده، بی برنامه و ناکافی بوده است. دراینمورد بیشترین انتظار از شماست که در محیط نسبتاً آزادتر اروپا زندگی میکنید، تاکنون فعالیتها کم و بیش فردی و بدون برنامه و بدون انجام بوده است. حتی مجله‌ها و روزنامه‌هایی که شما منتشر میکنید بدست خیلی از آوارگان ایرانی در خارج از کشور نمیرسد ... نویسندگان نامه در قسمتی دیگر در مورد وضعیت اسفبار بیش از ۲۰۰۰ ایرانی مقیم هند (که "حدود ۲۰۰ نفر از آن عده را عناصر انقلابی، مارکسیست و دمکرات تشکیل میدهند") که در بدترین شرایط فقر و درگیری زندگی میکنند نوشته‌اند و اینکه چگونه ایرانیان مترقی با زندگی در کمونهای کوچک و تشکیل گروههای

مطالعاتی و ترتیب دادن جلسات بحث و سخنرانی و تظاهرات و اعتراضات دانشجویی با مشکلات مالی و غیره دست و پنجه نرم میکنند و مبارزه علیه ارتجاع را ادامه میدهند در حالیکه بعضی عناصر متزلزل که با قدرت یافتن انجمن‌های اسلامی و تحت فشارهای مادی "به تنگ بیعت با ازدهای هفت سر جمهوری اسلامی" تن داده‌اند و بعضی دیگر در اثر فقر شدید به قاچاقچی گری، و معامله‌گری در بازارهای سیاه و عده‌ای نیز به اعتیاد و انواع تفریحات ناسالم کشیده شده‌اند."

نویسندگان نامه معتقدند که برای رفع مشکلات و نابسامانی‌های موجود در بین آوارگان ایرانی مترقی بخصوص در هند، فیلیپین و پاکستان، اسپانیا ... باید در گام اول بر اساس همبستگی تمامی نیروها و عناصر مترقی برنامه‌ای حداقل در چهارچوب نهادهای دمکراتیک (اتحادیه بین‌المللی آوارگان ایرانی) بوجود آورد و از طرق مختلف از جمله فشار بر "کمسیون عالی ملل متحد برای آوارگان" در جهت فراهم کردن کمک مالی و حق کار و تحصیل، گذرنامه بین‌المللی ... در جهت سازمان بخشیدن به وضع آوارگان تلاش نمود. در گام دوم میتوان یک دانشگاه ایرانی در خارج از کشور تأسیس نمود. این عده‌ای رزمنده میتوانند بسته شدن و اسلامی شدن دانشگاهها را در ایران حیران نموده و برای توسعه و عمران آینده ایران و جهان کادر تهیه نمایند. اطمینان داریم که برای اینکار کادر لازم در بین خود ایرانیان آواره وجود دارد. ما در همین هند لیسانس فوق لیسانس دکترای علوم، اقتصاد و جامعه شناسی کم نداریم. برای تأسیس چنین دانشگاهی به ساختمان و غیره، لااقل در مرحله نخست نیاز نیست. ابتدا باید هیئت امنای تشکیل شود و برنامه خود را اعلام نماید و بدو کار خود را با دوره‌های مکتوباتی شروع نماید در این مرکز بزرگ آوارگان، میتوان هنر و فرهنگ ایرانی را رشد داد و ... مثلاً ما میتوانیم مرکز اشاعه موسیقی، تئاتر و نقاشی ایرانی و به تأسیس ورزشگاهها همت گماریم. و حتی یک دستگاه فرستنده قوی نصب کنیم که ایران را زیر پوشش خود قرار دهد. تأمین مالی تاسیسات و فعالیت‌های فوق با کار خستگی ناپذیر خود ما، انضباط و سازماندهی و زندگی کمونی... کمک سازمانها و شخصیت‌های مترقی و آزاداندیش بین‌المللی و ... انجام خواهد پذیرفت و ... در اینجا لازم میدانیم از آنجا که رفقا و دوستان عزیز نویسنده نامه خواستار

پیشنهادها و رهنمودهای خوانندگان نامه شده‌اند، چند نکته را بیان داریم. در وهله اول جدیت، احساس مسئولیت و تعهد انسانی شما در قبال جنبش‌علقهای ایران، فرهنگ ایرانی و بویژه وضعیت نابسامان آوارگان مترقی ایرانی قابل احترام و ستایش است. ما به سهم خود، ضمن استقبال از ایده‌ها و تلاش‌های شما در این راه، معتقد هستیم که طرح تأسیس "دانشگاه ایران در تبعید" با توجه به واقعیتها و شرایط بالفعل و حتی بالقوه قابل اجرا و عملی نمیشود چرا که در وهله اول به یک دوره فشارکاتی چندین ساله، با بودجه‌ای قابل توجه، با کادرهای مجرب و علاقمند، در یک کشور مشخص با توجه به امکانات حقوقی و سیاسی موجود در آن - کشور و ... احتیاج دارد و این با هدف گسترش و تعمیق مبارزه ضد رژیم و تمرکز نیروها در آن جهت همسو و هماهنگ نیست و از آن گذشته بسیاری از ایرانیان بطور طبیعی ترجیح میدهند که بخصوص اگر در رشته علوم تجریمی تحصیل میکنند در دانشگاههای ثبت نام کنند که از امکانات بیشتتری برخوردارند. و بسیاری از ایرانیان در این نوع دانشگاهها شهریه‌ای پرداخت نمیکند و گاهی از امکانات پولی آنها نیز استفاده میکنند. در حالیکه این امر از تسوان دانشگاه پیشنهادی شما بر نمی‌آید.

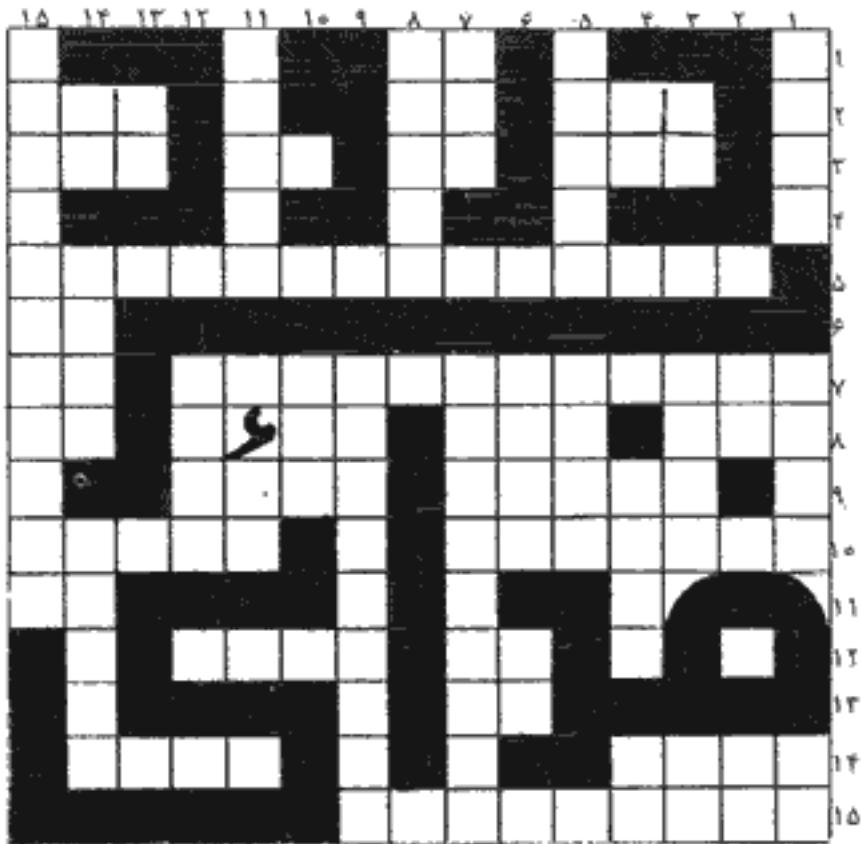
تنها کار عملی و واقع بینانه در این زمینه تلاش جهت ایجاد و یا تقویت دبارتمان‌های مربوط به مطالعات خاورمیانه و خاصه ایران در دانشگاه‌های موجود در کشورهای مختلف میباشد.

از اینها گذشته ما به مثابه یک سازمان هوادار و یک تشکل سیاسی، عمده‌نیروی خود را در زمینه مبارزات سیاسی علیه ارتجاع حاکم بر ایران و امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا وقف کرده‌ایم. اگرچه لازم و مفید میدانیم که در حمایت و همکاری و در خدمت گرفتن کادرهای خود در چنین زمینه‌هایی نیز که مستقیم و غیر مستقیم در خدمت تقویت امر انقلاب و ارتقاء علوم، فرهنگ و هنر ملی و مبارزات سیاسی طبقه‌ایمان و گامی عملی در جهت رفع مسائل مبتلا به هموطنان مترقی آواره‌مان باشد، قدم برداریم.

● آمریکا - کالیفرنیا، م. ف. : مقاله خوب شما در مورد حیدرعمواوغلی رسید. ضمن تشکر در فرصت مناسب از آن استفاده خواهد شد.

● انگلستان - لندن، م. ف. : رفیق عزیز از نامه مسئولانه شما متشکریم. سعی میکنیم مشکل تاخیر فعلی در توزیع جهان در اروپا رفع شود. برای اشتراک مستقیم "جهان" از

افقی



- ۱- شهر آخوند پرور .
- ۲- بد نیست - یگدندگی - استغابات بر اساس آن صورت میگیرد .
- ۳- سازمانی انقلابی در شیلی - من و تو - عضو اصلی بدن - ظاهر .
- ۵- یکی از اصول سازمانهای انقلابی که در سازمان مجاهدین بسا آن بیگانه اند .
- ۶- شاه ناقص .
- ۷- مظهر همبستگی بشری - یکی از صادرات شیلی که بخاطر آن I.T.O. کودکانی آمریکائی علیه حکومت ملی آلنده را دامن زد .
- ۸- جنایتکارترین مرکز جاسوسی و خرابکاری جهان و عامل بسیاری از کودتاهای ضد خلقی - (ب) مانع بیداشدنش گشت - آزادی وی جدا از آزادی جامعه نیست - ماده شیمیائی که در سبزمیشی فراوان است .
- ۹- از صفات انقلابیون - وسیلهای موثر در جاسا کردن اجسام .
- ۱۰- بینشی سازشکارانه - کسب قدرت سیاسی از بالا .
- ۱۱- از رهبران انقلابی جنبش خلق فلسطین - درخت زبان گنمشک .
- ۱۲- ریشه - کشوری انقلابی در آمریکای لاتین که "خلیج خوکهای" آن معروف است .
- ۱۳- لحظه .
- ۱۴- یکی از ماههای تقویم میلادی - هدف .
- ۱۵- اولی بر آرم سچفا دیده میشود ، دومی کارگر صنعتی .

- ۶- نشانی - توصیف اوضاع ایران در ۲ حرف .
- ۷- نوعی سلاح که اکنون در دست دارید - کاریکاتوری از نمایش اتحاد ملل .
- ۸- نام نشریه یکی از سازمانهای ضد رژیم .
- ۹- یکی از وزارتخانه ها .
- ۱۰- مادر .
- ۱۱- طبقه تا به آخر انقلابی - بی پرده .
- ۱۲- از مرکبات .
- ۱۳- بر و آرونه .
- ۱۴- مادر به عربی - فدائی و از رهبران خلق ترکمن بود .
- ۱۵- فدائی کبیر همزیم حمید اشرف .

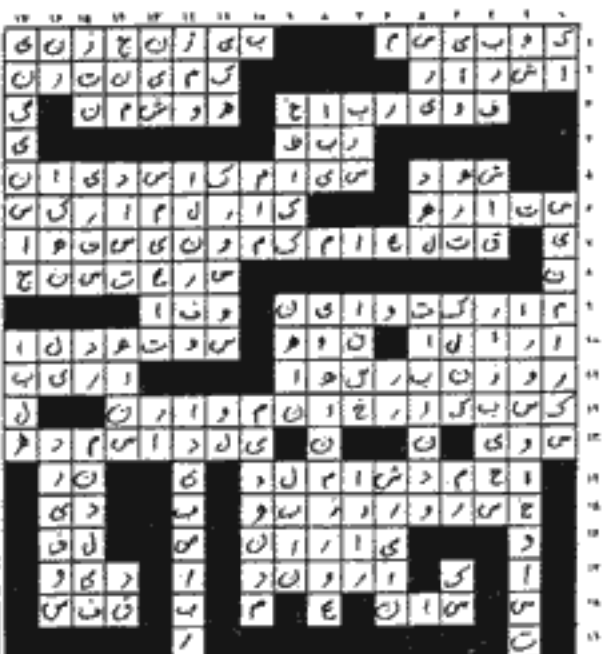
عمودی

- ۱- شاعر و نویسنده کمونیست آلمانی - کسیکه به اسارت درآمده است - بالا آمدن آب .
- ۲- یکی از آلات موسیقی - تکرار یکی از حروف .
- ۳- دو حرف اول حرفی اضافه ، دو حرف دوم رم وارونه - خاک ترمز .
- ۴- ضمیر سوم شخص - تکرار شهری در ایران - از دیدگاهها .
- ۵- دومین شهری که در قیام ۵۷ بیا خواست - دعا نمودن (بدون حرف آخر) .

حل جدول شماره قبل

توضیح و بپوش :

متاسفانه در طرح "مرگ بر اختناق" جدول شماره قبل اشتباهی رخ داد ، ضمن پوشش از علاقمندان جدول ، فرم اصلاح شده آنرا همراه با پاسخ مربوطه در این شماره چاپ میکنیم .



شاعران مبارز قرار دهد ، حتی در آن قسمتی که به مسئله حجاب زن برخورد میکند و به آن حمله میکند ، نتیجه گیری اش مبسوط است ... در یکی از شاهکارهایش "عارف - نامه" سعی کرده است عارف ، این شاعر مبارز را به لجن بکشد ...

● دلیل کمبود جا قادر نشدیم به همه نامه های رسیده پاسخ گوئیم . ضمن پوشش به بقیه نامه ها در شماره آینده پاسخ داده خواهد شد .

برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمائید :

جهان JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

آمریکا هزینه یکساله ۲۵ دلار میباشد . در مورد اشتباه تایپی مربوط به جدول متاسفیم ● ترکیه - استانبول ، س : رفیق عزیز ، انتقاد مسئولانه شما را نسبت به نکته های در مقاله مربوط به زندگی و آثار شاعر مبارز و انقلابی ، ابوالقاسم لاهوتی که در "جهان" ۱۴ چاپ شده بود ، وارد دانسته و از شما متشکریم و برای اطلاع خوانندگان عزیز و نیز نویسنده آن مقاله بخشی از نامه شما را نقل میکنیم : ... رفیق نویسنده (مقاله مزبور) معلوم نیست به چه دلیل و بنا بر کدام معیار ایرج میرزا را در رویه شاعران مبارزی نظیر عارف ، لاهوتی ، مشقی و ... قرار داده ؟ ... با نگاهی گذرا به دیوان وی به جرئت میتوان گفت که افکار و زندگی شخصی ایرج میرزا درگیر انحرافات عمیق و ابتذال چندش آوری بوده است و این جنبه غالب در فکر و اندیشه و زندگی اوست و سرودن باره ای اشعار و انتقاد از نبود آزادی و ... نمیتواند او را در ردیف

سخنی بادوستان سراینده

هر ماه انبوهی شعر و نوشته های شعرگونه از سوی دوستانی که طبعی روان دارند برای نشریهای "جهان" فرستاده می شود. "جهان" همت این دوستان با ذوق را ارج می نهد و از میان آثارشان تعدادی را که هم از نظر محتوی و هم از نظر قالب از کیفیت مناسب برخوردارند چاپ می کند. اما از آنجا که طبیعت بسیاری از این "اشعار" قربانی با شعرندارد تعدادی از آنها در بایگانی "جهان" مدفوف میماند. بسیاری از دوستان سراینده توقع دارند که ما اشعارشان را اصلاح کنیم و یا بخشهایی از آنها را در "جهان" به چاپ برسانیم. اگر اثری ماری از جوهر شعری نباشد البته در خواست دوستان پذیرفته خواهد شد. اما در کار سرودن اولاً دانستن زبان فارسی و ثانیاً رعایت این نکات ضروری است که شعر باید با واقعیتهای ملموس زندگی پیوند داشته باشد و این واقعیتها را با رسانترین و زنده ترین حالات منعکس کند. شعر باید پیمای را با خود حمل کند پیمای که نو و پراکنگیزاننده باشد. اگر این پیام دردی مشترک است که شعرا - یا کلا هنرمندان دیگر - قبلاً آنرا بنویسی تصویر کرده اند شاعر باید قالبی نوین برگزیند و بخشی از اندیشه های خود را نیز در آن پیام گهسین بریزد و آنرا با شکی بدیع و ترکیبی تازه متبلور سازد. دوستی می نویسد:

جنگل مبهمان نوار خنجر خواهد شد
کبیر لوت مینان خلیج

این مضمون را شهید گلرخی سالها پیش در قالب شعر ریخته است و این مضمون در فرهنگ انقلابی ما تا همیشه زنده خواهد بود. اما حرکت امروز مبارزه و مقاومت امروز و مسایل امروز ایران که اخبار آن از هر بام و در فرو می ریزد هر یک مضمون تازه ای است برای نوشتن و برای سرودن. شاعر باید دقیقاً مشخص کند که کجا ایستاده است و چه چشم اندازهای زنده ای را فرارزی خود می بیند. این گلی کبیر است:

قلب من قلب خلقهای تحت ستم
فریاد می کشد:

اگر امروز آزادی
نسل فردا آزاد
و اگر فردا آزادی
خونمان می نویسد:

تاریخ مبارزات زحمتکشان را
شبهای سیاه دیروز و امروز را
که تنها ره رهایی دیکتاتوری پرولتاریایی (!)

ما احساسات سراینده ای این اثر را سنایش می کنیم ولی این اثر فاقد پیام و جوهر شعری است. از نویسنده ای این اثر بیانیهی دیگری نیز در دست است بنام مرگ بر روی زمینیم شکست حزب ستوده خائن. مواضع سیاسی سراینده در رابطه با خیانتند های حزب ستوده مورد تأیید کامل ماست. اما ایسین نوشته نمی تواند بعنوان شعر در جهان درج گردد. دوست دیگری اثری برایمان فرستاده است بنام "طلوعی دیگر باید...". از قرائن پیدا است که سراینده حرفهایی برای گفتن دارد اما کوشش برای رعایت وزن عروضی زبانش را دچار لگت می کند و اثر قالب شین خود را از دست می دهد:

چو بنشست بر سریر قدرت این قتر سیاه کینه خود
کاکسی

با رنگ و نیرنگها همه نامردی
اندود بلند ا طاقی این پیران زمین سخت بنیان را.

دوستان! اگر چه همه شعرای خوب فارسی زبان طرائق وزن را در قیافه می شناخته اند اما ضرورتاً آنرا رعایت نکردند در حالی که اگر وزنی را بکار گرفته اند آنرا بنویسی در تمام شعر مرغی داشته اند.

جرقه هایی از شعر را در اثری بنام "نارقه حکایت" می توان پیدا کرد اما این اثر موضوع گیری نایی است بلکه علیه خیانتهای مهدی سامع و تودلگه های شورای طوسی مقاومت:

باران سرزنش
فرو می بار

بر "لنین" ۲۲!
که برای نجات و رهایی بلشویسم ناب!!
عروس لوس "کادت ها" نکشت.
تا من به چاره بندیرم.

این بلشویک ۲۲! خسته
آرمیده در بغل شورا...
آنچنان حق است که
.....

مواضع سیاسی این رفیق نیز مورد تأیید ماست اما این اثر برای چاپ در "جهان" بعنوان شعر مناسب به نظر نمی رسد.

دوستان دیگری نیز آثار بالابندی برایمان فرستاده اند که تازه کاریشان در سرودن باعث شده است که اثرشان تداوم منطقی خود را بعلمت طولانی بودن از دست بدهد از آنجمله است شعر "جنگل دوباره در تدارک تفتان دیگری است" (۱) شاید بهتر باشد که دوستان تازه کار ملاحظه و مضامین تازه را در قالبهای کوتاه تعریف کنند.

دوست عزیز اسماعیل آثار شما تا حدود زیادی از جوهر شعری برخوردار است. سعی کنید حتی - المقدور از واگیری مضامین شعرای انقلابی ایرانی و فلسطینی پرهیز کنید. در آثار شما تصاویر زنده بسیار است. شعرآبادان شما را با اندکی تغییر در "جهان" چاپ می کنیم:

آبادان

ای شهر کارخانه و شرعی
ای شهر دود و خاک
با کوچه تنگت
با سنگفرشهای خونینت
بر تو چه می رود اکنون؟
ای شهر من!
ای شهر نفت و کارون
ای شهر کار و خون
بر تو چه می رود اکنون؟

رهگذر

برای شهید جلال
شبی از شبها
کسی از جنگل خاموش آمد
و چراغی افروخت
در سکوت شب شهر
و به ما آموخت
که سیاهی را، شب را
گر که هر یک شمعی امروزیم
خواهیم شکست.
حیدرآباد - هند، اکبر

ترانه بافندگان سیلرے

حتی سرشکی در چشمان بی نور نیست،
در پس دستگاہ بافندگی، با دندان فشرده
نوشته اند:

آلمان، ما کفن ترا می یافیم،
و همراه آن نیز سه بار لعنت -
می یافیم، می یافیم!
یک لعنت به خداوند که به درگاهش نماز بر داریم
در سرمای زمستان و در نیاز گرسنگی،
بپیوده امید ورزیدیم، بپیوده با فشریم،
او ما را بسفره گفت، خوار داشت و زبون
ساخت -
می یافیم، می یافیم!
یک لعنت به شاه، شاه شروتمندان،

بیاد های نریش هاینه، شاعر و نویسنده
انقلابی آلمان (۱۸۸۶-۱۷۹۷)

های نریش هاینه، شاعر و طنزنویس
ناعداد آلمان، در ۱۲ دسامبر ۱۷۹۷ در -
آلمان متولد شد و در ۱۷ نوامبر ۱۸۵۶ در سن
۵۹ سالگی پس از تحمل رنج ۷ سال بیماری
فلج عمومی، دیده از جهان فرو بست. هاینه
از دوستان نزدیک مارکس و انگلس بود و
آثارش در مردم آلمان و جهان اثرات مثبتی
بخشید. ما برای زنده داشت یاد او قطعه
کوته ای از اشعار او را در زیر چاپ میکنیم:

که نتوانست مصیبت ما را درمان بخشد،
بلکه واپسین پیش را نیز از ما ستاند،
و فرمان داد چون سگان بسوی ما شلیک کنند
می یافیم، می یافیم!
یک لعنت به میهن دروغین
آنجا که تشها تنگ و عار شکفته میشود،
آنجا که هر گلی در بهاران می پژمرد،
آنجا که فساد و تباهی پرورشگاه کرمهاست
می یافیم، می یافیم!
ما کو در جنبش دستگاہ در ولوله،
پرکار، شب و روز گرم بافتنیم.
آلمان پیرا! این کفن توست که می یافیمش
و به همراه آن نیز سه بار لعنت:
می یافیم، می یافیم!

هموطن! نشریه جهان را برای خود و دوستان خود مشترک شوید!

شما میتوانید نشریات "کار"، "ریگای گدل" و
"جهان" را از طریق آدرس های زیر تهیه نمایید.

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PF 370-1061
WIEN, AUSTRIA
۱۲۰ شیلینگ برای ۶ شماره
۲۳۰ شیلینگ برای ۱۲ شماره

آلمان غربی
POSTFACH 3653
7500 KARLSRUHE, W.GERMANY
۱۵ مارک برای ۶ شماره
۲۵ مارک برای ۱۲ شماره

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185
U.S.A.
۸ دلار برای ۶ شماره
۱۵ دلار برای ۱۲ شماره

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC IN3XX
ENGLAND
۵ پوند برای ۶ شماره
۹ پوند برای ۱۲ شماره

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI
ITALI
۹۰۰۰ لیر برای ۶ شماره
۱۷۰۰۰ لیر برای ۱۲ شماره

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5
BELGIQUE
۵۰۰ فرانک برای ۶ شماره
۹۰۰ فرانک برای ۱۲ شماره

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM
SWEDEN
۸۰ کرون برای ۶ شماره
۱۲۰ کرون برای ۱۲ شماره

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۷۰ فرانک برای ۶ شماره
۱۲۰ فرانک برای ۱۲ شماره

کانادا
ISS
P.O. BOX 101, STATION H
MONTREAL,
QUEBEC H3G2K5
CANADA
۱۰ دلار برای ۶ شماره
۱۸ دلار برای ۱۲ شماره

با کمک های مالی خود، سازمان چریک های

فدایی خلق ایران

و سایر اعضاء پارسی زبانان

گذهای کمکهای مالی ارسال شده

به سازمان چریک های فدایی خلق ایران

دولار	آمریکا
۱۰۰	اسپارتاک
۵۲	بلشویک وار ۵۲
۲۵	رالا - ۲۵
۵۰	رفیق مارتیک
۱۸۰	قازاریان - ۳
۱۰۰	ف - انگلس
۱۰۰	سجفا
۱۰۰	۱۶ آذر
۱۰۰	سیاهکل
۲۵	رفیق آ. سلطانزاده
۱۲۰	لافايت ۱۲۰
۱۰۰	آرلینگتون ۱۰۱
۶۳۸	هیئت تحریریه کار
۱۵/۶۵	بانگستان
۱۸۶/۵۰	بستون - مریم دژ آگاه
۱۰۰	سین سینا
۲۷۰	دنتون
۲۵	میامی ۳۰۵
۲۲۷	کلمبوس - رفیق مدائن
۳۵۲	کلمبوس - فستیوال
۵۰	ز - ۱۰۰
۲۶	م. ل.
۱۰۰	ج - ۹۱۲
۸۲۰	بلومینگتون
۲۲۵	سینتار جنوب
۲۰	سان دیاگو
۲۰	امپوریا
۵۵	سیاتل
۵۰	محسن - سیاتل
۵۰	باغمشه
۱۰	نور فلک
۱۵۰	دالاس
۲۰	اوهایو - ۱۰
۵۰	لافايت ۵۰
۲۰	رفیق کلانتری
۱۰۰	م
۲۲۵	الف - ف
۲۰	میتاقی
۲۰	انترناسیونال
۱۰	مپوش
۱۰	منصور
۵۰	آرش
۲۰	باگی
۲۰	مسروپ
۱۵	کمیته زنان
۵۰	کانادا
۲۰	"رفقای مونترال"
۱۰۰	انگتر اهدای شما رسید.
۱۳۵	ستاره سرخ
۶۰	اشرف - دوران
۲۰	احسن و شهریار
۲۰	نوید
۲۰	۲ - آمل
۱۰۰	فدائی
۲۵	حمید اشرف
۱۲۰	آرش
۵۲	بلشویک وار ۵۲
۱۰۰	بیاد سعید
۲۰	لنین (۲)
۲۸	لنین (۳)
۵	اسکندر
۸۲۴	منچسترو میدلز بورو
۵	انور اعظمی
۵	جزئی
۴	هادی
۶	کاظم
۵۷۰	جلسه
۸	ر - م
۱۲۰	رفیق اسکندر
۵۰	بدون کد
۲۰	م - استرالیا
۱۳	مندوق کمهای مالی
۶۰	لنین (۴)
۱۰۲۰	شهرام میرانی
۱۰۲۰	شاهرخ میتاقی
۹۰۰	واحد استهکلم
۱۳۰۰	واحد اکلا
۱۰۰۰	لین شوپینگ
۹۰۰	واحد استهکلم
۲۵	لنین (۱)
۶۰	بیژن جزئی
۵۰	سیانک استدیان
۲۵	لنین (۱)
۶۰	بیژن جزئی
۵۰	سیانک استدیان

اطلاعیه

هموطنان مبارز، رفقای هوادار!

نزدیک به سه سال است که رژیم جمهوری اسلامی ایران بطور سبانه و همه جانبه ای
مناشی کردن سازمانهای انقلابی را در دستور کار قرار داده است.

طی این مدت دهها هزار نفر از بهترین فرزندان خلق توسط حکومت چهل و جنایت
جمهوری اسلامی به شهادت رسیده اند و دهها هزار نفر دیگر در شرایط بسیار بدی در اسارت
رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند.

سازمانهای انقلابی طی این دوره با ادامه پیکار قهرمانانه علیه رژیم، علاوه
بر تحمل ضربات سنگین تشکیلاتی، بخش عمده ای از امکانات مالی و تدارکاتی خود را از
دست داده اند.

همانگونه که تا کنون، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیز با پشت سر گذاشتن
یک دوره سخت و با تحمل ضربات سنگین، هم اکنون در ادا فعالیت های گسترده و بازسازی
و سازماندهی تشکیلات در سراسر ایران وظایف سنگینی بعهده دارد.

در چهارچوب چنین سیاستی، بمنظور ترمیم بخش های آسیب دیده تشکیلات، بویژه
نامین نیازهای تکنیکی، به کمک های مالی شما نیاز داریم. بهر ترتیب ممکن با
جمع آوری و رساندن کمکهای مالی خود، سازمان را در جهت اهداف انقلاب باری رسانید.
محض اطلاع، وجوه جمع آوری شده را میتوانید به آدرس بانکی زیر:

نام حساب: شماره حساب: آدرس بانکی: Credit Lyonnais
134 Bld. Voltaire
75011 Paris, France
A.A.H. 73066F

واریز نمائید و رسید آنها به همراه کد مورد نظر به آدرس فوق ارسال نمائید.
شما رفقای هوادار نیز کماکان کمکهای مالی خود را از کانال تشکیلاتی ارسال
نمائید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

کمیته خارج از کشور

۱۵ دسامبر ۸۳ برابر با ۲۴ آذر ۶۲

پتک است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بزرگر



گرامی باد خاطرهُ فدائیان شهید رفیق داوود نوری

رفیق محمد داوود نوری در فروردین ۱۳۲۵ در خانواده‌ای زحمتکش در اراک متولد شد. دوران دبستان و دبیرستان را در همان شهر به پایان رساند. زندگی سراسر در دورنج رفیق به همراه مشاهده‌دستهای پیخته بسته پدرش اولین درسهای زندگی و مبارزه را به او آموخت. وی برای تأمین مخارج تحصیل و کمک به خانواده‌اش در تعطیلات و تابستانها به کارگری می‌پرداخته هنگامی که هنوز نوجوانی بیش نبود، وارد کانون پسروروش فکری کودکان و نوجوانان گردید و در بخش فرهنگی کانون ثبت نام نمود. در همین رابطه با یک گروه مارکسیستی آشنا شده و به آنها پیوست و شروع به آموختن مارکسیسم - لنینیسم نمود. نقش او در کانون و کثافتن بچه‌های محل به کانون و کتابخانه، تشکیل نمایشگاه و جشنواره فیلم ... بسیار موثر بود. رفیق همانگونه که در مرصه تحصیل تاگردی فعال بود، در زمینه مبارزه نیز از فعالیت چشمگیری برخوردار بود.

در دوره قیام رفیق محمد به‌همراه دیگر دانش‌آموزان و توده‌های انقلابی در اکثری اعتمادیات دانش‌آموزی نقش فعال و ارزنده‌ای را ایفا کرد. پس از قیام به دفاع از دستاوردهای انقلاب پرداخت و پس از ورود به دانشگاه در سال ۱۳۵۸ به صف دانشجویان پیشگام پیوست و فعالیت خود را منجم تر و سازمان یافته‌تر ادامه داد.

چهره مهربان و شخصیت مردمی او در هنگام بخش‌های اعلامیه، شرکت در جلسات، تبلیغ در میان مردم ... هرگز از یادها نخواهد رفت. روحیه رزمنده و خصلت‌های انقلابی او زبانزد دوست و آشنا و فامیل بود.

هنگام انشعاب خط راست "اکثریت"، رفیق به دفاع از مواضع انقلابی سازمان پرداخت و از همان ابتدای شروع کارتشکیلات سازمان در اراک در قسمت‌های توزیع و دانش‌آموزی این شهرستان به‌کار مشغول شد. در شهریور ماه ۱۳۶۰ رفیق توسط پاسداران سرمایه و جهل دستگیر و پس از ۱۵ ماه تحمل وحشیانه‌ترین شکنجه‌های قرون وسطایی تا به آخر به دفاع از آرمان زحمتکشان پرداخت. سرانجام در تاریخ ۲

آبان ماه ۱۳۶۱ به همراه ۱۰ رزمنده دیگر به جوخه اعدام سپرده شد و خط سرخ فدائیس را رنگی تازه بخشید.

یادش گرامی و راهش پیروز باد!

رفیق

احمد طهماسبی

رفیق احمد در یک خانواده کارگری در محله کارگر نشین نفتول در شهر مسجد سلیمان بدنیا آمد. او از بدو طفولیت با زندگی مشقت‌بار کارگران آشنا شد و به همین دلیل خیلی زود پا به عرصه مبارزه طبقاتی نهاد. او با ذهن کودکانه‌اش به پرسش و تفکر در اطراف پدیده‌ها پرداخت و در نتیجه گیری از پرسش‌هایش، کینه نسبت به رژیم شاه را در قلبش انباشت. در ۲۸ مرداد به هنگامی که ۱۵ سال بیش نداشت دست به ابتکار انقلابی زده و با رنگ روی سگی شوست "من شاه‌ام!" و سگ‌ها در شهر رها کرد. این عمل باعث دستگیری و زندان او شد. بعطت صغر سن به دارالتأدیب برده شد، جایی که او را مجبور میکردند تا زندان را نظافت کند و او با گردنی برافراشته از دستور مأمورین سرپیچی میکرد ولی علیرغم این سرپیچی همواره در جهت رفاه زندانیان از نقطه نظر بهداشتی و نظافت کوشا بود. رفیق احمد در همان حال از دارالتأدیب بعنوان محیطی برای تبلیغ در میان زندان - نیان عادی (که همه از نوجوانان بودند) به نحو فعال استفاده میکرد. همین امر باعث شد که رئیس زندان اهواز، علیرغم پایشین بودن سنش او را به بند سیاسی منتقل کند. در همین دوره بود که احمد با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و پس از آزادی از زندان در مدرسه و محله شروع به آگاه کردن اطرافیانش کرد.

در زمان قیام رفیق احمد پیشاپیش توده‌ها به ارگانه‌های سرکوب رژیم از قبیل ساواک، شهربانی ... حمله نمود و در تصرف و خلع سلاح این ارگانها شرکت فعال داشت. با برپائی ستاد سازمان در آبادان، در ستاد به فعالیت انقلابی خود ادامه داد و به صف فدائیان خلق پیوست. رفیق با کسب تجارب در ستاد مزبور و سبزه در بخش انتشارات، در برپائی ستاد سازمان در مسجد سلیمان نقش کاملاً فعالی ایفا نموده و جزو مسئولین ستاد درآمد. او در تحریریه - خبرنامه ستاد مشغول انتشارات گردید.

رفیق که سرشار از ایمان انقلابی به پرولتاریا بود، در سازماندهی اعتصاب کارگران پرسیزیوم شرکت کرد و تا موفقیت این اعتصابات لحظه‌ای از پای نشست. در مقطع انشعاب "اکثریت" قاطعانه در

موضع انقلابی قرار گرفت و جهت تبلیغ و ترویج این مواضع شب و روز فعالیت میکرد، بنحوی که بعطت فعالیت او و سایر رفقای رزمنده‌اش این شهر به یکی از مراکز اصلی فعالیت سازمان تبدیل شد. رفیق بخاطر سخت‌کوشی و قاطعیت در مواضعش و فعالیت چشمگیرش، مشغول انتشارات و عضو کمیته شهرستان مسجد سلیمان شد. او در حدود پانزده سال ۱۳۶۰ به چنگال رژیم گرفتار آمد، اما با استواری در مقابل شکنجه‌های رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی کلمه‌ای بر زبان نیاورد. در عین حال نتوانسته بودند هیچ ردی جهت محکومیت رفیق پیدا کنند، او را به حبس کوتاه محکوم کردند. چیزی به آزادی رفیق نمانده بود که خائنی بنام بزن پولیوند دستگیر و سوابق مبارزاتی رفیق احمد را برای مزدوران - رژیم بر ملا کرد و این خیانت باعث شد که بجای آزادی، رفیق احمد به جوخه‌های اعدام سپرده شود. او که در روزهای ما قبل آزادی به سر می‌برد، قهرمانانه شهادت در راه آرمانش را پذیرا شد.

رفیق مهران محمدی

رفیق مهران در سال ۱۳۲۹ در بروجرد در خانواده‌ای متوسط متولد شد. در دوران دبیرستان با مسائل سیاسی آشنا گشت و در مقطع قیام ضمن تبلیغ و ترویج مواضع سازمان از معدود سازماندهندگان اعتصابات و حرکات اعتراضی دانش‌آموزان شهرستان خود بود.

پس از انشعاب خائنین "اکثریت" رفیق در یکی از هسته‌های مرکزی محلات شروع به فعالیت نمود و بخوبی از عهده مسئولیت خود برآمد. علاوه بر آن رفیق در برپائی نمایشگاهها و تشکیل اکیب‌های کوهنوردی و فوتبال نقش فعالی داشت و اخلاق انقلابی او در زمینه‌های ورزشی زبانزد تمامی دوستان و رفقایش بود. تا اینکه بدلیل امنیتی مجبور به ترک محل فعالیت و با نظر تشکیلات از منطقه خارج گردید. در این فاصله چند ماه رفیق موفق به برقراری تماس مجدد شد، تا اینکه پس از ۵ ماه مجدداً ارتبط برقرار شد و به اراک منتقل گردید. در اراک نیز لحظه‌ای از فعالیت بیدریغ خود در انجام وظائف تشکیلاتی غافل نماند و مسئولیت جدیدش در رابطه با هسته انتشارات دیری نپایید که با حمله مزدوران به محل اختفایش دستگیر گردید.

رفیق پس از مدت‌ها تحمل شکنجه، بالاخره در ۴ آبان ۱۳۶۱ همراه رفقای رزمنده‌اش اعدام گردید.

با تداوم راهش یادش گرامی داریم!

انعکاس خبر اشغال دفتر هواپیمائی ایران در مطبوعات هند

THE TIMES OF INDIA

NO. 309, VOL. CXLVI

CITY

NEW DELHI: TUESDAY, NOVEMBER 8, 1983

16 PAGES

70 PAISE



Anti-Khomeini students seize Iran Air office

By A Staff Reporter
NEW DELHI, November 7.
FOURTEEN anti-Khomeini Iranian students including three girls today "captured" the Iran Air office in Hotel Ashok for about two hours, to express their solidarity with "political prisoners languishing in Iranian jails."

INDIAN EXPRESS, Tuesday, November 8, 1983

Eastern Western & Southern India
THE INQUILAB
ایرانی دہلی کے قیدیوں کا قبضہ
ایران دہلی کے قیدیوں کا قبضہ
ایران دہلی کے قیدیوں کا قبضہ

Anti-Khomeini group 'takes over' Iran Air office
Iranian students occupy office
Anti-Khomeini group 'takes over' Iran Air office
Iranian students occupy office

Anti-Khomeini Iranian volunteers who courted arrest after temporarily occupying the Iran Air office in Ashok Hotel, New Delhi, on Monday. —TOI photo.

Anti-Khomeini students seize Iran Air office
Our Staff Reporter
Fourteen anti-Khomeini Iranian students including three girls today "captured" the Iran Air office in Hotel Ashok for about two hours, to express their solidarity with "political prisoners languishing in Iranian jails."

THE HINDUSTAN TIMES
Daily with Largest Circulation
Lahore and Rawalpindi
TUESDAY, NOVEMBER 8, 1983

Anti-Khomeini students attack 5 airlines offices
Iranian students occupy office
Anti-Khomeini group 'takes over' Iran Air office
Iranian students occupy office

PAKISTAN
ایرانی طلبہ گرفتار
ایرانی طلبہ گرفتار
ایرانی طلبہ گرفتار

Iranian students occupy office for 2 hours
Anti-Khomeini students belong to
THE HINDUSTAN TIMES
Vol 21 No 341 New Delhi Monday November 7 1983 30 Paise

Anti-Khomeini enter Delhi hotel
Students seize Iran Air office
Students remanded
Anti-Khomeini students occupy office
Iranian students occupy office

U.S. Today
U.S. Today
U.S. Today
U.S. Today